

# هفته

سال چهاردهم - پنجشنبه / ۳ تیر / ۱۴۰۰ / ۲۴ ژوئن ۲۰۲۱

بها: ۲,۵ دلار / در مونتreal و اتاوا رایگان  
۶۳۸ [www.hafteh.ca](http://www.hafteh.ca)

## تبعیض سیستماتیک در کبک؟

- ❖ روایت دو دانشجوی ایرانی
- ❖ گزارشی از تبعیض در بازار کار
- ❖ راه دشوار دانشجویان افغان
- ❖ روابط سمی کبک و کانادا



# پادکست

## چکاوک هفته



ویژه‌ی روز ملی کبک



- ۱) تاریخچه‌ی روز کبک به روایت مریم ایرانی
- ۲) گاه‌شمار تحولات فرهنگ اجتماعی کبک مدرن از یاسمن حسینی
- ۳) مهاجرت و تأثیرات آن بر روان مهاجران (نیم‌نگاهی به مهاجرت به کبک)، در کلام دکتر الهام گرامی
- ۴) آشنایی با چند چهره‌ی موفق فرهنگ جامعه‌ی افغان در کبک، به روایت نرگس هاشمی
- ۵) «ماریا شیدلین» (Maria Chapdelaine)، نمونه‌ی مهمی از روایت هنری تاریخ کبک؛ با معرفی فرشید سادات‌شریفی
- ۶) «روز ملی مردمان بومی» در آینه‌ی تاریخ کبک، به روایت مریم ایرانی



مجله صوتی فارسی زبانان کانادا

پادکست هفته را می‌توانید از پلتفرم‌های زیر بشنوید



Hafteh.ca | info@hafteh.ca





دکتر شریف

دکتر البدال

دکتر مهرنوش

Dr. Sharif  
Dr. Albazzal  
Dr. Mehrnoosh

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪

بیماران جدید ۱۰٪

Montreal

Brossard

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,  
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique Dentaire Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd  
Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire  
soleil-brossard.com

مهاجرین عزیز

آیا می‌دانید که خریداران نیازی  
به پرداخت پورسانت ندارند؟

قصد خرید خانه یا آپارتمان دارید؟  
می‌خواهید ملک خود را بفروشید یا قصد سرمایه‌گذاری دارید؟  
در تمام مراحل خرید یا فروش همراه شما هستیم.  
با ۱۵ سال سابقه در امور مشاوره املاک  
و ۳۰ سال سابقه در زمینه ساختمان

مشاوره رایگان و حضوری ۷ روز هفته

514 969 2492

• بیش فروش آپارتمان در بهترین نقطه Downtown

• خانه‌های اجاره‌ای در West Island



فکین خاکسار - نادر خاکسار

مشاور رسمی املاک مسکونی و تجاری



ZAGROS  
AMEUBLEMENT Inc.

## مبلمان زاگرس

انواع مبلمان ، میز غذاخوری ،  
فرش های دستباف و ماشینی  
لوازم برقی و کولر  
سرویس خواب



We Design Your Home **More Beautiful**

(514) 559 6020   
6476 Jean Talon E   
info@zagrosmtl.ca 



Sutton



# آرزو گتمیری مشاور املاک

**AREZOU GATMIRI**  
Courtier Immobilier Résidentiel

[agtmiri@sutton.com](mailto:agtmiri@sutton.com)

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

**Cell: (514) 561-3-561**

Groupe Sutton-Sur L'île  
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8  
Bureau: (514) 769-7010

Sutton

# فیروز همتیان

## مشاور املاک مسکونی و تجاری

با ۳۸ سال سابقه کسب و کار در کانادا و ۱۸ سال تخصص در مشاوره املاک

- مشاور ارشد املاک در مونترال و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وامهای مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بیزینس



ارزیابی رایگان

**Cell: (514) 827-6364**

Bur: (514) 364-3315  
fhemaatiyan@sutton.com  
9515 Lasalle Boul. Lasalle, QC H8R2M9

Firouz Hemmatiyani  
Courtier Immobilier Agréé  
Certified Real Estate Broker



**تبعیض سیستماتیک در کبک؟**

- \* روایت دو دانشجوی ایرانی
- \* گزارش «گرت» از تبعیض در بازار کار
- \* راه دشوار دانشجویان افغان
- \* روابط سمی کبک و کانادا



**گفت و گو**

گفت و گو با «دانیال باقری سروستانی»:

**مقابله با فرهنگ استعماری و وظیفه ماست**

**ترجمه: نگاره پرونده**

یک گزارش تکان دهنده:

**بازداشت‌های غیرقانونی مهاجران و پناهجویان در کانادا**



**فرشید سادات شریفی**

**طنز فقط تفریح نیست**

گفت و گو با سحر شریف‌نیک طنزپرداز از کلگری

**داستان کوتاه: سحر شریف‌نیک**

نقیضه‌ی بربز زنگوله پا

**تازه‌های کتاب: یاسمن حسنی**

«اگر می‌دانستی تا کی زنده هستی» و رمان "la villa aux étouffes"

**داستان کوتاه: حمیدشور کایی**

چند روز پیش حالم هیچ تعریفی نداشت

**شعر دو زبانه: خالد بایزیدی (دلیر)**

چند شعر کردی از ژیکال مریوانی با ترجمه فارسی

( 5 1 4 ) 8 3 4 - 7 2 5 4  
 ■ www.hafteh.ca  
 ■ info@hafteh.ca  
 ■ news@hafteh.ca  
 ■ ad@hafteh.ca  
 ■ ISSN1918-4379HafteH

**تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۱ میلادی:**  
 پنجشنبه ۷ ژانویه، پنجشنبه ۲۵ مارچ  
 پنجشنبه ۸ جولای، پنجشنبه ۱۴ اکتبر

- هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
- برداشت مطلب با ذکر ماخذ آزاد است.
- لطفاً مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.
- هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.
- نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.
- استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
- درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار      دانشجویی: ۶۰ دلار

**هفته - سال چهاردهم - شماره ۶۳۸**  
 پنج‌شنبه ۳ تیر ۱۴۰۰ / ۲۴ ژوئن ۲۰۲۱  
 بها: ۲/۵ دلار / درمونتال و اتاوا رایگان  
 ناشر: مجله‌ی هفته

**صورت آواز مرغ است آن کلام  
 غافل است از حال مرغان مروخام**



گفت‌وگو؛ حبیب عثمان  
داستان تولد یک ورزش مردمی در کابل  
گفت‌وگو با محمدآصف عطا قهرمان قدیمی  
کاغذپرانی

یادداشت؛ جمیله هاشمی  
نفرین بر این جنگ

## ۵۶ جامعه

دنیای دانش

سلامت تن و روان؛ دکتر الهام گرامی  
چگونه درست تصمیم بگیریم؟

## ۶۸ خانواده و سرگرمی

مهسا عباس پور  
آشپزی این هفته: کوکو کدوسبز  
خاطره تجویلداری یکتا  
سخن ستارگان، برای تفنن  
هفته  
خانواده و سرگرمی



سیاست؛ احمد زیدآبادی  
سازمان دولت و برآمدن رئیسی

سیاست؛ آرسام ارانی  
ابراهیم رئیسی و تصفیه درونی جمهوری اسلامی  
سرکوب‌های بیشتر در راه است؟

سیاست؛ نگاره پرونده  
نگاهی دیگر به مساله نژادپرستی

ترجمه؛ نگاره پرونده  
تبعیض در کبک و رابطه‌ی سمی با کانادا

اقتصاد؛ آرمین آریان پور  
بازگشت آرامش نسبی به بازار مسکن

طرح هفته؛ سیروس یحیی آبادی  
بدون شرح!

ادبیات؛ فرشید سادات شریفی و یاسمن حسنی  
سلامت؛ دکتر فائقه ابراهیمی و الهام گرامی  
حقوق؛ نوشا ریاحی  
فرهنگ و جامعه؛ فرنگیس شکبیا  
اقتصاد؛ آرمین آریانپور و بهراد رنجبری  
بخش دانشجویی؛ عباس محرابیان  
گروه ترجمه؛ فیروزه مسیحا، نگین پرونده و نگاره  
پرونده  
وبسایت؛ بهمن عسگری پور



سعید مرادزاده  
کار «زرد یواش» در ایران جرم اندر  
جرم است  
گفت‌وگوی ویژه هفته با پیام ملکوتی

پیام ملکوتی:  
از وقتی که پاک شدم فهمیدم که آمده‌ام تا  
دنیا را از آن چیزی که هست بهتر تحویل  
بدهم.

سردبیر: خسرو شمیرانی  
ویراستار: تیم ویراستاری هفته  
طراح و صفحه‌آرا: نیکروز سلطان آبادی  
کاریکاتوربست: سیروس یحیی آبادی  
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خیر هفته  
اخبار یا همستان: گروه خبرهای محلی  
آریانا: نرگس هاشمی، حبیب عثمان و عبدالهادی تپاند  
مهاجرت: معصومه علی محمدی و نویده احمدی

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: یاسمن حسنی، کریم زبانی، جمیله هاشمی

# لکه ننگ دیگری در تاریخ معاصر میهنم

نیرنگ و فریب خلق نبود و او نیز در فرومایگی از سلف خود هیچ کم نیاورد و ننگ آبان آتش و خون را بر پیشانی خود نشاناند.

و خرداد دیگری از راه رسید: خرداد ۱۴۰۰ اینبار کلید کاخ ریاست جمهوری ایران به دست مردی داده شده که به گواه آقای حسینعلی منتظری جنایاتش را تاریخ هرگز فراموش نخواهد کرد. میلیونها نفر از ما، مردم ایران به این دیو آدم‌خوار رای دادیم و به نشستش او بر اریکه قدرت مشروعیت بخشیدیم. اما از حق نگذریم، در برابر گروه رای‌دهنده، اکثریت بزرگی بر عدم شرکت در بالماسکه نظام اسلامی پای فشرد و سربلند بیرون آمد.

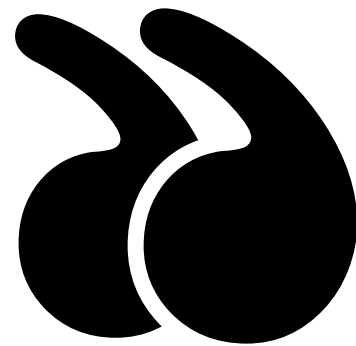
نمایشی که ابراهیم رئیسی قرار بود بی‌هیچ اما و اگر پیروز میدان‌اش باشد سناریو و صحنه‌آرایی دقیق، حساب‌شده و آشکاری داشت. سناریونیسان هیچ جزییاتی را به دست تصادف نسپرده بودند و فقط یک «روشنفکر» خاورمیانه‌ای می‌توانست فریب این دروغ آشکار را بخورد و مردم را به شرکت در این نمایش پلید دعوت کند.

و صدافسوس تا زمانی که گروهی در جامعه ما در ردای «روشنفکر سکولار» حاضرند با آلوده‌ترین نمادهای تاریکی و جهل در صحنه‌ی مشترک عوامفریبی قرار بگیرند ما محکوم حکومتی خواهیم بود که خود انتخابش کرده‌ایم، حتی اگر به آن رای نداده باشیم.

و بس. فردی آمده بود که در میانه‌ی آن روزهای سیاه لبخند میزد و از واژه «شهروند» و «قانون» استفاده می‌کرد. روند وقایع به سرعت نشان داد که حتی اگر محدودیت‌های ذهنی سید خندان (مثل باور به ولایت فقیه) اجازه بدهد و او طالب یک تغییر واقعی باشد توان گذشتن از مانعی را ندارد که در مقابلش است: دیوار قطوری از تحجر که بند بندش را فساد روزافزون محکم ساخته بود.

بعد نوبت به آقای محمود احمدی‌نژاد رسید. او هم مایه امید شد. رئیس‌جمهور جدید که با تکیه بر همان دیوار تحجر و فساد به قدرت رسیده بود هرگز در دروغ و نیرنگ و فریب و فرومایگی کم نیاورد و نشان داد که او نماد تمام و کمال تباهی است. آقای احمدی‌نژاد این تصور را ایجاد می‌کرد که ما به اسفل السافلین دروغ و فریب سقوط کرده‌ایم و او نمایندگی این سقوط را به عهده دارد پس دیگر سقوط به نقطه‌ای پایین‌تر مقدور نبود در نتیجه راهی به جز بالا رفتن باقی نمی‌ماند. از نقطه‌نگاه خرداد ۱۳۸۴ بالاخره دوران «محمود» تمام می‌شد و پس از آن جامعه ما تنها و تنها یک راه می‌داشت و آن هم حرکت به سوی «بالا» بود. در آن لحظه این یک «امید» واقعی به نظر می‌رسید.

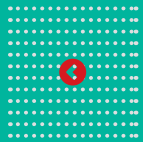
اما تدبیر نفر بعدی، حسن روحانی، نیز جز



نمی‌خواهم این نقل قول ژوزف دو می‌ستر Joseph de Maistre را باور کنم که می‌گوید: «هر ملت همان حکومت را به دست می‌آورد که شایسته آن است.»

در سال ۱۳۷۶ وقتی که آقای محمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران شد نطفه‌های امید شکل گرفت. من که سالها بود ناگزیر به ترک میهنم شده بودم خوش‌خیالانه فکر کردم این آغاز یک تغییر است و پایان کابوس نظامی که در آن شهروند معنا ندارد پس سخن از حقوق شهروندی نیز در بهترین حالت یاوه‌سرایی است





# اخبار گزارش‌ها



**DAVID BERGER**  
Avocat - Attorney  
Immigration-Refugees-Citizenship

## دیوید برگر

پنج دوره نماینده مجلس فدرال و سفیر سابق کانادا  
عضو کانون وکلای کبک، مهاجرت - پناهندگی - شهروندی

- تقاضای اقامت موقت و دائم، شامل ویزای دانشجویی، ملاقات، نیروی کار ماهر
- تقاضای مهاجرت از طریق برنامه‌های تجاری و انسان‌دوستانه
- تقاضای پناهندگی، فرجام درخواست‌های پناهندگی
- بررسی حقوقی تقاضاهای ارائه شده به دادگاه فدرال کانادا و دادگاه عالی کبک
- توجه خاص به نیازهای حقوقی مراجعه‌کننده

Tel: 514-284-1157

[www.cilaw.ca](http://www.cilaw.ca)

[david.berger@cilaw.ca](mailto:david.berger@cilaw.ca)

1980 Sherbrooke Street West, Suite 900-25, Montreal, Quebec H3H 1E8

## انتقادات تند وزیر حمل و نقل کانادا؛ محکوم کردن ایران در ماجرای پرواز اوکراینی



عمر الغبرا وزیر حمل و نقل کانادا برای اولین بار ایران را در رابطه با سرنگونی پرواز پی.اس.۷۵۲ شرکت هواپیمایی بین‌المللی اوکراینی محکوم کرد

کرده که برخلاف آن چه دولت ایران در گزارش مربوط به علل سرنگونی هواپیمای اوکراینی مدعی شده، بعید می‌داند خطای انسانی عامل شکل‌گیری این فاجعه بوده باشد. رالف گودیل مشاور پیشین نخست‌وزیر کانادا در این پرونده نیز تاکید کرده است اطمینان دارد که بی‌کفایتی (ایران) علت اصلی وقوع این فاجعه بوده است. از طرف دیگر دیوان عالی انتاریو مه گذشته در پاسخ به دادخواست خانواده‌های قربانیان سرنگونی هواپیمای اوکراینی، با صدور حکمی تاکید کرد سرنگونی پرواز پی.اس.۷۵۲ یک اقدام عمدانه تروریستی بوده است. ادوارد بلوبای قاضی دیوان عالی انتاریو تاکید کرد با در نظر گرفتن همه احتمالات موجود به این جمع‌بندی رسیدیم که شلیک موشک به سمت هواپیمای مسافربری اوکراینی، اقدامی عمدی بوده است.

از زمان وقوع این فاجعه در هشتم ژانویه سال ۲۰۲۰، خانواده‌های قربانیان بارها از ایکنو خواسته اند با تصویب قطعنامه‌های سرنگونی هواپیمای اوکراینی توسط ایران را محکوم کند. ایکنو سال ۲۰۱۴ در خصوص پرواز شرکت هواپیمایی مالزی ایرلاینز همین کار را کرد. خانواده‌های قربانیان اکنون خواستار آن هستند که ایکنو پس از انتشار گزارش پزشکی-قانونی کانادا، چنین قطعنامه‌ای را تصویب کند.

حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های قربانیان کانادایی سقوط هواپیمای اوکراینی روز جمعه در صفحه توئیتر خود تاکید کرد: «سکوت به معنای خوش خدمتی است.»

هوایی خود بود و با آگاهی از بالاگرفتن تنش میان این کشور و آمریکا در شب حادثه، حریم هوایی خود را مسدود نکرد و مانع از هدف قرار گرفتن و سرنگونی هواپیمای اوکراینی نشد.

الغبرا ادامه داد: «به رغم تجربیات و درس‌های تلخی که فجایع هوایی قبلی مثل سرنگونی پرواز MH۱۷ (پرواز) شرکت هواپیمایی مالزی ایرلاینز که سال ۲۰۱۴ در بحبوحه مناقشه مسلحانه اوکراین و روسیه در منطقه تحت کنترل شورشیان در شرق اوکراین سرنگون شد، برای همه جهانیان داشت، ایران خطر عملیات نظامی خود را که در شب حادثه جریان داشت، جدی نگرفت و تدابیر لازم را برای جلوگیری از وقوع فاجعه سرنگونی هواپیمای اوکراینی به اجرا نگذاشت.»

«در ماجرای دردناک پرواز پی.اس.۷۵۲ تعارض منافع آشکار و متعددی وجود داشت که به شکل‌های مختلف نمایان شد و اعتبار تحقیقات مربوط به این فاجعه و گزارش ایران از علل و عوامل وقوع این فاجعه را تحت تاثیر قرار داد.» (عمر الغبرا وزیر حمل و نقل کانادا)

عمر الغبرا تصریح کرد قرار است کانادا در کنفرانس آتی ایکنو با ارائه یک سند کاری، ایجاد اصلاحات و تغییراتی را در رابطه با روند تحقیق مربوط به سوانح هوایی در مناطق مورد مناقشه یا حریم هوایی نزدیک این مناطق ارائه کند.

### خانواده‌های قربانیان تحرک بیشتر اتاوا را در این پرونده خواستارند

فرانسوا فیلیپ شامپین وزیر امور خارجه پیشین کانادا تاکید

عمر الغبرا وزیر حمل و نقل کانادا امروز جمعه ۱۹ ژوئن برای اولین بار ایران را به علت نقش داشتن در فاجعه مرگبار سرنگونی هواپیمای مسافربری اوکراین که هشتم ژانویه سال ۲۰۲۰ در پی شلیک موشک نیروهای مسلح ایران در نزدیکی تهران اتفاق افتاد، به شدت محکوم کرد.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، وزیر حمل و نقل کانادا در سخنرانی آنلاین خود در سازمان بین‌المللی هواپیمایی غیرنظامی (ایکائو) اعلام کرد دولت جمهوری اسلامی ایران را به علت اقداماتی که به کشته شدن ۱۷۶ مسافر بیگناه منجر شد، نحوه مدیریت این فاجعه و همچنین بی‌کفایتی و خودداری این کشور از ارائه پاسخ‌های صریح و روشن به سوالات مطرح شده در این رابطه، با شدیدترین واژه‌ها محکوم کند.

اظهار نظر وزیر حمل و نقل کانادا درباره فاجعه مرگبار تهران در حالی منتشر می‌شود که قرار است کانادا به زودی گزارش پزشکی-قانونی خود را که شامل کلیه شواهد و اطلاعات غیرطبقه بندی شده مربوط به سقوط هواپیمای اوکراینی است، منتشر کند.

از ۱۷۶ سرنشین هواپیمای مسافربری اوکراین که همگی در این فاجعه کشته شدند، ۵۵ نفرشان شهروند کانادا و ۳۰ نفرشان مقیم دائم کانادا بودند.

عمر الغبرا تاکید کرد ایران مسئول تامین امنیت حریم

## بحران مسکن در مونترال، صدها معترض را به خیابان‌ها کشاند

آندرس فونتسیلا Andrés Fontecilla سخنگوی حزب همبستگی کبک در امور مسکن اعلام کرد: «دولت کبک در زمینه مسکن کاملاً منفعلانه عمل می‌کند و برای مشکلات موجود راه حل‌های عادی و مقطعی ارائه می‌کند. دولت کبک شهادت آن را ندارد که از طریق اجرای تدابیر ملموس مثل ارائه فهرست اجاره‌بها و تعیین مهلت برای اخراج مستاجران، مشکلات مسکن را به طور ریشه‌ای حل کند»

بسیاری از افراد حاضر در این تظاهرات معتقد بودند که همه‌گیری کووید ۱۹ آثار پیامدهای منفی زیادی بر وضعیت مسکن داشته و مشکل کمبود مسکن را تشدید کرده است.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، شرکت‌کنندگان در این تظاهرات که به دعوت «گروه کمیته‌های مسکن و انجمن‌های مستاجران کبک» (RCLALQ) برگزار شد، با عبور از خیابان شربوک در برابر دفتر آقای فرانسوا لوگو در مونترال تجمع کردند.

ماکسیم روی آلار Maxime Roy-Allard، سخنگوی RCLALQ در سخنرانی خود در این تظاهرات گفت: «دیگر وقت آن است که کسی به مسکن به چشم یک کالا نگاه نکند. وقت آن است که مسکن را به عنوان حق بنیادین همه شهروندان بدانیم.»

شماری از ماموران پلیس نیز با حضور در این تظاهرات حمایت خود را از حق مسکن برای همه اعلام کردند.



مبار روند فزاینده اجاره خانه، تدابیر مقتضی برای جلوگیری از اخراج مستاجران به بهانه بازسازی ملک و ساخت خانه‌های ارزان قیمت از مهمترین مطالبات تظاهرکنندگان بود.

در بحبوحه بحران مسکن در استان کبک، صدها نفر روز شنبه ۱۹ ژوئن با تجمع در مرکز مونترال ضمن اعتراض به شرایط موجود در بخش مسکن، از دولت فرانسوا لوگو خواستند یک سازوکار الزام آور کنترل اجاره‌بها به اجرا گذارد و دسترسی همه شهروندان به مسکن را تضمین کند.

## لبخند زندگی در آلبرتا؛ همه تدابیر بهداشتی لغو می شود

آن که خطرناک ترین و شایع ترین آن ها سویه دلتا هست، لازم است که درصد بالاتری از شهروندان استان دوز دوم واکسن کووید ۱۹ را دریافت کنند. طبق اعلام بهداشت عمومی آلبرتا، تا کنون ۳۶ میلیون دوز واکسن کووید ۱۹ در این استان تزریق شده است و تقریباً یک چهارم شهروندان واجد شرایط واکسیناسیون، هر دو دوز واکسن را دریافت کرده اند. تیلر شاندر و وزیر بهداشت استان آلبرتا اعلام کرد افرادی که دوز اول واکسن خود را در ماه می دریافت کرده اند، می توانند از همین امروز برای دریافت دوز دوم وقت بگیرند.

خواهد بود که واکسن های تزریق شده به افراد تاثیر خود را ایجاد کند و آن ها را در برابر خطر ابتلای مجدد به بیماری مصون نماید. برای تحقق این امر دو هفته باید صبر کرد. به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، به این ترتیب آلبرتا اول ژوئیه تدابیر بهداشتی پیشگیرانه باقیمانده را نیز لغو خواهد کرد و اولین استان یا سرزمین کانادا لقب خواهد گرفت که از فید و بند محدودیت های ضد کرونایی به طور کامل رهایی خواهد یافت. برخی پزشکان معتقدند برای اطمینان بیشتر از مصونیت جمعیت استان در برابر بیماری به ویژه سویه های جدید



جیسون کنی، وزیر اول آلبرتا

جیسون کنی وزیر اول آلبرتا روز جمعه ۱۸ ژوئن اعلام کرد ۷۰.۲ درصد شهروندان ۱۲ سال به بالای استان در حال حاضر یک دوز واکسن کووید ۱۹ را دریافت کرده اند. کارشناسان بهداشت عمومی استان می گویند بازگشت کامل زندگی به حالت عادی در استان زمانی امکان پذیر

## برنامه زمستانه «ایر ترانست» کانادا برای پرواز به ۵۰ مقصد جذاب

خود را به حال تعلیق در آورد. ایرترانست اوایل همین ماه اعلام کرده بود پروازهای خود را از سی ام ژوئیه به صورت تدریجی از سر خواهد گرفت. آنیک گوئرارد رئیس شرکت ایرترانست اعلام کرد شهروندان پس از ماه ها محدودیت ناشی از همه گیری کرونا، اکنون برای رفتن به سفر برای دیدن بستگان خود یا صرفاً برای تفریح و گشت و گذار لحظه شماری می کنند. در برنامه سفرهای زمستانی ایرترانست از مونترال دو مقصد جدید نیز اضافه شده است: میامی و فورت مایرز در ایالت فلوریدا. این پروازها از دسامبر آینده آغاز خواهد شد.

مبتلایان به کووید ۱۹ در سرتاسر کانادا همراه شده و شهروندان کانادایی پس از تحمل یک دوره طولانی محدودیت های ناشی از پاندمی که صنعت گردشگری را عملاً فلج کرده بود بار دیگر سودای سفر در سر دارند، شرکت ایرترانست تصمیم گرفته است زمستان امسال خدمات مسافرتی به پنجاه مقصد ارائه کند. ۲۹ ژانویه گذشته پس از آن که دولت فدرال از شرکت های هواپیمایی خواست پروازهای خود را به مکزیک و حوزه دریای کارائیب متوقف کنند و برای مسافرانی که از سفر باز می گردند تدابیر پیشگیرانه جدیدی در رابطه با غربالگری کووید ۱۹ و قرنطینه اجباری به اجرا گذارند، شرکت ایرترانست فعالیت های



شرکت هواپیمایی ایرترانست روز چهارشنبه ۱۶ ژوئن اعلام کرد از اول نوامبر پروازهای خود را به دهها مقصد در حوزه دریای کارائیب، مکزیک، آمریکای مرکزی، آمریکای جنوبی، الیایات متحده آمریکا و اروپا را از سر خواهد گرفت. به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، در شرایطی که گسترش واکسیناسیون سراسری با کاهش مستمر شمار

## صدور گواهی واکسن برای مسافران کانادا از ماه جولای

می شود. این امر مستلزم حمایت و همکاری دولت های استانی است که باید به پایگاه داده های یکدیگر دسترسی داشته باشند تا بدانند چه افرادی واکسینه شده اند. در حال حاضر برای فراهم کردن مقدمات استفاده از این اپلیکیشن، تکمیل و تبدیل آن به ابزاری برای مدیریت داده ها، گفت و گوها میان وزارت خانه های بهداشت، امنیت عمومی، حمل و نقل و مهاجرت ادامه دارد. در عین حال در وبسایت رسمی دولت کانادا که به امور مسافرت و قرنطینه اجباری مسافران اختصاص یافته، اعلام شده است که از اول ژوئیه برای ورود مسافرانی که به طور کامل خود را واکسینه کرده اند، معافیت هایی در نظر گرفته خواهد شد.

یک منبع آگاه در دولت فدرال در گفت و گو با سی بی سی اعلام کرد در مرحله نخست مسافران از اپلیکشن ArriveCAN برای گرفتن عکس از گواهی واکسیناسیون خود استفاده خواهند کرد. مسافران می توانند ۷۲ ساعت پیش از سفر، این عکس ها را بارگذاری و سپس به مأموران گمرک ارائه کنند. اتاوا اطمینان داده که اطلاعات و داده های مربوط به مسافران که در این برنامه ذخیره شده اند به هیچ جای دیگری ارسال نخواهند شد و به همین علت بابت حفاظت از حریم شخصی افراد نگرانی و دغدغه ای وجود نخواهد داشت. در مرحله دوم یک پروژه دیجیتال دیگر به اجرا گذاشته



برخی از کشورهای اروپایی پاسپورت واکسن برای شهروندان واکسینه شده خود تهیه کرده اند و کانادا نیز قصد دارد همانند این کشورها عمل کند

کانادا از ژوئیه برای مسافران گواهی واکسن صادر می کند به گزارش هفته به نقل از رادیو کانادا، دولت لیبرال جاستین ترودو همان گونه که پیش تر اعلام کرده بود، در مسیر تهیه گواهی واکسیناسیون پیش می رود و قصد دارد از ژوئیه اولین مرحله این ابتکار را برای مسافرانی که وارد کشور می شوند، به اجرا گذارد.



## سخنرانی ایرج پزشکزاد در مرکز الهه امیدیار میرجلالی در دانشگاه تورنتو



مرکز الهه امیدیار میرجلالی زیرمجموعه دانشکده هنر و علوم انسانی دانشگاه تورنتو است؛ پژوهشکده‌ای که برگرفته از نام یک زبان‌شناس خیر ایرانی است که نه تنها در دانشگاه تورنتو که در دانشگاه‌های مریلند، واشنگتن و آریزونا آمریکا و چندین دانشگاه دیگر هم به دلیل خدمات ایشان، کرسی‌های ایران‌شناسی تاسیس شده است.

به گزارش هفته، این مرکز توسط محمد توکلی مدیریت می‌شود و سخنرانی‌های هفتگی را برگزار می‌کند. آن‌طور که آقای توکلی می‌گوید «پژوهشکده الهه امیدیار میرجلالی برای اجرای برنامه‌ها از استادان مختلف دپارتمان‌های جامعه‌شناسی، تاریخ، زنان، آموزش و پرورش و زبان انگلیسی بهره‌مند می‌شود که همگی روی مسایل مرتبط با ایران کار می‌کنند».

این مرکز اوایل ماه جاری برنامه‌ای را با عنوان «ایرج پزشکزاد و طنز سعدی» برگزار کرد؛ دعوت از نویسنده‌ای که همه او را با رمان «دایی جان ناپلئون» می‌شناسند و امسال در ۹۴ سالگی قدم گذاشته است.

### معرفی آقای پزشکزاد به عنوان سخنران سال

مدیر مرکز الهه امیدیار میرجلالی درباره فعالیت‌های این موسسه به هفته می‌گوید: «پژوهشکده ما برنامه‌های متفاوتی را برگزار می‌کند که یکی از این برنامه‌ها شناسایی سخنران برجسته در هر سال است. ما نخستین سخنران برجسته در سال ۲۰۲۱ را آقای ایرج پزشکزاد انتخاب کردیم. دلیل آن هم ۹۴ و نیم سالگی و تاثیر زیاد ایشان بر ادبیات، فیلم و تلویزیون و خلیات سیاسی و فرهنگی ایرانی‌ها بود. از طرفی، با توجه به جایگاه آقای پزشکزاد اما کمتر از ایشان قدردانی شده است. علاوه بر این‌ها، می‌خواستیم سخنرانی سالیانه‌ای برگزار کنیم که نمود گفت‌وگوی جامعه ایرانی فراتر از دانشگاه باشد».

به گفته آقای توکلی «در همین راستا سخنران برجسته دیگری برای سال ۲۰۲۲ انتخاب خواهیم کرد. این فرد هم شخصیت شاخصی خواهد بود که همه او را بشناسند. با شناسایی و هماهنگی با چهره انتخابی، سخنرانی را در سال آینده برگزار خواهیم کرد.»

### من را فقط با «دایی جان ناپلئون» می‌شناسند

این فعال فرهنگی و اجتماعی توضیح می‌دهد: «آقای پزشکزاد دقیقاً هفت سال پیش در روز مشابه امسال برای پژوهشکده ما درباره «دایی جان ناپلئون» سخنرانی کرد. یکی از دردلهای ایشان این است که هر جایی می‌روم و هر کسی که مرا می‌شناسد من را فقط با «دایی جان ناپلئون» می‌شناسد و کارهایی هم که انجام می‌شود همه با همین عنوان است در حالی که من کارهای زیاد دیگری هم انجام داده‌ام که کسی به آن‌ها چندان توجهی نمی‌کند».

او با بیان اینکه همین گلایه آقای پزشکزاد باعث شد تا موضوع دیگری برای این سخنرانی انتخاب شود، می‌گوید: «در برنامه امسال ایشان درباره چگونگی آشنایی خود با سعدی در دوران کودکی و از طریق پدر صحبت کرد. اینکه او در دوران دانشگاه در اروپا چگونه با طنز سعدی مواجه می‌شود، توجه او به چگونگی شناسایی سعدی در ادبیات اروپا و اینکه ادبیات اروپا زاویه‌های جدیدی از نثر سعدی را مورد توجه قرار می‌دهد در حالی که استادان زبان فارسی به آن‌ها کمتر توجه کرده‌اند؛ این زاویه جدید طنز سعدی است که نمود آن روایت داستان‌ها در بافت و ساختی طنزگونه است.»

### وبیناری با حضور گسترده علاقه‌مندان به ادبیات

مدیر مرکز الهه امیدیار میرجلالی درباره میزان استقبال از این برنامه اظهار می‌کند: «بیش از ۴۰۰ نفر در این برنامه ثبت‌نام کردند و افراد در طول برنامه با شور و حال مشارکت داشتند. شرکت‌کنندگان پس از دو ساعت دوست نداشتند برنامه تمام شود. آقای پزشکزاد در چند سال گذشته کمتر سخنرانی عمومی داشته چراکه ایشان در وضعیتی نیست که بتواند سفر کند یا به همه درخواست‌ها برای سخنرانی پاسخ مثبت بدهد اما با همه این‌ها این فرصت برای ما فراهم شد و نتیجه آن برگزاری وبیناری با حضور گسترده علاقه‌مندان به ادبیات ایران بود. این اتفاق از خوش‌اقبالی ما بود.»

آقای توکلی با اشاره به عنوان آخرین برنامه برگزار شده از سوی این مرکز، توضیح می‌دهد: «جمعه گذشته سمینار هفتگی برگزار کردیم که از اواخر ژانویه ۲۰۲۱ شروع شده و روی دو موضوع زنان شاعر و سینمای ایران متمرکز است. در برنامه‌ها با موضوع زنان شاعر هر سخنران مطالبی را

درباره زندگی و اشعار یکی از زنان شاعر برجسته ایرانی ارائه می‌دهد.»

**گفت‌وگو درباره زن پیشتازی که فراموش شده است**  
به گفته او «برنامه اخیر مرکز ما درباره «زندخت شیرازی» یا «زندخت شیرازی» بود؛ زن شاعری که از پیشگامان جنبش زنان در ایران محسوب می‌شود. او نخستین زنی است که در دوره مشروطیت برای حضور زنان در مجلس مبارزه کرد. زندخت شیرازی نشریه‌ای با عنوان دختران ایران را منتشر کرد. در روزنامه‌هایی همچون حبل‌المتین نیز می‌نوشت. در دوره خود جزو افرادی بود که بسیار مورد توجه بود اما پس از مرگش فراموش می‌شود. این شاعر و نویسنده در اوایل جوانی آینده را درخشان می‌بیند و برای حرکت به سمت آن هم تلاش می‌کند اما کم‌کم در برخورد با اجتماع، آن نگرش مثبت به ناامیدی و ضعف تبدیل می‌شود.»

این تاریخ‌شناس اضافه می‌کند: «این برنامه توسط خانم گیتا هاشمی، هنرمند ایرانی ساکن تورنتو ارائه شد. ایشان در ارائه‌های خود کارهای جالبی انجام می‌دهد؛ به آرشیه‌ها مراجعه می‌کند و زندگی فراموش شده را امروزی و بازسازی می‌کند. خانم هاشمی برای سخنرانی درباره «زندخت شیرازی» نیز مستندات بسیار جالبی را تهیه کرده بود.»

### تلاش برای خلق آثار هنری دانشگاهی در چه یک

آقای توکلی برنامه پیش‌روی این مرکز را سخنرانی درباره تاریخ سینمای ایران اعلام می‌کند و می‌گوید: «پژوهشکده ایران‌شناسی دانشگاه تورنتو مکانی است نه تنها برای گردهم آمدن استادان و دانشجویان ایرانی در دانشگاه تورنتو که برای دوره‌ها جمع شدن تمام ایرانی‌ها در سراسر کانادا. بنابراین از سایر افراد در دیگر شهرهای کانادا می‌خواهیم برای پیشبرد پژوهش‌های ایرانی در کانادا به برنامه‌های ما ملحق شوند.»

مدیر مرکز الهه امیدیار میرجلالی اظهار امیدواری می‌کند: «این مرکز بتواند همچون اجرای برنامه با حضور خانم هاشمی بتواند با سایر هنرمندان ایرانی هم پل ارتباطی برقرار کند تا پژوهشگران و استادان ایرانی با هنرمندان ایرانی شاخص آشنا شوند و از دل این آشنایی، کارهای هنری دانشگاهی در چه یکی خلق و ارائه شود.»

## شعر و موسیقی از تجرید بیمارگونه عوامل هنر ساز رنج می برد

سنتی هنر اصیل رنج می برد، متأسفانه انبوهی از صنعتگران شعر و موسیقی نه تنها از دانش و استعداد لازم برخوردار نیستند که پیوند خاص و حتی آشنایی سطحی هم با سنت ادبی هنری و فرهنگ گذشته جامعه ندارند و خلاصه اینکه «غراض جای هنر را گرفته است.» با این توضیح که مدرک دانشگاهی ملاک دانستن و سواد هنری نیست. آقای عطایی صحبت‌های خود را با بیتی از مثنوی مولانا تکمیل می‌کند و می‌گوید: «ماحصل صحبت‌های من درباره این موضوع این است که چون غرض آمد هنر پوشیده شد / صد حجاب از دل به سوی دیده شد. پس از این آرایه شرکت‌کنندگان نظر خود را درباره اظهارنظرهای گفته شده و عنوان نشست اعلام کردند.»

در زمینه شعر یا موسیقی فعالیت می‌کند - و سروصدایی و پیروانی به راه انداخته- را هنرمند قلمداد کرد. به همین دلیل، نامگذاری جلسه از مصرع معروف حافظ «نه هر که سر بتراشد قلندری داند» وام گرفته شد. به گفته این فعال حوزه ادبیات در مونترال «در این برنامه به علل افول معیارهای هنر در ایران امروز پرداخته شد؛ اینکه شعر و موسیقی هنرمندانه انضمامی و غنی ما (مجموعه‌ای از عوامل زیبایی و هنر) در این زمانه به بدلی از هنر (کالای بازاری به جای شئی‌ای هنری) تبدیل شده است.» به اعتقاد او «وضعیت کنونی شعر و موسیقی ایران از تجرید بیمارگونه و افراطی عوامل هنر ساز به قصد نوآوری‌های شتاب‌زده، نالازم یا ادعای آزادی از قید چهارچوب‌های



اعضای گروه دایره هفته گذشته نشست را با عنوان «افول مفاهیم و معاییر هنر در شعر و موسیقی» برگزار کردند. به گزارش هفته «موضوع سی و یکمین جلسه دایره، افول مفاهیم و معاییر هنر در شعر و موسیقی با عنوان «نه هر که سر بتراشد» بود که برنامه با آرایه سعید عطایی، یکی از اعضای گروه، شروع شد. آقای عطایی به هفته توضیح داد: «این نشست به دنبال گفت‌وگو بر سر این موضوع که تفاوت «هنرمند» با «صنعتگر» چیست؟ شکل گرفت و اینکه چرا نباید هر که

## دوره‌می حضوری جامعه ایرانیان دگرباش اتاوا

دولت انتاریو پوشیدن ماسک و رعایت فاصله اجتماعی الزامی و حداکثر ۱۰ نفر می‌توانند در این برنامه شرکت کنند. برای ثبت‌نام رایگان و دریافت اطلاعات زمان و مکان برگزاری برنامه به کانال تلگرام هفته به نشانی haftehmontreal مراجعه کنید.

این برنامه روز جمعه ۲۵ ژوئن ۲۰۲۱ از ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه به وقت شرق کانادا برگزار می‌شود که مکان برگزاری به صورت انفرادی پس از ثبت‌نام اطلاع داده می‌شود. طبق این اطلاعیه، این برنامه صرفاً مخصوص افراد جامعه LGBTQ است. همچنین بر اساس قوانین



سازمان پند از برگزاری نخستین دوره‌می جامعه ایرانیان دگرباش LGBTQ اتاوا خبر داده است.

## جامی از شعر شاعر انگور در شبی با نادر نادرپور

گفتاری تحلیلی در مورد ابعاد کارنامه او نیز ارائه خواهد شد. طبق این اطلاعیه «در این برنامه با کمک مخاطبان داوطلب، خوانش اشعار را با صداهای متنوع پیش خواهد رفت. بنابراین از داوطلبان مشارکت دعوت می‌کنیم با ارسال پیام، برگزارکنندگان را مطلع کنید.» برای دسترسی به لینک ورود به برنامه به کانال تلگرام هفته به نشانی haftehmontreal مراجعه کنید.

در اطلاعیه این برنامه آمده است: «این برنامه روز پنجشنبه ۲۴ ژوئن ۲۰۲۱ ساعت ۱۹ تا ۲۱ به وقت شرق کانادا برگزار می‌شود که شرکت در آن برای همه علاقه‌مندان، آزاد و رایگان و از طریق لینک زوم در دسترس است.» در ادامه آمده است: «محبوبیت آقای نادرپور از یک‌سو امکان جذب مخاطبان شعر دوست بیشتر را برای ما فراهم می‌کند و از سوی دیگر، بنابر ضرورت و وظیفه‌ی پاسداشت میراث ایشان، در کنار لذت بردن از خوانش شعرهای نابش،



انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه مک‌گیل (میسما) نشست مشترکی را با همکاری گروه علمی آموزشی «سَماک» به خوانش، بررسی و گفت‌وگو درباره اشعار نادر نادرپور اختصاص داده است.

## فراخوان کتابخوانی در باشگاه کتاب کودک و نوجوان

طبق این اعلام «در این باشگاه کودکان زیر هفت سال گروه باران، کودکان هفت تا ۹ سال گروه آسمان، کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال گروه دریا و نوجوانان گروه افق نام‌گذاری شده‌اند.»  
در پایان این فراخوان نیز اعلام شده است: «با هم کتابخوانی و زبان فارسی را برای فرزندان دلبندمون ترویج کنیم.»

باشگاه کتاب مونترال از علاقه‌مندان دعوت کرده است تا در کتابخوانی برای گروه‌های مختلف سنی شرکت کنند.  
این باشگاه نوشته است: «اگر تمایل دارید در باشگاه کتاب کودک و نوجوان کتابخوانی (تسهیل‌گری کتاب) انجام دهید لطفاً به شناسه 2137\_Mahsa در تلگرام پیام دهید.»



## کارگاه نقشه راه اشتغال و جلسه‌های Mockup Interview

تمایل، افراد می‌توانند با دیدن آن‌ها، به‌صورت فعال‌تر در این ورکشاپ حضور پیدا کرده و سوالات و نقطه نظرات‌شان را مطرح کنند.»  
طبق این اطلاعیه «به همت پند و کاسپین و بعد از اتمام ورکشاپ، جلسه‌های Mockup Interview با همکاری اشخاص متخصص در این زمینه برگزار خواهد شد تا تمرین بسیار خوبی برای افراد باشد. تنها شرکت‌کنندگان در این ورکشاپ واجد شرایط برای ثبت‌نام در جلسات مصاحبه هستند.»  
جلسه نخست این کارگاه در روز پنج‌شنبه ۱۷ ژوئن ۲۰۲۱ برگزار شده و جلسه دوم روز پنج‌شنبه ۲۴ ژوئن ۲۰۲۱ با سخنرانی آقای مهندس کاوه شکوری، مدیر سازمان پند برگزار می‌شود.  
برای کسب اطلاعات بیشتر به کانال تلگرام هفته به نشانی haftehmontreal مراجعه کنید.

در اطلاعیه این کارگاه آمده است: «جست‌وجو به‌منظور پیدا کردن کار در حوزه تخصصی برای هر شخصی مستلزم داشتن نقشه راهی است که بتواند مسیر رسیدن از نقطه شروع به پایان را به‌خوبی ترسیم کند. این قضیه برای مهاجران و دانشجویان، بسیار حائز اهمیت است چراکه فعالیت آن‌ها را در این خصوص هدفمند کرده و کمک می‌کند تا هر چه بهتر و سریع‌تر در این مسیر گام بردارند.»  
در ادامه آمده است: «به همین منظور، پند و کاسپین تصمیم گرفته‌اند تا در قالب دو جلسه ورکشاپ آنلاین، عوامل اصلی و موثر در ترسیم نقشه راه کارایی را به بحث و بررسی بنشینند. شایان ذکر است که بخش‌های مختلف این ورکشاپ پیش‌تر و در قالب کارگاه‌های آنلاین برگزار شده‌اند و ویدیو آن‌ها در فیس‌بوک و یوتیوب هر دو انجمن موجود است. در صورت



سازمان پشتیبانی و توانمندسازی ایرانیان و فارسی‌زبانان اتاوا کارگاه مشترکی را با انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه مونترال (کاسپین) با عنوان «نقشه راه اشتغال» برگزار می‌کند.



# Ali Samadian

Real Estate Broker

ROYAL LEPAGE  
PARTENAIRE

438.504.5922

مشاور املاک مسکونی و تجاری در مونترال بزرگ



- متخصص در خرید و فروش واحد های آپارتمانی و منازل ویلایی
- برای مشورت با من تماس بگیرید، بدون تعهدی از سوی شما در خدمت تان هستیم

## علی صمدیان

### مشاور املاک

لیسانس رشته شهرسازی

# حامد ملکی

## Hamed Maleki

- ✓ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- ✓ مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ✓ تهیه و کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ
- ✓ ارزیابی رایگان ملک و تحلیل مناطق مختلف

هونترال جهت خرید  
hamedmaleki@realstate.ca  
(514) 557-1929

مشاور رسمی مسکن در استان کبک



Vendirect.ca

# بهار ایزدی

مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ  
خرید، فروش و پیش فروش

MIMMOBILIER  
BAHAR IZADI  
REAL ESTATE ADVISOR

BUY  
SALE  
PRESALE



514 651 48 26

تکلیف خوب هنر است.  
برای انتخاب هنرمندانه با من تماس بگیرید.  
bahari@mmontreal.com

## سحر صمدایی

مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک درآمدزا

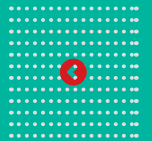


Sahar Samadaei

Courtier immobilier résidentiel  
sahar.samadaei@gmail.com  
Tel: 514.625.2525

de l'Agence  
AGENCE IMMOBILIERE INC.  
Real Estate Agency

# پرونده هفته



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca

تازه واردین  
تصدید وام  
خود اشتغالی  
بدرمایه گذاری  
دسترسى به وام دهندگان خصوصى  
پرداخت بدسى  
ترمیم کردیت بد

**Multi-Prêts**  
**HYPOTHÈQUES**  
CABINET EN COURTAGE HYPOTHÉCAIRE  
**MARYAM RAMEZANLOO**  
**مریم ر مضانلو**  
**کارشناس وام مسکن**

- خدمات وام مسکن در زمان و مکان مورد نظر شما
- ارائه بهترین نرخ بهره و وام
- مطابق شرایط منحصر به فرد شما در کوتاه ترین زمان ممکن

mramezanloo@multi-pretis.ca  
438-926 5626

boulevard Taschereau, suite 212, Brossard, Québec, J4Z 1A8, 5185



## روایت دو دانشجوی ایرانی از تبعیض در دانشگاه‌های کبک تبعیض به وقت زبان فرانسه



### بورسیه با تبعیض

محمد با ناراحتی به تبعیض دیگری هم اشاره می‌کند: «برای بورسیه‌ای که اینجا اپلای کردم، سوپروایزر من می‌گفت این بورسیه برای توست، اما در نهایت به من تعلق نگرفت و من در ایمیلی از آن‌ها پرسیدم: من که همه‌ی مدارکم آماده بود، معدل کامل گرفتم، مقاله داشتم، از دو استاد توصیه‌نامه گرفتم، چه چیزی کم داشتیم؟ در جواب به‌راحتی گفتند: «اولویت ما دانشجویان اروپایی و فرانسوی‌زبان هستند!» این دانشجوی دکتری مکانیک می‌افزاید که این مورد بسیار عجیب است؛ چون اگر یک دانشگاه طرفدار یک زبان یا نژاد خاص است چرا دانشجوی انگلیسی‌زبان و غیربومی می‌پذیرد؟

### سلام به زبان فرانسه

سام دانشجوی فوق دکتری مکانیک است و به بیان خودش به دلیل این تبعیض‌ها از کبک به انتاریو نقل‌مکان کرده است. او می‌گوید تا حدودی می‌تواند کبکی‌ها را درک کند، چون خودش ترک‌زبان است و در شهرهایی مانند تبریز این موارد را دیده است. او از تجربیاتش به هفته می‌گوید: «بارها شده است که من به دفاتر مختلف در دانشگاه ایمیل زدم و متوجه شدم وقتی ایمیل را با Hi شروع می‌کنم،

الان وقت ندارم و باید به اتاق خودم بروم. بعد که می‌رفتم انتهای کلاس تا وسایلم را جمع کنم می‌دیدم استاد جلوی در ایستاده و با بقیه بچه‌ها در حال خوش‌وبش به فرانسه است!» محمد ادامه می‌دهد: «برای بار اول و دوم که این اتفاق افتاد، من تصور کردم مسئله‌ای پیش آمده و باید از قبل هماهنگی کنم ولی طی ۱۵ جلسه این داستان تکرار شد و متوجه شدم باید همان وسط کلاس سؤالم را پرسم که ناچار نباشم با این برخورد روبه‌رو شوم.»

### تمسخر عقاید دینی

او در ادامه از مورد دیگری سخن به میان می‌آورد: «در همان کلاس مورد دیگری داشتیم. بحث مربوط به اخلاق پزشکی بود. یکی از دوستانم که الجزایری بود و فرانسه و انگلیسی هم می‌دانست، در میانه‌ی بحث گفت من مسلمان هستم و به خدا اعتقاد دارم. استاد هم که به تئوری داروین‌یسم خیلی علاقه داشت، او را به سخره گرفت که مسلمان است و به خدا و تقدیر الهی اعتقاد دارد! او به من گفت: بیا با هم از این برخورد استاد به دانشگاه شکایت کنیم. من در آنجا دخالت نکردم و او خودش رفت و مسئولین دانشگاه گفتند حتماً این موضوع را در پرونده‌ی استاد قرار می‌دهیم که در نهایت این اتفاق رخ نداد.»

دانشجویان خارجی مشکلات عدیده‌ای در کشور مقصد دارند؛ از نحوه‌ی تطبیق با فرهنگ کشور میزبان تا دلتنگی‌های متعدد برای خانواده و دوستان. آن چه این مشکلات را بیشتر می‌کند وجود تبعیض و نژادپرستی در برخورد با این دانشجویان است. در این مجال، دو دانشجوی ایرانی از تجربیات شخصی خود از تبعیض و نژادپرستی در فضای دانشگاه سخن گفته‌اند. هر دو تمایلی به استفاده از نام واقعی نداشتند و از این‌رو به دلیل حفظ حریم شخصی آنان، از نام مستعار استفاده شده است.

\*\*\*

### فرانسه حرف بزنی!

محمد در ابتدا می‌گوید: «اولین تجربه‌ی من مربوط به زمانی است که دانشجوی دانشگاه پلی‌تکنیک مونترال بودم. یک کلاس داشتیم که مربوط به تحقیقات دکتری من بود. در آن زمان تازه‌وارد بودم و زبان فرانسه بلد نبودم. همیشه انتهای کلاس می‌نشستم و قبل از کلاس، مطالب را برای خودم ترجمه می‌کردم. استاد به من می‌گفت: هر موقع چیزی برایت گنگ بود، بیا و از من بپرس. این استقبال در ابتدا برای من جالب بود، اما از همان جلسه‌های اولی که شروع شد هر بار که من آخر کلاس به او رجوع کردم و گفتم این موضوع را متوجه نمی‌شوم، با این جواب روبه‌رو می‌شدم که



دریافت پاسخ ایمیل دو تا سه روز طول خواهد کشید و به این نتیجه رسیدم که حتی اگر بخواهم ایمیلی به زبان انگلیسی بنویسم و در ابتدای آن یک Salut بنویسم، جوابی که از آفیس دریافت می‌کنم به‌غایت بهتر است. این دقیقا مثل داستانی است که در تبریز برای من وجود داشت؛ یعنی من باید حتماً ترکی صحبت می‌کردم تا کارم پیش برود.»

### تجربه‌ی تبعیض نژادی

سام در ادامه می‌افزاید: مشکلی که در مورد آن صحبت می‌کنیم را در این ۵ سال به شدت در محیط دانشگاه احساس کردم. چند روز پیش، در جریان گرفتن خوابگاه برای دوستی با مورد عجیبی روبه‌رو شدم. این دانشجوی ایرانی می‌خواست یک روز زودتر مستقر شود. من پیگیری کردم و گفتند این بخش هنوز نظافت نشده و نمی‌تواند بیاید! باتوجه‌به تجربیات شش‌ساله‌ام پاسخ دادم: «چرا این‌طور جواب من را می‌دهید؟»

کل این مکالمه به زبان انگلیسی انجام شد. بسیار برخورد بد و ناراحت‌کننده‌ای داشتند. من گفتم می‌روم از فرد دیگری که قرار بود اینجا را تمیز کند در یک دیپارتمان دیگر می‌پرسم و برمی‌گردم. او هم گفت ما آنجا را تمیز کردیم و همه چیز اوکی است! زمانی که خواستم برگردم فرد مربوطه در را برای من باز نکرد و من شنیدم که داشت به فرانسه با آقای صحبت می‌کرد که این دانشجویها از جهان سوم زبان‌نهم هستند و اینجا را خراب کرده‌اند و از کلمات بسیار توهین‌آمیزی هم استفاده کرد. من دوباره در زدم و وارد شدم و به زبان فرانسه با او صحبت کردم که البته رنگ از رخسارش پرید و حرف‌هایش را انکار کرد. به او گفتم همه حرف‌هایش را فهمیدم و این‌که چرا وقتی به زبان انگلیسی با او صحبت کردم این‌طور با من برخورد کرد؟ و این‌که موظف است جواب دانشجویان انگلیسی‌زبان را به زبان انگلیسی بدهد. به او گفتم چرا به این صورت به کسی فحش می‌دهد که به‌خاطر مشکلات قرنطینه در فرودگاه، مجبور بود یک روز زودتر از قرنطینه بیرون بیاید و ۵۰۰ دلار هزینه‌ی هتل بدهد.

### تبعیض در بیمارستان

محمد تجربه‌ی نامناسبی از برخورد تبعیض‌آمیز کادر درمانی در مونترال هم دارد. او روایت خود را برای خبرنگار هفته‌چنین تعریف می‌کند: «تا قبل از این‌که کووید برای بیمارستان‌ها ممنوعیت ایجاد کند زمانی که برای کار به بیمارستان «جوییش جنرال» می‌رفتم و مشکلی نبود اما دو دفعه و به‌خصوص دفعه‌ی آخر به شدت این تفاوت زبانی را درک کردم. موردی که برای من پیش آمد این بود که من ساعت ۹ صبح در بیمارستان «جوییش جنرال» وقت

داشتم. از ساعت یک ربع به ۹ صبح آنجا بودم. منشی بخش جراحی از من پرسید زبان فرانسوی بلد نیستی؟ گفتم: اصلاً فرانسه نمی‌دانم و جراحی‌ام را همین‌جا انجام دادم. از اول هم با زبان انگلیسی صحبت کردم و هیچ مشکلی هم پیش نیامد. شماره‌ای به من داد و گفت بنشین تا نوبت شود. مدت زیادی منتظر نشستم و می‌دیدم آدم‌های زیادی می‌آیند که مثلاً ساعت ۹:۳۰ یا ساعت ۱۰ و ۱۱ وقت داشتند. با منشی بگو و بخند می‌کردند به کارشان می‌رسیدند و می‌رفتند. ساعت ۱۲، واقعاً ناراحت شدم و به منشی گفتم: «شما هیچ شرایطی بابت فرستادن آدم‌ها داخل اتاق ندارید؟» گفت: نه. همه مثل هم هستند. گفتم: من الان اسم دکتر خودم را از دهان ایشان شنیدم، زبان فرانسوی من فول نیست ولی متوجه می‌شوم که ایشان هم با دکتر من وقت ملاقات دارد و شما او را فرستادید! گفت: نه، کار ایشان چیز دیگری بود. گفتم: مگر شما افراد را از روی شماره، صدا نمی‌کنید پس چطور اول ایشان را فرستادید که بعد از من آمدند؟ گفت: شما بنشینید نوبت بعدی برای شماست و من از همان موقع که گفت نوبت بعدی شما هستید یک ساعت نشستم تا

نوبتم شد! وقتی موضوع را با پزشک مطرح کردم گفتم: ما سرمان شلوغ بود شاید شما دیرتر آمدی. من هم گفتم: روی برگه‌ی انتظار من ساعت ۹ نوشته شده است. چرا من را دیر به داخل فرستادند؟ عمل جراحی من ۳ ساعت بیشتر طول نکشید ولی پشت در اتاق شما بیشتر از ۴ ساعت منتظر بودم! متوجه شدم تنها مشکل این بود که بلد نبودم با منشی، فرانسه صحبت کنم!»

محمد در ادامه می‌گوید درست است هر دو زبان در استان کبک استفاده می‌شود و زبان اصلی فرانسه است ولی این دلیلی برای ایجاد تبعیض در حقوق اولیه‌ی یک فرد نمی‌شود.

### برخورد جامعه

البته این دو دانشجوی در پاسخ به سؤال خبرنگار هفته‌درباره‌ی برخورد مردم و جامعه با آنها گفتند که در این محیط‌ها کمتر با موارد تبعیض‌آمیز برخورد کرده‌اند. ضمن این‌که اشاره داشتند که خود ما ایرانی‌ها در این مورد دست کمی نداریم. آنها معتقدند بیشترین مشکلات در اداره‌ها است یا در مکان‌هایی که بیشتر پاسخ‌گویی نسبت به ارباب و رجوع دارند.





گزارش «مونترال گزت»:

## نرخ بیکاری و تبعیض سیستماتیک در کبک

### رنگ پوست و بازار کار

«سارا ماژرو»، دانشجوی علوم سیاسی در دانشگاه کنکورديا که در حال حاضر در مرکز اطلاعات حقوقی اتحادیه دانشجویی کار می‌کند، می‌گوید: وقتی با من از پشت تلفن صحبت می‌کنند، نمی‌فهمند من سیاه‌پوست هستم اما وقتی در مصاحبه‌ی کاری من را می‌بینند، می‌فهمند این چیزی نیست که آنها انتظارش را داشتند. تجربه‌ی ماژرو بیانگر چیزی است که کارشناسان آن را پدیده‌ی نگران‌کننده‌ای توصیف می‌کنند که در بطن اطلاعات دلگرم‌کننده مربوط به اشتغال در مونترال و استان کبک جریان دارد.

برخی از کارفرمایان با وجود تجربه‌ی «سارا ماژرو» در بخش خدمات مشتری، بهانه‌های متعددی برای رد استخدام نیمه‌وقت او در بخش خرده‌فروشی و خدمات عمومی می‌آورند، اما حسی غریزی به او می‌گوید آن چه واقعاً افرادی را که با وی مصاحبه می‌کنند عصبانی می‌کند، رنگ پوست اوست.

در حالی که رسانه‌های خبری اعلام می‌کنند کبک در حال حاضر کمبود نیروی کار و کمترین میزان بیکاری را در دهه‌های گذشته تجربه می‌کند، نرخ بیکاری در میان اقلیت‌های مرئی (افراد غیر از مردم بومی کانادا) در مرکز شهر مونترال، تا دو برابر و حتی سه برابر، بیشتر از اقلیت‌های بومی کانادا است.

### اقلیت مرئی

اصطلاح «اقلیت مرئی یا قابل مشاهده» که

اداره‌ی آمار کانادا از آن استفاده می‌کند، در قانون عدالت استخدامی کانادا به‌عنوان افرادی غیربومی تعریف شده است که از نژاد غیرقفقازی یا غیر سفیدپوست هستند. باین‌حال کارشناسان از واژه اقلیت‌های نژادی به‌جای این اصطلاح استفاده می‌کنند.

«فو نیومی»، بنیان‌گذار و مدیر اجرایی مرکز تحقیقات روابط نژادی (CRARR) می‌گوید: شکاف اشتغال در جامعه به‌هیچ‌وجه چیز جدیدی نیست و کاهش نخواهد یافت؛ مگر این‌که سیاستگذاران به وجود موانع سیستمی در برابر فرصت‌های برابر شغلی اذعان کنند و این موانع را به رسمیت بشناسند.

او معتقد است: هر دهه شاهد تکرار همان اطلاعاتی هستیم که بر بیکاری نامتناسب، به‌ویژه در میان انگلیسی‌زبان‌ها یا فرانسوی‌زبان‌های سیاه‌پوست و مردمان عرب‌تبار و یا با تبار آفریقایی شمالی دلالت می‌کند.

نیومی تصریح کرد: این نشان می‌دهد که هنوز هم انواع موانع سیستمی وجود دارد، خواه در قالب عدم به رسمیت شناختن مدارک و تجارب خارجی و یا عدم اعطای فرصت برابر به افراد، فقط به این دلیل که نام آنها متفاوت به نظر می‌رسد. گاهی اوقات این فقط یک تبعیض فاحش است.

### نرخ بیکاری پنهان

طبق آخرین سرشماری کانادا در سال ۲۰۱۶، نرخ کلی بیکاری در منطقه مونترال برای افراد

با مدرک دانشگاهی حدود ۵٫۷ درصد بوده است. اما وقتی این رقم ریزتر شود، نرخ بیکاری برای اقلیت‌های مرئی ۱۰٫۲ درصد و برای اقلیت‌های غیر مرئی ۴٫۳ درصد برآورد می‌شود. درحقیقت، بالاترین نرخ بیکاری در بین ساکنان تحصیل کرده دانشگاهی مونترال، متعلق به افرادی است که خود را عرب، سیاه‌پوست و از تبار آمریکای لاتین معرفی کرده‌اند. نرخ بیکاری در این افراد به ترتیب ۱۱٫۷، ۱۰٫۷ و ۹٫۶ درصد برآورد می‌شود. در میان ساکنان مونترال از همه زمینه‌های تحصیلی، نرخ بیکاری برای اقلیت‌های بومی ۶٫۳ درصد و برای اقلیت‌های غیر سفیدپوست ۱۱٫۷ درصد برآورد شده است. همچنین نرخ بیکاری برای افراد عرب‌تبار ۱۴ درصد و افراد سیاه‌پوست ۱۲٫۹ درصد بود.

مقامات دولتی ریشه‌ی این مشکل را نیاز مهاجران به ادغام در جامعه‌ی کبک و آموزش زبان فرانسه می‌دانند؛ در حالی که این یک برداشت نادرست است، زیرا نرخ بیکاری صرف‌نظر از این‌که افراد دارای هویت سیاه‌پوست، عرب، آمریکای لاتین یا آسیایی متولد کانادا یا مهاجر باشند، برای اقلیت‌های غیر سفیدپوست دو برابر اقلیت‌های بومی است.

### موانع سیستمی

نیومی معتقد است موانع سیستمی بسیار عمیقی در کبک وجود دارد که باید برطرف شود؛ بنابراین کل گفتمان و جهت‌گیری

سیاسی در مورد پدیده‌ی ادغام باید بررسی شود. این فقط در مورد مجبور کردن یا توانمند کردن یا تشویق مهاجران نیست که با آموزش بیشتر زبان فرانسه به آنها موفق به ادغام در جامعه کبک شوند. باید موانع پیش‌روی فرصت شغلی برابر از میان برداشته شود. نیمه‌ی افزود وی مرتباً در مورد افراد رنگین پوست می‌شنود که از دانشگاه‌های فرانسوی‌زبان کبک فارغ‌التحصیل می‌شوند و در یافتن موقعیت شغلی در رشته خود مشکل دارند و او روایت‌های مختلفی را از مهاجران آفریقایی فرانسوی‌زبان و آفریقایی شمالی از نژاد عربی می‌شنود که با مهارت‌های زبانی و مدرک دکترا یا فوق‌لیسانس به کبک می‌آیند و هنوز نمی‌توانند شغلی پیدا کنند. نیمه‌ی گفت: این گواهی بر این حقیقت است که مسئله، زبان نیست.

### تبعیض‌های مکرر

محمد جابر نزدیک به ۱۵ سال است که با این مشکل دست‌وپنجه نرم می‌کند. جابر از مراکش مهاجرت کرد و در سال ۲۰۰۵ در رشته مدیریت سازمانی از دانشگاه du Québec Chicoutimi فارغ‌التحصیل شد. ولی هنوز در زمینه‌ی تحصیلی خود شغلی پیدا نکرده است. او می‌گوید هروقت از طریق آژانس‌های کاریابی و در مصاحبه‌های مستقیم با کارفرمایان، مانند بانک‌ها، برای پست‌های مدیریتی درخواست می‌دهد، همیشه در نهایت از همان مراکز ارتباطات تلفنی سر درمی‌آورد. او بالاخره به این امید که پس از اثبات توانایی‌هایش بتواند برای پست‌های سطح بالاتر درخواست دهد، در مشاغلی که اغلب فقط در قالب قراردادهای کوتاه‌مدت بسته می‌شدند، مشغول به کار شد، اما به‌زودی فهمید همیشه در برابر متقاضیانی که صلاحیت کمتری نسبت به او داشتند بازنده می‌شود.

جابر تبعیض در محیط کار را نیز تجربه کرده است. کمیسیون حقوق بشر کبک در سال ۲۰۱۶ پس از این‌که وی بارها بارها از سوی یکی از همکارانش در برابر چشمان کارفرمایان هدف اهانت‌های نژادپرستانه قرار گرفت، مبلغ ۶۰۰۰ دلار به عنوان غرامت برای وی در نظر گرفت.

### تبعیض جنسیتی و قومیتی

«پل اید»، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه du Québec à Montréal که محقق اصلی یک مطالعه اساسی برای کمیسیون حقوق بشر کبک درباره تبعیض نژادی در نظام استخدامی کانادا بود که از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ انجام شد، در این باره می‌گوید: جنسیت، یک لایه‌ی دوم به تبعیض اضافه می‌کند.

او می‌افزاید: بیکاری بالا و نامتناسب، به درآمد نامتناسب و پایین‌تر در میان اقلیت‌های نژادی بیشتر است و در این میان زنان عضو اقلیت نژادی بیشتر در معرض آسیب قرار دارند.

به‌عنوان مثال، داده‌های سرشماری سال ۲۰۱۶ در مونترال نشان داد نرخ بیکاری زنان سیاه‌پوست متولد کانادا بین ۳۵ تا ۴۴ سال که دارای مدرک دانشگاهی هستند، ۶٫۸ درصد و نرخ بیکاری در میان زنان سفیدپوست در همان گروه سنی و با سطح تحصیلات مشابه ۲٫۴ درصد برآورد می‌شود.

این مطالعه نشان داد که متقاضیان کار با نام‌های بومی کبک، ۶۰ درصد بیشتر از یک متقاضی با نام آفریقایی، عربی یا آمریکایی لاتین برای مصاحبه شغلی فراخوانده می‌شوند. به‌موجب نتایج این مطالعه، متقاضیان کار با نام بومی کبکی، ۶۰ درصد بیشتر از متقاضیان با نام‌های آفریقایی، عربی یا آمریکایی لاتین برای مصاحبه شغلی فراخوانده می‌شوند. علاوه بر این، از هر سه نفر متقاضی آفریقایی، عربی یا آمریکایی لاتین یک نفر به دلیل نامش دعوت به مصاحبه نمی‌شود.

### مونترال؛ نابرابر تر از تورنتو

جک جدوآب رئیس انجمن مطالعات کانادایی که در زمینه تاریخ مهاجرت و اقلیت‌های قومی در کبک مطالعه کرده است در این خصوص گفت: ما باید دائماً هوشیار باشیم و در جهت کاهش این نابرابری‌ها تلاش کنیم. این یک پدیده‌ی منحصر به مونترال نیست، بلکه یک موضوع مربوط به سراسر کشور به شمار می‌رود. باین‌وجود، به نظر می‌رسد احساس تبعیض در

محل کار در مونترال بیش از تورنتو باشد. نظرسنجی مؤسسه‌ی A Léger که برای انجمن مطالعات کانادا و بنیاد روابط نژادی کانادا انجام شد نشان داد که ۵۰٫۸ درصد از افراد سیاه‌پوست ساکن مونترال گفتند که اغلب یا گاهی اوقات در محل کار بر اساس رنگ پوست با تبعیض روبه‌رو شده‌اند. از این تعداد، ۱۶٫۴ درصد گفته‌اند «اغلب» و ۳۴٫۴ درصد گفته‌اند «گاهی» هدف تبعیض قرار گرفته‌اند. در تورنتو، ۴۷٫۸ درصد از پاسخ‌دهندگان سیاه‌پوست گفته‌اند که اغلب یا گاهی اوقات در محل کار با تبعیض روبه‌رو می‌شوند.

نیمه‌ی معتقد است شکی وجود ندارد که وضعیت در مونترال بدتر است، زیرا بسیاری از موانع سیستمی که منجر به محرومیت افراد رنگین‌پوست می‌شود، به مسئله ادغام و زبان مهاجران نسبت داده می‌شود که اغلب یک مشکل کاذب است. وی تصریح کرد: علاوه بر این، اقلیت‌های نژادی انگلیسی‌زبان، با یک لایه‌ی اضافی تبعیض بر اساس زبان روبه‌رو هستند. نتیجه این است که بعضی از مردم اگر پول لازم برای ترک مونترال را داشته باشند، شهر را ترک می‌کنند. حتی اگر مونترال از تنوع کمی برخوردار باشد، وقتی صحبت از این موارد به میان می‌آید، وضع تورنتو از اینجا بهتر به نظر می‌رسد و این موضوع بسیار مهمی است.

منبع: سایت روزنامه مونترال گزت

## رنگس هاشمی

# راه دشوار دانشجویان افغان در کانادا

انجام داد؛ در این بررسی بنا بر تحقیق از ۹ کشور جهان: سوئد، نروژ، بلژیک، فرانسه، هلند، آلمان، انگلستان، آمریکا و کانادا صورت گرفت با وجود شهرت کانادا به‌عنوان یک جامعه برابر به‌ویژه در مقایسه با همسایه جنوبی یعنی آمریکا بیشترین میزان تبعیض نژاد ابتدا در فرانسه و سپس در سوئد وجود داشت و کشورهای انگلیس، بلژیک، هلند، نروژ، آمریکا و آلمان تقریباً در یک سطح بودند، ولی نکته تکان‌دهنده این است که کانادا ۱۱ درصد بیش از آمریکا درگیر مسائل تبعیض نژادی بود. یافته‌های ما بنا بر گفتگوهای که با ده فرد افغان صورت گرفت؛ نشان‌دهنده این است که تبعیض تحصیلی و کاری را اکثریت افغان‌ها تجربه کرده‌اند. خصوصاً جوانانی که به سن بلوغ در کانادا مهاجرت کرده و تعلیمات ثانوی و

### مفهوم تبعیض

قبل از این‌که به تبعیض بر علیه دانشجویان در کانادا و به‌خصوص در کبک بپردازیم؛ جا دارد بدانیم تبعیض چیست؟ در اصطلاح جامعه‌شناسی، تبعیض موقعیتی است که افراد در برابر نقش‌ها و موقعیت‌های برابر از مزایای اجتماعی برابر برخوردار نمی‌باشند و بدون برتری داشتن، برتری داده می‌شوند. تبعیض تحصیلی که یکی از گونه‌های تبعیض است؛ در آن گروه‌های خاصی از افراد از حقوق تحصیلی مساوی با دیگر افراد جامعه برخوردار نمی‌باشند. تبعیض تحصیلی می‌تواند بر اساس قومیت، ملیت، سن، جنسیت، نژاد، شرایط اقتصادی، معلولیت و مذهب باشد.

بنا بر گزارشی که در سال ۲۰۱۹ انجمن بهداشت عمومی



با کزیدت اسکور یونیورسیتی حتی با داشتن ۶۵ فیصد به‌راحتی وارد دوره ماستری می‌شدند حتی کسانی که مونوگرافشان را تکمیل نکرده بودند و من درحالی که کزیدت اسکور بلندتر از ۷۵ فیصد به اساس معادل‌سازی در اختیار داشتیم و مونوگرافم را نیز تکمیل کرده بودم؛ با آن‌هم شرایط سختی را مقابلم قرار می‌دادند.

او ادامه می‌دهد تا این‌که با یکی از مشوره‌دهنده‌های تحصیلی پوهنتون مک‌گیل وعده‌ی ملاقات گرفتیم و او به‌صراحت برآیم گفت: «از این‌که مدرک تحصیلی خودت از افغانستان و از دانشکده حقوق آنجاست؛ در اینجا تبعیضی وجود دارد و خودت را به پوهنتون مک‌گیل که شهرت جهانی داشته و پوهنتون شناخته شده در سطح جهان است نمی‌پذیرند. اگر می‌خواهید وارد پروگرام ماستری مک‌گیل شوید؛ باید ۵۱ کورس‌های قانون را بر علاوه دوره‌ی ماستری سپری نمایید.» وقتی با خود محاسبه کردم دریافتیم که مدت‌زمان ۵۱ کورس قانون بیشتر از دو نیم و یا سه سال دوره‌ی ماستری می‌شود. بناً مایوس شده به‌صورت آنلاین پروگرام ماستری را در یکی از پوهنتون‌های لندن سپری کردم و با وجود همه تلاش‌ها و داشتن نمرات بلند و مونوگراف نتوانستم در پروگرام ماستری مک‌گیل اجازه تحصیل یابم.

#### انتظار برای ورود به مکتب انترنشنل

من، «ترگس هاشمی» نیز با چنین موارد برخوردادم. بر علاوه این‌که اسناد تحصیلی من و شوهرم را قبول نکردند؛ بلکه مریم‌غزل دخترم، بعد از فراغت از دوره‌ی ابتداییه با بلندترین نمره در یکی از مکاتب انترنشنل کامیاب شد و اما او را در لست منتظرین قرار دادند و تاکنون که در صنف سوم لیسه درس می‌خواند؛ همواره یادآور می‌شود که هم‌صنفی‌اش درحالی‌که کمتر از او نمره اخذ کرده بود و در لست منتظرین قرار داشت او را یک سال بعد در همان مکتب پذیرفتند ولی مریم‌غزل تا هنوز هم منتظر است که اگر او را در مکتب انترنشنل راه بدهند.



آقای مزاریار می‌افزاید که در کانادا نه‌تنها تبعیض تحصیلی، بلکه تبعیض شغلی نیز موجود است و خاطرات فراوانی در بخش کاری دارد و چندین قرارداد کاری را از این‌که آسیایی‌نژاد است به قیمت کمتر برایش واگذار کرده‌اند. او می‌افزاید: «اگر کانادایی‌ال‌اصل نباشید و خلاصه سفیدپوست نیستید؛ هیچ‌گاهی منیجر دفاتر بزرگ نمی‌شوید.»

آقای خلیل مزاریار همچنان به گفته‌ای برادرش عبدالله مزاریار به اثر تبعیض نژادی درحالی‌که با بهترین نمرات در بخش فارمسی کامیاب شد؛ اما پس از انترقیوی که از محصلان گرفته می‌شد به این رشته شامل درس نگردید و اکنون در بخش جراحی مصروف کار و خدمات صحنی است.

#### عدم پذیرش مدرک تحصیلی

«محترم محمود» (اسم مستعار) بدترین خاطراتش را که حکایتگر تبعیض تحصیلی است؛ چنین بیان می‌دارد: در سال ۲۰۱۱ وارد کانادا شدم و بدون درنگ وارد کورس‌های لسان فرانسوی گردیدم و درحالی‌که مشکل لسان نداشتیم به معادل‌سازی اسناد تحصیلی‌ام پرداختم در آن زمان فوق‌العاده تبعیض را دیدم که اسناد تحصیلی‌ام را در بخش حقوق از این‌که در افغانستان قانون اسلامی بود مورد پذیرش قرار ندادند. چون در آن زمان اوراق مهاجرت‌م نیز روی کار بود و اقامت دائم نداشتیم بناً آنها را مقصر ندانستم. زیرا بدون اقامت دائم به حیث دانشجوی انترنشنل با من برخورد می‌شد و با نداشتن اقامت دائم و برای به‌دست‌آوردن چپترها یا ماه‌ها منتظر می‌ماندم و یا به پول خریداری می‌کردم. بناً یک دوره سخت را گذشتاندم و دوباره در سال ۲۰۱۴ درحالی‌که اسناد اقامت دائم داشتیم؛ برای پروگرام ماستری دانشگاه مک‌گیل مراجعه کردم، ولی بازهم به اساس تبعیضی که وجود داشت کسانی که از مک‌گیل فارغ شده بودند

#### تبعیض علیه دانشجویان مهاجر

«آقای غلام سخی غیرت» که متخصص ساینس در بخش زراعت از پوهنتون سیدنی استرالیا است؛ درباره‌ی تبعیض دانشجویی در کانادا چنین می‌گوید: «خوش شدم از این‌که درباره‌ی تبعیض دانشجویان در کانادا کار می‌کنید. تبعیض در حصه‌ی دانشجویان مهاجر از قدیم وجود داشت و هنوز هم دارد. زمانی که به کانادا مهاجر شدم؛ شهادت‌نامه ماستری خود را در رشته‌ی ساینس و زراعت از پوهنتون مشهور (سیدنی استرالیا) گرفته بودم و به هر شعبه و دفتر در شهر تورنتو و ماتریال مراجعه کردم و هیچ شعبه و دفتر زراعت مرا نپذیرفت؛ درحالی‌که کشور استرالیا مانند کشور کانادا هر دو تحت فرماندهی ملکه‌ی انگلستان قرار دارند. این‌که چرا اسناد دست‌داشته مرا قبول نمودند، واضح است که من مهاجر بوده و تبعیض روشنشان را بر علیه من و امثال من نشان دادند. این سلسله دوام داشته و تا امروز هم وجود دارد.»

#### نمرات پایین تر

«خانم وسیمه فاضلی» زمانی مورد تبعیض قرار گرفت که در سال ۲۰۰۰ در کلاس (ده کوی) شامل درس شد و آن زمان که زبان فرانسوی را درست نمی‌دانست؛ چندین مورد تبعیض را تجربه کرد و کمتر برایش موقع حرف‌زدن داده می‌شد و شاگردانی که کانادایی بودند او و چندین افغان دیگر را به دیده کم می‌دیدند. خانم وسیمه می‌افزاید که همه‌ی افغان‌ها به‌خصوص کسانی که تازه وارد کانادا می‌شوند بدون شک با تبعیض مقابله می‌کنند. او می‌گوید بر دیگر مهاجران چه در ساحة تحصیلی و چه در بخش کاری تبعیض وجود دارد و آن قدری که به کانادایی‌های خودشان موقع خوب‌تر و شغل کاری بهتر و شرایط سهل پذیر در دانشگاه‌های مورد علاقه‌شان سپرده می‌شود؛ به ما مهاجرین کم‌تر داده می‌شود. خانم فاضلی اضافه نمود: بعدازاین‌که در مکتب لیسه رتتم اکثر معلمین به سؤال‌هایی آنهایی که زبان مادری‌شان انگلیسی و یا فرانسوی بود؛ بیشتر توجه کرده و جواب ارائه می‌کردند و نمرات خوب‌تری را به آنها قایل بودند.

#### تحصیل دوباره، شغل نامعلوم

«عبدالله مزاریار» یکی دیگر از افغان‌هاست که با تبعیض تحصیلی در کانادا برخورد کرده است. او می‌گوید: «درحالی‌که محصل سال دوم دانشکده انجینیری در تاجیکستان بودم؛ زمانی که وارد کانادا شدم دولت کانادا اسنادم را قبول نکرد و مجبور شدم تا تحصیل را از مکتب دوباره آغاز کنم و پس از زحمت‌کشی‌های فراوان و سپری نمودن وقت درحالی‌که با دیگر افراد و دانشجویان از نگاه فهم و دانش تفاوت نداشتیم و حتی بیشتر از آنها می‌دانستم در ظرف کمتر از یک سال وارد کالج شدم اما با تغییر رشته به درس ادامه دادم.» او به‌خاطر دارد زمانی که وظیفه‌های را معلم برایش داد و او یکی از هم‌صنفی‌هایش را در اجرای این وظیفه کمک کرده و وظیفه‌اش را انجام داده بود اما معلم مذکور نمره‌ی هم‌صنفی‌اش را بیشتر



## تبعیض در کبک و رابطه‌ی سمی با کانادا

کسانی که فکر می‌کنند این افراط و تفریطها موارد منفرد و پراکنده‌ای هستند و مردم خوب و مهربان جامعه انگلیسی‌زبان کانادا، در اعماق وجود خود و از صمیم قلب شما را دوست دارند، واقعاً نمی‌دانند در مورد چه چیزی صحبت می‌کنند. آن‌ها همان‌طور که ما حیوان خانگی خودمان را دوست داریم، شما را دوست دارند: ما حیوان خانگی خود را وقتی دوست داریم که جایگاه خودش را بشناسد و بداند چگونه رفتار کند. حالا برگردیم به آنچه در بالا درباره مشکلات دیگران گفتیم، مشکلاتی که غالب اوقات از موجب کاهش اهمیت یا حتی انکار مشکلات ما می‌شود.

### غرور

از چندین دهه پیش کانادای انگلیسی‌زبان بارها و بارها رفتار تحقیرآمیز و توهین‌آمیز با کبک داشته است؛ اما واکنش ما چگونه بوده است؟ واکنش ما مثل شخصی بوده که در یک رابطه سمی زن‌شوهری گرفتار شده است. فرد گرفتار شده در این رابطه تحمل می‌کند چراکه خود را از نظر مالی وابسته به طرف مقابل می‌داند، چراکه از تنها شدن و ادامه کار می‌ترسد، چراکه می‌ترسد طرف مقابل در مسیر نادرستی حرکت می‌کند، بیم آن دارد که شرایط به زبان او تغییر خواهد کرد و ... اما وری همه این‌ها، طرف گرفتار در این رابطه شرایط را تحمل می‌کند به‌ویژه به خاطر اینکه اعتماد به نفس لازم ندارد، غرورش له شده و عزت‌نفسش جریحه‌دار شده است. مسئله خیلی ساده است: فردی که عزت‌نفس دارد اجازه نمی‌دهد که این‌گونه با او رفتار شود. این وضعیت تاندازه‌های نمایانگر شرایط ما در برابر کانادای انگلیسی‌زبان است. متأسفم که این‌گونه وضعیت را برای شما شرح دادم.

منبع: سایت نشریه ژورنال دو مونریال

افکار و باورهای آکنده از انزجار خیلی هم عجیب و غریب نیست. وقوع این فاجعه دردناک موجی از آگاهی نیز در جامعه ما ایجاد کرد. واقعاً عجیب و ناراحت‌کننده است که ملت کوچک و مهربانی مثل ما نیز که به خاطر چیزهای بی‌ارزش سر جنگ با کسی ندارد، می‌تواند ندانسته و ناخواسته بستری برای ظهور و رشد یک هیولا باشد. بنابراین وقتی که یک اتفاق مشابه با فاجعه مرگبار مسجد کبک در کانادای انگلیسی رخ می‌دهد، طبیعی است که انتظار داشته باشیم واکنش‌های مشابه برانگیزد و یک موج آگاهی و یک معاینه وجدان مشابه منجر شود. درست نیست؟

چگونه ممکن است سرزمینی که این حد خود را بی‌عیب و نقص می‌پندارد تا این اندازه به خود مباهات می‌کند و می‌خواهد به کل جهان درس همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های نژادی و مذهبی بدهد، کامل نباشد؟ آیا ممکن است که این سرزمین نیز شماری از نژادپرستان، اسلام‌ستیزان و ... (اسمشان را هر چه دلتان می‌خواهد بگذارید) را در دل خود جای داده باشد؟ من شک ندارم که خیلی‌ها در جامعه انگلیسی‌زبان کانادا چنین سؤالاتی از خود می‌پرسند. اما روزنامه‌نگاران از جاستین ترودو نخست‌وزیر کانادا پرسیدند مگر قانون ۲۱ درباره لائیسیته حکومت نبود که اساساً موجب افزایش جنایات ناشی از تنفر می‌شد؟ اسلام هراسی در کانادای انگلیسی‌زبان؟ مگر ممکن است؟ این پدیده احتمالاً کالایی وارداتی از کبک است. مقاله‌نویسان تورنتو سان و تورنتو استار مطالبی با مضامین مشابه در این زمینه منتشر کردند. جالب و خنده‌دار است، کشتار در انتاریو اتفاق می‌افتد، اما تقصیر آن را به گردن کبک می‌اندازند. خوب باید فکرتش را می‌کردیم. اما واقعیت این است که نیازی به فکر کردن نیست چراکه مقصر دانستن کبک یک واکنش شرطی است.

خوانندگان عزیز من همین‌جا صریحاً به شما می‌گویم

مشکلات دیگران غالباً موجب کم‌اهمیت شدن یا انکار مشکلات ما می‌شود. کبک در کانادای انگلیسی‌زبان از مدت‌ها پیش شهرت خوبی ندارد. امیر عطاران استاد دانشگاه اتاوا را که همین اواخر نیز با اظهارنظرهای جنجالی خود خبرساز شده بود، حتماً به یاد دارید. عطاران وقتی که در موضع‌گیری‌های خود درباره وجود نژادپرستی سیستماتیک در استان کبک، این استان را به «آلابامای شمال» تشبیه کرد، در واقع حرف دل خیلی‌ها را زد.

استاد ایرانی دانشگاه اتاوا از وجود نژادپرستی سیستماتیک و ریشه‌دار در استان کبک انتقاد کرده و گفته است که کبک تنها استان کانادا است که وجود نژادپرستی سیستماتیک را انکار می‌کند. عطاران تأکید کرده که وجود نژادپرستی گسترده در کبک فقط نظر و دیدگاه شخصی او نیست بلکه یک واقعیت انکارناپذیر است. استاد حقوق و مدرسه اپیدمیولوژی و سلامت عمومی دانشگاه اتاوا با اظهارات انتقادآمیز خود از سیاست‌های تبعیض‌آمیز در استان کبک و نژادپرست خواندن دولت فرانسوا لوگو که از نظر وی طرفدار برتری سفیدپوستان است، موجی از انتقادات شدید بر ضد خود برانگیخت. مناقشه میان کبک و این استاد ایرانی زمانی شروع شد که عطاران در صفحه شخصی توئیتر خود نوشت که کبک «آلابامای شمالی» است. عطاران در اظهارنظرهای خود در این باره از ضعف‌های شدید در زمینه خدمات بهداشتی و درمانی ارائه شده به بومیان کبک انتقاد و از «لینچ پزشکی» بر ضد بومیان در استان کبک سخن گفته است.

### آیا کشتار ژانویه سال ۲۰۱۷ را که در مسجد کبک اتفاق افتاد، به یاد دارید؟

این حادثه دردناک و مرگبار در جامعه کانادای انگلیسی‌زبان واکنش‌های زیادی از این دست برانگیخت: وقوع چنین اتفاقی در یک استان پر از اندیشه‌های تعصبی، گرایش‌های نژادپرستانه، اندیشه‌های طرفدار برتری سفیدپوستان، دیدگاه‌های ملی‌گرایانه و گاهی

# خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری



کاظم پرتو تهرانی  
مشاور رسمی املاک در کبک

Kazem Partow Tehrani Real Estate Broker



بیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال

به همراه یک تیم حرفه ای

514 - 971-7407

Sutton

مشاوره برای املاک در آمریکا

ارزیابی رایگان منزل شما

پرداخت هزینه محضر به عنوان کادو به خریداران ملک  
با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک

B | L | V | D  
BOULEVARD

مشاور املاک در مونترال بزرگ

سارا تاشیری

مشاور املاک در مونترال بزرگ

Sara Taassiri  
Real Estate Broker

- همکاری با مشاوران دریافت وام مسکن
- شرایط استثنایی برای تازه واردین
- خدمات رایگان برای خریداران
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره تلفنی و حضوری

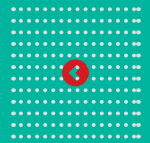
514-929-8425

taassiris@blvdimmobilier.com





# مهاجرت



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca

Montreal Office:  
Tel: 514-289 9044 (office) / 514- 778 9011 (Mobile)  
Toll free from Iran: 021-85312878  
Address: 1117 Sainte Catherine West, suite #511,  
Montreal, Quebec, H3B 1H0  
Email: info@icpimmigration.com  
Tehran Office:  
Tel: 021-2289 4567 / Mobile: 0937 489 6676

@ICPimmigrationToCanada  
@icpimmigrationc icpimmigrationtocanada

## معصومه علیمحمدی

با گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات در زمینه اخذ مجوز اقامت دائم و یا موقت برنامه‌های مهاجرتی فدرال و استانی از طریق سرمایه گذاری، تخصصی، کارآفرینی، خوشاوندی، دانشجویی و... و همچنین تهیه دعوتنامه، سوگند نامه و تایید رسمی مدارک در کانادا می‌باشد.  
جهت مشاوره و تعیین وقت قبلی با دفاتر ما در مونترال و تهران تماس حاصل فرمایید.



ICP ICP IMMIGRATION INC.

www.icpimmigration.com

# بازداشت‌های غیرقانونی مهاجران و پناهجویان در کانادا



در کانادا مهاجران عموماً در زندان‌های استانی نگهداری می‌شوند و تنها سه زندان فدرال در ونکوور، تورنتو و مونترآل وجود دارد.

وکیل نداشتیم، به شکلی تحقیرآمیز، شرم‌آور و غیرانسانی با من رفتار کردند.» (عبدالرحمان الرعادی)  
با اعضای خانواده عبدالرحمان نیز برخورد بهتری صورت نگرفت.

عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر در گزارش خود تأکید کردند بازداشت خودسرانه در کانادا فقط به مهاجران و پناهجویان بزرگسال محدود نمی‌شود بلکه کودکان نیز بهای این برخوردهای غیرقانونی را می‌پردازند و این مسئله‌ای است که به هیچ عنوان نمی‌توان به راحتی از کنار آن عبور کرد.

این دو سازمان در تایید ادعای خود به تجربه یک دخترچه مهاجر افغان با نام مستعار امینه (برای به خطر نیفتادن موقعیت این مهاجر افغان هویت واقعی‌اش فاش نشده است) اشاره کردند که سال ۲۰۰۷ در حالی که بیشتر از هفت سال نداشت، به همراه والدین، خواهران و برادرانش به کانادا آمد. امینه که امروز به سن بلوغ رسیده است، می‌گوید در آن روز به محض ورود به کانادا، مأموران مرزی به دست پدر و مادرش دستبند زدند و همه اعضای خانواده را در اتاق‌های جداگانه که نور شدید و کورکننده‌ای در آنها می‌تابید، حبس کردند.

امینه که در این کنفرانس مطبوعاتی آنلاین برای شناخته نشدن صورتش دیده نمی‌شود، افزود: «در حالی که وحشت‌زده و گرسنه بودیم، آنها غذایی از گوشت خوک به ما دادند که نتوانستیم آن را بخوریم.»

امینه افزود نمی‌دانستم که به چه علت بازداشت شده‌ایم و چرا چنین رفتاری با ما می‌شود اما اعضای خانواده همگی قرار گذاشتیم که پس از آزاد شدن دیگر هرگز درباره اتفاقی که برایشان افتاده است، حرفی نزنیم.

عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر در گزارش خود برای بهبود اوضاع چند پیشنهاد به دولت فدرال دادند. آنها از مقامات فدرال خواستند در سیستم مهاجرت به برخوردها و رفتارهای غیرانسانی با مهاجران و پناهجویان پایان دهند و توسل به هر گونه بازداشت را در امور مهاجرت به تدریج برای همیشه لغو کنند.

همچنین عفو بین‌الملل از اتاوا خواست روندهای بازداشت مهاجران در کشور را به طور کلی مورد بازبینی قرار دهد و برای نظارت بر عملکرد، قصور یا تخلفات احتمالی آژانس خدمات مرزی و کمیسیون مهاجرت و پناهندگی، یک سازمان نظارتی مستقل تشکیل دهد.

فرار کرده و به کانادا آمده‌اند به امید این که در این کشور مورد حمایت قرار گیرند و شرایط بهتری برای زندگی پیدا کنند

دو سازمان یادشده در گزارش خود تصریح کردند: «مهاجران و پناهجویان زیادی در حال حاضر در زندان‌های استانی کانادا به سر می‌برند و بسیاری از آنها در سلول‌های انفرادی نگهداری می‌شوند.»

در همین گزارش آمده است اکثر مهاجران و پناهجویانی که در کانادا در حبس به سر می‌برند، اتباع کشورهای آفریقایی هستند. مهاجران آفریقایی بازداشت شده در کانادا غالباً بیشتر از دیگر گروه‌هایی که عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر در گزارش خود به آنها اشاره کرده‌اند، باید در زندان منتظر بمانند تا پرونده‌هایشان مورد رسیدگی قرار گیرد و تکلیفشان مشخص شود.

این دو سازمان حامی حقوق بشر در کنفرانس مطبوعاتی خود که صبح روز پنج‌شنبه ۱۷ ژوئن در یک پلتفرم دیجیتال برگزار شد، از دو شاهد نیز دعوت کرده بودند، درباره وضعیت مهاجران و پناهجویان بازداشت شده در کانادا شهادت دهند.

عبدالرحمان الرعادی یکی از این دو شاهد بود که سال ۲۰۱۷ به اتفاق همسر و دو فرزندش از مصر به ونکوور آمد. عبدالرحمان می‌گوید در بدو ورود، مأمور آژانس خدمات مرزی کانادا برخورد تندی با او و خانواده‌اش داشت و به شکلی پرخاشگرانه او را مورد بازجویی قرار داد بدون این که به او اجازه دهد بفهمد قضیه از چه قرار است و فرصت پاسخگویی داشته باشد. این مهاجر مصری افزود مأمور آژانس خدمات مرزی همه وسایل او از جمله دستگاه شنوایی مربوط به کاشت حلزون گوش او را ضبط کرد.

«آنها مرا به یک بازداشتگاه فرستادند و در حالی که به شدت مستاصل و وحشت‌زده بودم، به مدت سه روز مورد بازجویی قرار دادند و در حالی که دسترسی مستقیم به

در گزارش دو سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر به موارد متعدد نقض فاحش حقوق مهاجران و پناهجویان در کانادا اشاره شده است

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، همزمان با روز جهانی پناهجویان که بیستم ژوئن هر سال گرمی داشته می‌شود، دو سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر گزارشی در انتقاد از وضعیت نامناسب مهاجران و پناهجویان بازداشت شده در کانادا منتشر کردند.

عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر در گزارش تکان دهنده خود ضمن محکوم کردن نقض آشکار حقوق مهاجران و پناهجویان و بازداشت‌های افراط آمیز و گاهی حتی غیرقانونی آنها در کانادا از این مسئله ابراز تأسف کرده‌اند که مهاجران و پناهجویان غالب اوقات در بازداشت دست و پایشان بسته است، مرتب مورد تفتیش بدنی قرار می‌گیرند و دسترسی آنها به دنیای خارج بسیار محدود یا تقریباً صفر است.

این دو سازمان مدافع حقوق بشر در گزارش خود تأکید کردند بازداشت مهاجران و پناهجویان در کانادا که در بسیاری از موارد خودسرانه، فراقانونی و غیرقانونی توصیف شده است می‌تواند ماه‌ها و حتی سال‌ها طول بکشد چرا که تاریخ آزادی این افراد هیچ‌گاه از پیش مشخص نمی‌شود. افرادی که دچار اختلالات یا معلولیت‌های روحی و روانی هستند یا افرادی که متعلق به اقلیت‌ها هستند، غالب اوقات در زندان قربانی رفتارهای تبعیض آمیز واقع می‌شوند.

گزارش تکان دهنده دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل در انتقاد از وضعیت پناهجویان و مهاجران بازداشت شده در کانادا در یکصد صفحه تحت این عنوان منتشر شده است: «بازداشت مهاجران در کانادا و پیامدهای آن بر سلامت روحی و روانی آنها: من احساس می‌کردم انسان نیستم.» در این گزارش آمده است این افراد غالب کسانی هستند که از ظلم و ستم، خشونت و ناامنی در کشورهای خودشان



## همسر اولین قاضی رنگین پوست دیوان عالی کانادا ایرانی است

جاستین ترودو، محمود جمال را که از سال ۲۰۱۹ به عنوان قاضی دیوان استیناف انتاریو فعالیت می‌کند، به عنوان قاضی دیوان عالی کانادا انتخاب کرده است تا جای رزالیا سیلبرمن آبلارا که بازنشسته شده است، بگیرد.

جاستین ترودو نخست وزیر کانادا در بیانیه‌ای اعلام کرد در تاریخ ۱۴۶ ساله دیوان عالی کانادا این اولین بار است که یکی از کرسی‌های این نهاد قضایی عالی به یک رنگین‌پوست تعلق می‌گیرد.

ترودو در بیانیه خود ضمن تاکید بر اراده دولت خود برای مبارزه با نژادپرستی گسترده در نهادهای دولتی کانادا، تصریح کرد: «دیوان عالی کانادا به قاطعیت، استقلال و عملکرد عالی قضات خود شهرت دارد و من اطمینان دارم که محمود جمال به لطف تجربیات گران‌بهای خود در زمینه حقوقی و دانشگاهی و با توجه به روحیه فداکاری و خدمت به دیگران، می‌تواند برگ برنده‌ای برای عالی‌ترین نهاد قضایی کشورمان باشد.»

نخست وزیر کانادا همچنین در صفحه توئیتر خود انتخاب محمود جمال را به عنوان قاضی دیوان عالی کانادا، انتخابی تاریخی توصیف کرد.

محمود جمال که به زودی به عنوان اولین فرد غیر سفیدپوست به جمع قضات دیوان عالی کانادا اضافه می‌شود، می‌گوید در کودکی و نوجوانی‌اش تقریباً هر روز رفتارهای تبعیض‌آمیز را تجربه کرده است.

محمود جمال سال ۱۹۶۷ در نایروبی کنیا در خانواده‌ای هندی تبار به دنیا آمد و دو سال بعد به اتفاق خانواده خود به انگلیس نقل مکان کرد. آقای جمال در پرسش‌نامه‌ای که برای دیوان عالی کانادا پر کرده است، اعلام کرد با توجه به این که در کودکی و نوجوانی در مدارس انگلیکان‌ها تحصیل می‌کرد، آموزش مذهبی را دنبال کرده است.

«من در مدرسه مطابق با آموزش‌های مسیحی و کلیسای انگلیکان تربیت شدم اما در خانه با اصول و آموزه‌های اسلامی سر و کار داشتم و آیات قرآن یا دعاهای عربی را حفظ می‌کردم در حالی که در بطن جامعه اسماعیلیه زندگی کردم. مثل خیلی‌های دیگر به خاطر رنگ پوست، نژاد و دین خود هر روز با رفتارها و برخوردهای توهین‌آمیز، تحقیرآمیز یا تبعیض‌آمیز روبرو می‌شدم.» (محمود جمال) خانواده محمود جمال در سال ۱۹۸۱ به کانادا آمد و در ادمونتون مستقر شد. محمود جمال در همین شهر تحصیلات متوسط خود را به پایان رساند.

«سال‌های اول برای من و خانواده‌ام واقعا به سختی گذشت. پدر و مادرم برای تامین هزینه‌های خانواده مشکلات فراوانی داشتند و درآمد آنها کفاف هزینه‌های زندگی ما را نمی‌داد. آنها با زحمت فراوان یک رستوران باز کردند به امید این که وضعیت مالی‌شان بهتر شود اما خیلی زود ورشکسته شدند. اما به رغم همه این مشکلات آنها همواره

عفو بین‌الملل در گزارش خود از دولت فدرال خواست تا تشکیل این سازمان نظارتی مستقل، به برخی شیوه‌های روزانه بازداشت مهاجران و پناهجویان مثل استفاده از دستبند یا توسل به سلول انفرادی پایان دهد.

«سیستم بازداشت مرتبط با امر مهاجرت و رویه‌های افراطی یا غیرقانونی که در این عرصه رایج است، با اصل تکثر فرهنگی و ارزش‌های برابری و عدالت که کانادا در جهان به آن شهرت دارد، در تضاد آشکار است.» (کتی نیویابندی دبیر کل عفو بین‌الملل در کانادای انگلیسی زبان)

سازمان عفو بین‌الملل همچنین از دولت فدرال خواست آن دسته از مهاجران و پناهجویان بازداشت شده را که از اختلالات جسمی یا روانی رنج می‌برند، آزاد کند تا در مدتی که مقامات به پرونده‌های آنها رسیدگی می‌کنند، بتوان به شکلی مناسب از آنها در جامعه مراقبت کرد.

عفو بین‌الملل همچنین ضمن یادآوری تعهدات و وظایف کانادا در قبال کنوانسیون‌های بین‌المللی که در زمینه مقابله با شکنجه و رعایت حقوق بشر امضا کرده است، تاکید کرد امنیت ملی کانادا نباید دلیل یا دستاویزی برای برخوردهای تنبیهی، افراط‌آمیز و غیرقانونی با مهاجران و نقض حقوق بنیادین آنها باشد.

سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر برای تهیه گزارش خود درباره وضعیت مهاجران و پناهجویان بازداشت شده در کانادا ۹۰ مصاحبه با افرادی انجام دادند که خود، اعضای خانواده یا نزدیکانشان به دلایل مختلف مرتبط با مهاجرت حبس در کانادا را تجربه کرده‌اند. این دو سازمان برای تهیه گزارش خود با برخی متخصصان سلامت روان، استادان دانشگاه، وکلا، کارکنان اداره مهاجرت و اعضای جامعه مدنی نیز مصاحبه کرده‌اند.

راديو کانادا تلاش کرد در این باره نظر و پاسخ مسئولان کمیسیون مهاجرت و پناهندگی و همچنین مقامات آژانس خدمات مرزی کانادا را جویا شود اما این دو نهاد از قبول درخواست مصاحبه خودداری کردند.

منبع: راديو کانادا



مارکو مندوچینو وزیر مهاجرت و شهروندی کانادا

مرا به ادامه دادن تحصیلاتم ترغیب می‌کردند.» (محمود جمال)

محمود جمال اولین فرد در خانواده‌اش بود که پایش به دانشگاه باز شد. او ابتدا در مدرسه علوم اقتصادی لندن مشغول تحصیل شد، سپس در دانشگاه تورنتو در رشته اقتصاد تحصیل کرد و در ادامه در رشته حقوق دانشگاه مک گیل مونترال و در نهایت در مدرسه حقوق ییل Yale Law School آمریکا تحصیل کرد.

همسر محمود جمال یک زن پناهجوی ایرانی است که در نوجوانی برای فرار از ظلم و ستمی که اقلیت مذهبی بهائیان در ایران پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ متحمل می‌شدند، از این کشور به کانادا آمده است. همسر ایرانی محمود جمال ابتدا چندین سال در فیلیپین زندگی کرد تا این که سرانجام کانادا با درخواست پناهندگی‌اش موافقت کرد و در بدو ورود به کانادا در شهر اینیسفیل Innisfail استان آلبرتا مستقر شد.

دختر ایرانی نه تنها دل محمود جمال، بلکه دین او را هم از آن خود کرد چرا که محمود پس از ازدواج با این دختر ایرانی به کیش او درآمد و به گفته خودش، تحت تاثیر دعوت بهائیت از بشر برای وحدت معنوی، به این دین گروید. حاصل این ازدواج دو فرزند است که در جامعه چندقومی بهائیان تورنتو بزرگ شده‌اند.

محمود جمال می‌گوید: «همه این تجربیات مرا با بسیاری از مشکلات، چالش‌ها و آرزوهای مهاجران، اقلیت‌های مذهبی و اعضای اقلیت‌های نژادی آشنا کرد. افکار، عقاید و دیدگاه‌های من درباره این مسائل طی بیست و پنج سال فعالیت به عنوان وکیل و قاضی گسترش و عمق بیشتری پیدا کرد.»

محمود جمال سال‌ها به عنوان وکیل مدافع تجربه‌اندوزی کرد تا این که دو سال پیش به عنوان قاضی دیوان استیناف انتاریو منصوب شد.

محمود جمال به عنوان وکیل مدافع، ده‌ها بار برای تجدید نظرخواهی در پرونده‌های متعدد با موضوعات مختلف در دیوان عالی حضور یافته است.

عضو جدید دیوان عالی کانادا به به دو زبان انگلیسی و فرانسه مسلط است، حقوق قانون اساسی را در دانشگاه مک گیل و حقوق اداری را در دانشکده حقوق Osgoode Hall وابسته به دانشگاه یورک تدریس کرده است.

اعضای کمیته عدالت مجلس عوام و کمیته امور حقوقی سنای کانادا و همچنین اعضای حزب سبز فدرال به زودی در یک جلسه پرسش و پاسخ با آقای جمال محمود شرکت خواهند کرد.



## مقابله با فرهنگ استعماری و وظیفه‌ی ماست



### دانیال باقری سروستانی از زبان خودش

دانیال باقری سروستانی هستم. در سال ۲۰۱۵ از دانشگاه بین‌المللی صلح سازمان ملل متحد در رشته حقوق بین‌الملل و حقوق بشر فارغ‌التحصیل شدم. از آن زمان تاکنون به گروه‌های مختلف در آمریکای میانه، از جنوب مکزیک تا پاناما و بومیان کانادا به تحقیق و مشاوره مشغول هستم. هم‌اکنون در دانشگاه کانزاس در حال اتمام دکتری هستم. در حال حاضر بر روی موضوع «اثر جنبش حقوق بشری مردمان بومی بر ساخت فرهنگی و هویتی در آمریکای شمالی» در حال تحقیق هستم و به نتایج جالبی رسیده‌ام. من مدافع حقوق مردمان بومی هستم و در سازمان‌های مختلف کانادایی و بین‌المللی، در این زمینه فعالیت‌هایی داشته‌ام. هشت سال است که در مرز بین هندوراس و گواتمالا به مردمان بومی مایا خدمت می‌کنم. به مناسبت فرارسیدن ماه ژوئن (ماه بین‌المللی مردمان بومی دنیا) متن زیر را تقدیم می‌کنم.

#### اثرگذار باشد؟

شما وقتی سرزمین گروهی از مردم را که به سرزمینشان بسیار وابسته هستند را از آنها بگیرند و بخواهید فرهنگشان را نابود کنید انواع مشکلات روانی از جمله خودکشی، اعتیاد به الکل و مواد مخدر و سایر اختلالات روانی در آنها چندبرابر بیشتر خواهد شد. در واقع این مشکلات نه علت، بلکه نتیجه‌ی مستقیم یک سیستم نژادپرستانه هستند. نکته‌ی مهم‌تر این است که این نتایج از سوی مردم آن قضاوت می‌شود و به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی در می‌آید و بازتولید می‌شود. در واقع علاوه بر این که معلول به‌عنوان علت در نظر مردم به‌عنوان واقعیت جلوه می‌کند، بلکه در فرهنگ‌های کلونی‌زمی، بر اساس آن قضاوت صورت می‌گیرد و این باورهای نادرست همچنان ادامه پیدا می‌کند.

این مسئله نگران‌کننده است زیرا ممکن است نسل‌کشی‌هایی که در گذشته اتفاق افتاده را به صورت‌های دیگری ادامه دهد. در بسیاری از کشورهای جهان، مردمان بومی نه‌تنها سرزمین بلکه فرزندان و خانواده خود را از دست می‌دهند. حتی کودکان را در قفس و زندان قرار می‌دهند. طبیعی است که در این شرایط از هر انسانی خشونت بروز پیدا می‌کند اما تحت شرایط فرهنگ کلونی‌زمی، این خشونت‌ها به‌عنوان فرهنگ این مردم تلقی می‌شود تا دولت‌ها بتوانند تبعیض‌ها و خشونت‌های بیشتر را علیه بومیان توجیه کنند.

باتوجه به کشف گور دسته‌جمعی اخیر کودکان بومی

#### باتوجه به افزایش تحقیقات در زمینه حقوق بومیان هنوز این باورهای اشتباه در بین مردم وجود دارد؟ مردم مقصرند؟ دولت‌ها یا رسانه‌ها؟

به نظر من نمی‌توان گفت که شخص یا گروه خاصی به طور صددرصد مقصر است و عوامل مختلفی به این باورهای اشتباه دامن می‌زنند. باید پذیرفت که بدبینی یا نژادپرستی بر علیه مردم عمومی یک واقعیت در کانادا و به‌طور کلی قاره آمریکا (از کشورهای آمریکای جنوبی تا کانادا) بوده است.

دلیل آن هم این است که ریشه‌ی فرهنگ‌های مستقر در این قاره، کلونی‌زمی هستند؛ به عبارت بهتر، فلسفه‌ی ساخت کشور روی نابودی فرهنگ‌های مردم بومی بنا گذاشته شده است. این باورها و طرز تفکرها از طریق سیستم به عموم جامعه تزریق شده است؛ به‌طوری‌که وقتی ما مهاجران و ایرانیان وارد این فرهنگ کلونی‌زمی می‌شویم، این باورها را بازتولید می‌کنیم و خودمان می‌توانیم به یک مدافع و عامل گسترش نژادپرستی در این زمینه تبدیل شویم.

دلیل اصلی این موضوع هم ناآگاهی در این حوزه است. به‌عنوان مثال برخی مردم بر این باورند که بومیان به لحاظ ژنتیکی بیشتر مستعد اعتیاد به الکل هستند. مطالعات ما نشان می‌دهد که این مسئله وجود دارد اما علت نیست و معلول است؛ معلول رنج‌ها و ستم‌هایی که بر مردمان بومی طی قرون گذشته روا داشته شده است.

چگونه این تبعیض‌ها می‌تواند بر بروز این آسیب‌ها

#### جناب آقای باقری سروستانی، چه شد که به موضوع بومیان و حقوق آنها علاقه‌مند شدید؟

از آنجایی که می‌دانید ایران یک کشور غنی به لحاظ تعداد فرهنگ‌هاست. خانواده من اصالتاً از عشایر بختیاری بودند که در سروستان زندگی می‌کردند که در دوران قاجاریه و پهلوی از سروستان به شیراز به اجبار کوچانده و شهرنشین شدند. از طرف دیگر، بعد از پایان تحصیلات در دوران کارشناسی ارشد، با مواردی مواجه شدم که مرا به این موضوع علاقه‌مند کرد. برایم جالب‌توجه بود که چگونه این مردمان با وجود فقر و بعد از ۴۰۰ یا ۵۰۰ سال نسل‌کشی‌ها و فرهنگ‌کشی‌ها توسط نظام‌های کلونی‌زمی، توانستند هویت خودشان را حفظ کنند. چگونه این هویت برمی‌گردد و وابستگی به سرزمین و چگونه مردم بومی توانستند باتوجه به این وابستگی به هویت خود برگردند و خود را از زخم‌های تاریخی نجات دهند.

پژوهش‌های ما نشان داد که ظلم‌ها و ستم‌های تاریخی که بر مردمان بومی روا داشته شده است چگونه در بدن و ذهن این افراد باقی می‌ماند و بر نسل‌های آینده اثرگذار خواهد بود. بر همین اساس، جنبش حمایت از حقوق بومیان می‌تواند این آثار را کاهش دهد و بخشی از آرام و رنج مردمان بومی را تسکین بخشد که این برای من خیلی مهم است.

به طور خاص در کانادا باورهای اشتباهی در رابطه با بومیان وجود دارد؛ از نسبت دادن عیوب ژنتیکی گرفته تا ادعای تحصیلات و مسکن رایگان. چرا



حضور در مجمع ملی عمومی مردم «مایا چورتی» در کوپان، هندوراس

همان‌طور که در قبل اشاره کردم فرهنگ ایرانی خود ریشه‌ی عظیمی در فرهنگ‌های بومی دارد. ایرانیان از قدیم مردمان بومی تباری بوده‌اند و به دنبال گسترش فرهنگ خود در سطح منطقه‌ای یا جهانی نبودند. برای ما مهم است که ریشه‌های خود را حفظ کنیم، حتی وقتی به کشورهای مانند کانادا یا آمریکا با فرهنگ کلونیزی می‌مهاجرت می‌کنیم. دانستن درباره مردمان بومی این سرزمین به‌نوعی به ما کمک می‌کند تا ریشه‌های خود را حفظ کنیم و در واقع به‌نوعی به ما درس عبرت می‌دهد. درس‌هایی به این معنا که مردمانی که حس وابستگی از سرزمین را از آنها گرفته‌اند، مردمانی که فرهنگ آنها را از آنان می‌گیرند، مردمانی که در درون آنها جنگ راه می‌اندازند، به چه بیچارگی و فلاکتی می‌افتند؛ از مشکلات اقتصادی گرفته تا مشکلات روحی و روانی. البته این موضوع را در بین گروه‌های ایرانی هم می‌توان مشاهده کرد. ایرانیانی که در ابتدا به این کشورها مهاجرت می‌کنند در ابتدا دچار یک افسردگی عمیق می‌شوند. تجربیات خود را نشان می‌دهد که ما حتی بر علیه خودمان نیز دچار نوعی تبعیض و نژادپرستی می‌شویم. حتی نسبت به برادرمان که می‌تواند یک پاکستانی یک هندی باشد، بر علیه آنها را نژادپرستی نشان می‌دهیم.

البته این به آن دلیل است که ما در جهانی بسیار نژادپرستانه زندگی می‌کنیم. از سیستم‌های مختلف به وجود آمده در دنیای امروز بر پایه نژادپرستی تعبیه شده‌اند. بهتر است بگویم همه سیستم‌های بین‌المللی که از قرن شانزدهم میلادی به بعد شکل گرفته‌اند، ریشه در سیستم‌های کلونیزی دارند. در واقع به نظر من مفهوم جهانی‌شدن، دهکده‌ی جهانی یا Global Village، ریشه‌ی کلونیزی دارند. برای مقابله با این فرهنگ، باید بیشتر بخوانیم و تفکر کنیم. آشنایی با فرهنگ مردمان بومی و احترام به آنان از صمیم قلب نیز یکی دیگر از راه‌هایی است که می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد چون در واقع این کشور، سرزمین اجداد آنهاست.

جناب آقای دانیال باقری سروستانی عزیز از شما سپاسگزاریم.

## نوشته‌ای برای گرامیداشت بومیان در سراسر جهان

ما می‌خواهیم رویداد خود را با احترام به اولین ملت‌ها، بومیان و افراد مبتکر که اکنون بر سرزمین سنتی / اجدادی آنها ایستاده‌ایم، آغاز کنیم. ما با سپاس از خود سرزمین و مردمی که در طول نسل‌ها آن را اداره کرده‌اند، قدردانی می‌کنیم. هنگامی که در اینجا جمع می‌شویم، به خود یادآوری می‌کنیم که به رابطه‌ی مقدس خود با این سرزمین و همچنین با اولین مردم آن چه در گذشته و چه در حال حاضر احترام بگذاریم و پرورش دهیم. لطفاً بیابید لحظه‌ای در تأمل و یادآوری به احترام همه‌ی روابط ما و یادآوری بی‌عدالتی‌های مردم ملت اول ملت آمریکا قدم بگذاریم.

پیوستن به مجموعه قوانین ذکر شده، در راستای حفظ حقوق بومیان ضروری است. همان‌گونه که شما گفتید کشف گور دسته‌جمعی کودکان بومی در مدارس مخصوص بومی‌ها طی هفته‌های گذشته، دوباره این موضوع را در افکار عمومی مهم کرد. یادمان نرود که در این مدارس کودکان هم به‌صورت روحی و هم به‌صورت جسمی و جنسی مورد آزار قرار می‌گرفتند و دولت به دنبال این بود که فرهنگ بومی آنها را از آنها بگیرد و به‌اصطلاح آنها را متمدن کند. این پروژه بخشی از فرایند نابودی فرهنگ بومی مردم کانادا بوده است که آخرین مدرسه در قاره‌ی آمریکا در سال ۱۹۹۰ از بین رفت.



جلسه با رهبر یک جامعه‌ی بومی ناهواس در هندوراس مرکزی برای کمک در اجرای کنوانسیون ILO 169

البته مردمان بومی بارها به این موضوع اشاره کرده بودند که فرزندان آنها مورد آزار و سیستمی قرار می‌گیرند اما این موضوع تا زمانی که توسط رسانه‌های بزرگ غربی فاش نشد، مورد توجه عموم قرار نگرفت. به نظر من در حال حاضر این عذرخواهی‌ها هم چندان مشکلی را حل نمی‌کند، چون دولت‌ها در واقع به دنبال حل ریشه‌ی اصلی مسئله نیستند و تنها می‌خواهند فشار افکار عمومی را به‌صورت کوتاه‌مدت از روی خود بردارند اما توصیه‌ی من به دولت کانادا این است که به پیشنهاد‌های سازمان‌هایی مانند ILO و پیمان‌هایی مانند Convention ۱۶۹ و تعهدات بین‌المللی دیگری که آن را امضا کرده است، توجه کنند.

**به‌عنوان یک فعال حقوق بشر چه پیشنهادهایی برای دفاع از حقوق بومیان به مهاجرانی که به کانادا یا آمریکا مهاجرت می‌کنند، دارید؟ به‌خصوص مهاجرانی که از جوامع با تجربه‌ی تبعیض به کانادا مهاجرت می‌کنند و این سابقه را قرار دارند تا عنوان مهاجر در دام تبعیض نژادی نیفتند. اصولاً چرا این موضوع برای ما به‌عنوان مهاجر باید مهم باشد؟**



در کنار رهبران مردم بومی «مایا چورتی» در کوپان، هندوراس

**کانادا و واکنش‌های افکار عمومی نسبت به آن، دولت کانادا سعی بر عذرخواهی داشت اما به نظر می‌رسد این تبعیض‌ها و نژادپرستی به‌صورت سیستماتیک در جامعه‌ی کانادا وجود دارد. به‌عنوان نمونه کشته‌شدن یک زن بومی در بیمارستانی در مونترال در سال گذشته بود. به نظر شما چه اقداماتی باید صورت بگیرد تا جلوی این اتفاقات گرفته شود؟**

به نظر می‌رسد ما هنوز در حال جست‌وجو برای پاسخ به این سؤال و راهکارهای جدید هستیم. متأسفانه از بین بردن فرهنگ بومی همچنان در جریان است و به بخشی از سیستم نئولیبرالیسم تبدیل شده است. بهتر بگویم نسل‌کشی فرهنگ‌های بومی پدیده‌ای از سیستم نئولیبرالیسم است؛ بنابراین چگونه می‌توان به فرهنگ لیبرالیسمی امیدوار بود تا این تبعیض‌ها و خشونت‌ها را از بین ببرد؟ بنابراین باید به راه‌های دیگری فکر کرد. به‌عنوان یک تحصیل‌کرده‌ی رشته‌ی حقوق تجربیاتی که در آمریکای لاتین قدم بزرگی در این راستا برداشته شد را موثر می‌دانم. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، یک مجموعه قوانین تحت عنوان «International Labor Organization Adopted Convention No. ۱۶۹» امضا شد که شامل ۳۴ تا ۴۰ ماده است که کشورها باید این مواد را در حمایت از مردمان بومی کشور خود پیاده کنند.

بین ۷۰ تا ۸۰ درصد کشورهای آمریکای لاتین این مجموعه قوانین را امضا کردند و تلاش بر این داشته‌اند تا این مواد را در قوانین داخلی خود بگنجانند. تنها دو کشور کانادا و آمریکا (که بر اساس فرهنگ نئولیبرالیسم اداره می‌شوند)، این مجموعه قوانین را امضا نکرده‌اند. یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که می‌توانند به حفظ حقوق بومیان کمک کند پذیرفتن و امضاکردن این مجموعه قوانین است. البته دولت کانادا با فرایندهایی موسوم به Conciliation به دنبال دلجویی از ظلم‌های روا داشته شده بر بومیان است اما این کافی نیست و



# مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ  
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker  
meslami@sutton.com

**514 967 5743**



**YASAMIN ALI-AKBAR**  
Courtier Immobilier Résidentiel

**ELHAM JAMI**  
Courtier Immobilier Résidentiel

514-677-9681

514-966-9681

yasamina@sutton.com elhamjami@sutton.com

خرید و فروش املاک مسکونی  
در مونترال، وست آیلند، ریوسود و لاوال

همکاری با تیم با تجربه در  
تهیه وام مسکن و با کمترین نرخ سود بانکی

**تسهیلات ویژه برای تازه واردین به کانادا**



Agence Immobilière  
RE/MAX Haute Performance

## شاهین سجادی

کارشناس و مشاور رسمی  
املاک مسکونی



**SHAHIN SAJADI**

• Courtier immobilier  
résidentiel

**514-464-8220**



f shahinsajadi

shahin.sajadi@remax-quebec.com

shahinsajadi.realtor

- ارزیابی ملک و مشاوره رایگان
- خدمات رایگان برای خریداران و مستأجران
- مشاوره تخصصی به سرمایه گذاران در املاک در آمدزا
- همراهی در تهیه وام با بهترین شرایط
- هزینه محضر هدیه ما به خریداران گرامی

## شهره شهریان

مشاور رسمی املاک مسکونی

طراح و ناظر پایه یک شهرداری در ایران  
با بیش از 15 سال سابقه



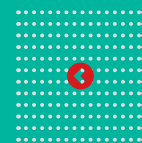
**514 290 2210**

485, boul. L'Évêque O.J. inc.  
10C 107 214

ShahrianRealtor@gmail.com



# ادبیات فرهنگ و هنر



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca



Ottawa Persian Radio  
**Namaashoum**  
Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001  
www.PersianRadio.net

**CKCU 93.1 FM**

<https://t.me/ottawaradio>

## نماشوم

هر دوشنبه شب از ۹ تا ۷  
از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

[www.PersianRadio.net](http://www.PersianRadio.net)

## رادیونماشوم

اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری  
همکاران تازه است.

@namaashoum\_radio

# طنز فقط تفریح نیست

گفت‌وگو با سحر شریف‌نیک طنزپرداز از کلگری

«ادبیات مهاجرت» بخش دنباله‌داری است که هم به ادبیات فارسی‌زبان و دست‌اندرکاران ادبیات فارسی در کانادا می‌پردازد و هم به آثار ادبی و داستانی مرتبط با مهاجرت در ایران. در این راستا فرصت مصاحبه با فرهنگ‌وران داخل کشور را نیز مغتنم می‌شماریم وقتی که گذارشان به این سوی دنیا می‌افتد. آنچه در این شماره می‌خوانید، حاصل هم‌سخنی ما با سحر شریف‌نیک، طنزپرداز ساکن کلگری است. او کارنامه‌ی درخور درنگی در طنز و شوخ‌طبعی دارد و صفحه‌ی فعالی در اینستاگرام. امیدوارم از طریق مجله هفته فرهنگ‌دوستان بیشتری با قلم و آثار ایشان آشنا شوند.

## خانم سحر شریف‌نیک دوست دارد خود را چگونه برای خوانندگان هفته معرفی کند؟

سلام من سحر شریف‌نیک ۳۹ ساله و نویسنده طنز هستم. قصه تاز جایی شروع می‌شود که کلاس پنجم نمره انشایم را بیست گرفتم و از همان لحظه دلم خواست بنویسم. طی سال‌های بعدتر که نوجوان شدم هم می‌نوشتم. طنز که نه، ولی از شعر و متن‌های موضوعی کوتاه و بلند گرفته تا نقد کتاب و فیلم که البته خواننده‌هایشان در حد معلم و بابا و مامان و عمه و دایی ماندند و چیزی نصیب باقی‌نشد. آن سال‌ها قرار بود و دلم می‌خواست فلسفه بخوانم، اما نمی‌دانم چه شد که خیلی بی‌ربط به علاقه‌ام در دانشگاه اقتصاد خواندم. و بعد هم که بی‌ربط از آن جهت امرارمعاش وارد بانک شوم. خلاصه که ده سالی از هر آن‌چه که مربوط به نوشته و نوشتن و نویسندگی بود فاصله گرفتم. تقریباً ده سال و دقیقاً بعد از مهاجرت به کانادا و کلگری. دوره‌ی بعد از مهاجرت برای من هم مثل باقی‌زمانی برای تغییر و شروع دوباره شد. با پلت‌فرم‌های مختلف فضای مجازی و علی‌الخصوص اینستاگرام آشنا شدم و دوباره شروع به نوشتن کردم. یعنی حالا همان شعر و متن‌های روی صفحه کاغذ رفتند توی اینستاگرام. بعد از مدتی نوشتن قصه را هم شروع کردم.

## بارقه‌های نوشتن از کجا به شما آمد و چه شد که به سمت طنز و شوخ‌طبعی رفتید؟

قصه کوتاه نوشتن را این‌طور شروع کردم که با قصه‌های قدیمی مثل کتاب کدو لقلقه زن و قصه‌های بزیز قندی شوخی می‌کردم. چیزی شبیه نقیضه‌نویسی یا پارادوی که از قضا از جانب مخاطبان هم خیلی استقبال شد. تعداد مخاطبان صفحه روزبه‌روز بیشتر شد و درخواست‌ها برای نوشتن و ادامه‌ی قصه‌ها زیاد. کم‌کم قصه‌های طولانی‌تر شدند و روند پرورش شخصیت‌پردازی‌ها پرداخت به موضوع‌ها حالت حرفه‌ای‌تری به خودش گرفت. بعد از گذشت چند ماهی کم‌کم از بعضی نشرها پیشنهاد



کار گرفتیم. و برخورد اولیه من این بود «اصلاً مگر من می‌توانم نویسنده باشم، نه نمی‌توانم و چنین اتفاقی نمی‌افتد. نویسنده‌ها باید خیلی آدم‌های خاصی باشند!» ولی به گمانم نظر ناشران فرق می‌کرد. باوجود ترسی که از وارد شدن به دنیای حرفه‌ای نویسنده‌گری داشتم، با تردید همراه با شوق زیاد و همراهی خانواده تصمیمم را گرفتم و قرارداد کتاب اولم رو بستم.

این‌طور شد که یک دوره اینستاگرام را کنار گذاشتم و شروع به نوشتن قصه‌هایی با تم کودکی‌ها و نوجوانی‌های دهه شصت به‌صورت طنز کردم. این کارها برگرفته از شوخی‌هایی بود که با محرومیت‌هایمان بود. سعی داشتم با این دردها شوخی کنم.

هر دفعه که می‌خواستیم قصه‌ای را بنویسیم موضوع را برای خودم مشخص می‌کردم. تلاش من نگاه طنزپردازانه به تعارضات جامعه بود. به شرطی که موضوع را داد نزنم و به آن حالت شعاری ندهم. به چالش کشیدن هر آنچه که باعث انداختن فاصله در افراد جامعه می‌شد. این‌طور که بخش داستانی قصیه مشخص باشد و در کنارش خواننده وقتی مطالعه‌اش تمام شد احساس کند که مثلاً چقدر چشم‌پوشی بد است یا مثلاً چقدر نگار مردسالارانه می‌تواند آسیب‌زننده باشد یا مثلاً سخت‌گیری‌های دوره‌ی کودکی ما چقدر از بعضی لحاظ‌ها معنی نداشته و صرفاً باعث از دست رفتن خیلی لحظات ناب ما شده. راستش دنبال انجام رسالت خاصی نبودم ولی شاید فقط قصدم اشارت مختصر و تلنگری بود که حالا چقدر مفید افتاده را نمی‌دانم.

سال ۹۵ کتاب اولم و سال بعدش کتاب دومم چاپ شد. کتاب اولم «زمانی برای انقراض خاندان فخرملکی» است که چهارده قصه کوتاه است؛ قصه‌هایی که به هم ربط ندارند ولی همان‌طور که گفتم هر قصه موضوعی است راجع به یکی از ناهنجاری‌هایی که در فرهنگ ما وجود دارد و با آن بزرگ شدیم. قصه که کتاب‌ها چاپ شدند و از اقبال خوب توفیق بسیاری نصیب‌شان شد و طی مدت کوتاهی به چاپ دوم و سوم رسید که برای من خیلی جالب و خیره‌کننده و البته استرس‌زا بود.

### تأثیر مهاجرت را بر کار و نوشتن و آثار شما چگونه بوده است؟

وقتی مهاجرت کردم با یک دوره افسردگی طولانی مواجه شدم. افسردگی طولانی منظورم چندین ساله نیست. یک سال اول احساس خلأ شدیدی داشتم. شما وقتی مهاجرت می‌کنی باید همه‌چیز را از صفر شروع کنی. در این‌بین، نوشتن برای من یک مرهم بود و راهی بود برای رهایی از فکری‌هایی مثل اینکه تو هیچی نیستی، به هیچ دردی نمی‌خوری، حالا کی شود که تو بتوانی برگردی و مثل آدم‌های اطرافت زندگی کنی، تو اصلاً اینجا چه کار می‌کنی، باید برگردی، بود. در یک زندگی با نگاه به عقبی داشتم جلو می‌رفتم و نوشتن خیلی من را آرام می‌کرد. ولی ذهنیتی نداشتم از اینکه چقدر می‌توانم جدی و حرفه‌ای بنویسم.

این روند آهسته‌آهسته اتفاق افتاد و به‌صورت یک‌شبه نبود که من قصه‌ای بنویسم و فردا صبحش بگویم ایول چقدر استقبال شده! برعکس، خرد خرد احساس کردم که اگر بنویسم آدم‌هایی هستند که می‌خوانند. دنبال

می‌کنند و مشتاق دوباره شنیدن‌اند.

وقتی قرار شد که به‌صورت جدی‌تر کار کنم مدتی مقاومت می‌کردم و باور داشتم که سواد کافی برای یک کشیدن نام نویسنده را ندارم. باور غلطی هم نبود. من نویسنده تازه‌کار کم‌سوادی بودم که فقط بلد بود بنویسد. به جد مطمئن بودم که اول خیلی باید یاد بگیرم. بخوانم و زیاد بیاموزم. ترس غرق شدن در حباب محبوبیت علت خوبی شد که طی سال‌های اخیر در کنار نوشتن، آموختن را هم جز جدانشدنی در زندگی‌ام بدانم.

اتفاق خوب بعدی را باید آشنایی‌ام با مهدی احمدیان طراح جلد کتاب‌هایم بنامم. مهدی کارتون‌نویستی فوق‌العاده و نوازنده و طنزپرداز قهاری بود که باب آشنایی من را با روزنامه‌ی طنز بی‌قانون باز کرد و من از طریق مهدی احمدیان سردبیر روزنامه آشنا و به‌عنوان نویسنده در آن‌جا مشغول کار شدم.

### و این روند، نقطه‌ی عطفی هم داشت؟

بله؛ اتفاق مهم دیگر که شاید تا به الان مهم‌ترین اتفاق زندگی من هم باشد آشنایی مبارک با استاد ابراهیم نبوی است. حسن نظر ایشان به قلم من و تشویق‌هایشان برای ادامه و طرح‌ها و نظریات‌شان برای نوشتن کارهای جد تأثیر فوق‌العاده و بیش‌ازاندازه مثبتی در روند نوشتاری من گذاشت که به گمانم تا پایان عمر مدیون و ممنون این‌همه لطف و محبت و بزرگواری‌شان خواهم بود. یادم است یک دوره‌ای مدام به من سخت می‌گرفت و از من می‌پرسید که هفته‌ای چند تا کتاب خواندی؟ من می‌گفتم: هفته‌ای چند تا کتاب یعنی چه؟ او دوباره می‌گفت: هفته‌ای چند تا کتاب خواندی؟ و من واقعاً یک دوره‌ای هفته‌ای چهار کتاب می‌خواندم. حالا این بماند که کیفیت مهم است یا کمیت! فقط باید می‌خواندم و می‌نوشتم تا هوش و ذهنم عادت کند.

او به من آموخت: اینکه شما استعداد دارید یا اینکه مثلاً یک کتاب چاپ کردی ملاک نمی‌شود، اگر می‌خواهی در این‌جایی که هستی بمانی باید سختی بکشی، باید روبه‌جلو باشی، باید خوب بخوانی، باید باسواد باشی، باید جایی که نشستی اسم هر آدمی که آمد حداقل یک آشنایی خردی با او داشته باشی، باید سبک‌ها را بشناسی.

من همه این‌ها را طی شش سال یاد گرفتم ولی هنوز با مفهوم اینکه من که هستم خیلی مشکل دارم، اینکه بدانم در چه سطحی هستم دغدغه ذهنی خودم است. حالا درست نمی‌دانم ربطی به مصاحبه دارد یا خیر!

### کتاب دوم شما در سال ۲۰۱۷ و بعدی هم در سال ۲۰۱۸ و هر دو توسط نشر کوله‌پشتی منتشر شدند. درست است؟

بله؛ آن سالی که من داشتم کارهای کتاب اول را انجام می‌دادم سالی بود که مادر و پدرم به اینجا آمدند. من به‌اصطلاح اینجا مامان و بابای خیلی کولی (جالبی) دارم. خودشان می‌رفتند می‌گشتند و واقعاً کارهای خنده‌دار می‌کردند. عدم آشنایی آن‌ها با فرهنگ اینجا و زبان بلد نبودنشان واقعاً اتفاق‌های خنده‌داری پیش می‌آورد. من همان روزها دوباره در اینستاگرام خاطره‌های کوتاه می‌نوشتم که مثلاً امروز مادرم این کار را کرد و یا این‌که

پدرم امروز این حرف را زد. این خاطره‌های کوچک نوشته می‌شد. مخاطبان هم می‌خواندند و از بابت آن بازخورد بسیار خوبی هم می‌گرفتیم. به‌اصطلاح نوشته‌های کوتاه عامه‌پسند، که به پیشنهاد خوانندگان من را به سمت چاپ کتاب دوم برد. منتهی اگر بخواهم صادق باشم چاپ کتاب دوم کار عجولانه‌ای بود. قصه‌ها خوب و جذاب بودند ولی می‌توانستم پخته‌تر کار کنم ولی بسنده کردم به اینکه مخاطب چه می‌پسندد و این استاندارد من نبود. حالا اسمش ایده‌آل‌گرایی یا هر چیزی، شما هر کاری هم بکنید باز عده‌ای می‌پسندند و عده‌ای نمی‌پسندند ولی به مذاق خودم خوش نیامد. هرچند که توی این مورد هم آقای نبوی همیشه می‌گوید: «ول کن! کار فخر را ول کن!»

### این روزها زیاد می‌خوانیم و می‌شنویم که حضور در شبکه‌های اجتماعی در تضاد با فراغت و تمرکز لازم برای حرفه‌ی نویسنده‌گری است. تجربه‌ی شما چیست؟ یک اینستاگرام پرفایور چه نسبتی با نوشتن شما دارد؟ آیا کمکی هم به داستان‌نویسی شما کرده؟

ازنظر من خیلی ساده‌لوحانه یا احمقانه است اگر من زمانی که دارم می‌نویسم فکر کنم فقط برای دل خودم می‌نویسم؛ به این معنی که «من این را می‌نویسم حالا اگر کسی هم خوش‌اش آمد خدا رو شکر»؛ نه این‌طور نیست؛ من به‌عنوان یک نویسنده می‌نویسم که خواننده شوم. وقتی من این‌طور پیش خودم فکر کنم پس باید مخاطب برایم مهم باشد. کمکی که پلتفرم اینستاگرام به من کرد این بود که کم‌کم ذائقه کلی خوانندگان را کشف می‌کردم.

یک نویسنده ممکن است در چاپ دوم و سوم کتابش یک سری مطالبش تغییر کند یا جایی حتی در قصه دست ببرد که به‌اصطلاح می‌گوید این کتاب ویرایش شده است. یا مثلاً یک نویسنده کتابی می‌نویسد بعد می‌دهد به ده بیست نفر از دوستان و اطرافیانش تا بخوانند و نظرشان را جویا شود. پس ما نیاز داریم که خواننده مطلب را ببیند و بخواند و صرفاً برای دل خودمان نمی‌نویسیم. برایم همیشه مهم است چیزی را بنویسم که خواننده شود ولی تا یکجایی.

توجه بی‌اندازه به اطراف و حواشی ذهن نویسنده را از جستجوگری بازمی‌دارد. تمام حجت من برای نوشتن اجرای اثری است که نسبت‌به کار قبل‌ترم درجه‌ای پیشرفت داشته باشد. مسیری روبه‌جلو با لحاظ کردن تعادل در ارتباط با مخاطب. که البته حفظ این تعادل هم کار سختی باشد ولی خیلی برای آن تلاش می‌کنم. فضای مجازی به‌راحتی می‌تواند ما را ببلعد، زمانمان را بگیرد و تا حد زیادی سطحی‌نگرمان کند.

### از منظر کسی که به‌نوعی مروج نگاه شوخ‌طبعانه به جهان در داستان است، طنز خود را بیشتر برآمده از خشم می‌دانید (تلخند و نیش‌خند) یا درصدد ایجاد لحظه‌ای شاد برای مخاطب (نوش‌خند)؟ یا ترکیبی از این‌ها؟ یا اصلاً خارج از این‌ها؟

من نمی‌توانم اسم خاصی روی کارهای خودم بگذارم، فقط می‌توانم بگویم مجموعه‌ای از این‌ها هستم.



«اخلاقی» و نه «اسلامی» طنزی بنویسد. کم‌کم که روبه‌جلو آمدم شوکه شدم از این که می‌دیدم داستان فقط رعایت اصول اخلاقی نیست، بلکه موضوع اصل محدودیت فرهنگی است که شما را از نوشتن خیلی چیزها بازمی‌دارد و این داستان من را کاملا محدود کرد. کاری که من الان دارم انجام می‌دهم به گمانم شبیه به یک مبارزه نرم است. اصلا برابرم عجیب بود که چرا مثلا در کتاب‌های ما کسی نمی‌تواند اسمش محمدحسن باشد و با آن شوخی کرد و باید اسم آن حتماً اسمی مثل هوشنگ باشد. این یک مثال فارغ از جنسیت بود البته. ولی در کل فرهنگ به تو اجازه خیلی شوخی‌ها را نمی‌دهد. اما در همان موقعیت یک مرد به راحتی می‌تواند با خیلی چیزها شوخی کند ولی یک خانم وقتی اسمش می‌آید انگار طرف می‌گوید آه اصلا این چه شوخی بود کردی! چه دور از انتظار و این دسته قضاوت‌ها

آقایان خیلی کلمات را می‌توانند استفاده کنند، به خیلی جاها می‌توانند اشاره کنند و با خیلی واژه‌ها می‌توانند شوخی کنند ولی وقتی یک زن صحبت می‌کند چنین نیست. یک طنزنویس مرد وقتی راجع به سکس حرف می‌زند ممکن است همه شروع به خندیدن کنند نه اینکه در مورد یک موضوع غیراخلاقی مثلا در مورد سکس صحبت کند، اما همین که یک خانم در مورد چنین مسائلی شوخی کند.

کاری که من الان دارم در فضای مجازی انجام می‌دهم مثلا اینکه ترسی از مطرح کردن زندگی خودم ندارم، می‌گویم تا جایی که اصول اخلاقی من را زیر پا نگذارد با آن جلو می‌آیم چه بسا کم‌کم جا بیفتند. من رقصم، ناخنم را نشان می‌دهم، راجع به خانه کثیفم صحبت می‌کنم، با بچه‌ها شوخی می‌کنم و بیش از همه با خودم شوخی می‌کنم ولی می‌دانم خیلی از آن‌ها مسائلی هستند که اگر در ایران زندگی می‌کردم حتی در بیان آن‌ها هم محدودیت داشتیم، محدودیت «فرهنگی»، نه «اسلامی»!

استاندارد ذهنی من این است که روزی بیاید که آدم‌ها به این فضا صرفا به‌عنوان یک تفریح نگاه نکنند. من خیلی کمبود آدم‌های عمیق را در اطرافم حس می‌کنم، حتی در کنار دوستان نویسنده‌ای که با آن‌ها نشست‌وپرخواست دارم. خیلی ناراحتم که بی‌سوادی دارد رواج پیدا می‌کند. بی‌سوادی، به معنای اینکه آدم‌ها خیلی ظاهربین هستند و خیلی لایه‌های سطحی را می‌بینند. خیلی دوست دارم به سمتی برویم که شوخی دلیلی بر این نباشد که به شما به‌عنوان یک آدم سطحی نگاه کنند، به شوخی بیشتر توجه شود و افراد متوجه شوند که آدم‌هایی که شوخی می‌کنند لوده نیستند، آدم‌هایی که شوخی می‌کنند نگاه عمیق‌تری دارند و چه خود طنزنویس‌ها، چه کسانی که طنز را می‌خوانند، سطح انتظارشان بالا برود، از طنز انتظار یک خندیدن و رد شدن نداشته باشند. امیدوارم از این تأثیر بدی که سوشیال مدیا دارد بر زندگی ما می‌گذارد که زندگی را بسیار سطحی نشان می‌دهد دوباره عبور کنیم و کمی عمیق به مسائل نگاه کنیم.

سحر شریف‌نیک عزیز؛ صمیمانه از شما سپاسگزارم.

چیزی نبودند که من دنبالش هستم. حداقل باید کاری کنم تا مخاطب من بیاید و طنز گوش دهد.

با خودم گفتم جمع می‌شویم و کتاب می‌خوانیم.. ما از یک جمع دونفری شروع کردیم، یعنی روز اول همین دو نفر بودیم. از این همه آدم‌های که اعلام آمادگی کردند فقط یک نفر به غیر خودم آمد. همیشه همین جور است. من از اول هم گفتم این کار را برای این انجام نمی‌دهم که حتماً خیلی شلوغ شود. خیلی جالب بود روزهای آخر که دیگر پاییز شده بود و کم‌کم می‌لرزیدیم چون بیرون می‌نشستیم ولی همچنان به تعداد بالا دورهم جمع می‌شدیم که به خاطر اوج‌گیری ناچار شدیم متوقفش کنیم.

من هرگز به این فکر نکردم که انجمن خاصی راه‌اندازی کنم، رئیس انجمن بگذارم، صورت‌جلسه‌ای شکل دهم. این جمع‌ها دوره همی‌های بسیار دلی است که جمع می‌شویم، من از قصه‌های جدید یا قدیم خودم می‌خوانم و بعدش راجع به آن قصه گپ‌وگفتی هست و تمام ...!

### و سخن پایانی ناگفته:

وقتی شروع کردم می‌گفتم اینکه می‌گویند نویسنده زن یا نویسنده مرد بی‌معنی است، زن و مرد نداریم، شما اصلا نباید به این شکل به قضیه نگاه کنید. هر کسی هر چه دلش می‌خواهد می‌نویسد.

من ریک نویسی را نمی‌پسندم. ما آدم‌ها چه ایرانی و چه غیرایرانی، معمولا فکر می‌کنیم وقتی که دیگر خیلی می‌خواهیم با هم راحت باشیم باید شروع به درگیری

یک‌وقت‌هایی زیاد طنز اجتماعی یا همان تلخ طنز کار می‌کردم بنا به اتفاق‌هایی که در ایران می‌افتاد. این اتفاق‌ها قبل از حادثه هواپیما تلخ بودند ولی زهرمار نبودند. می‌شد با آن‌ها شوخی کرد بنابراین من زیاد می‌نوشتم و با اتفاق‌های سختی که پیش می‌آید شوخی می‌کردم. ولی از یکجایی به بعد کارهایی کمتری داشتم و احساس می‌کردم هر اتفاقی که می‌افتد نیازی نیست همه ما در مورد آن عکس‌العمل فوری نشان دهیم.

همیشه به خودم می‌گویم می‌خواهی راجع به ناهنجاری صحبت کنی توی قصه‌ها به آن اشاره کن و لزومی ندارد همه موضوعات را در بر بگیری. ولی سعی کردم کارهای فکاهی بیشتری انجام دهم. به عبارتی آن‌چه که از دغدغه‌مندی داشتم را تلطیف کرده و آهسته‌تر به اوضاع جهان پیرامونم می‌نگرم. گفتم که تنها جایی که فعالیت روزانه دارم اینستاگرام است. فکر می‌کنم پلتفرم اینستاگرام جایی نیست که شما بخواهی دغدغه‌های خیلی جدی ذهن‌ت را بیاوری؛ اگر قرار باشد جایی آن‌ها را بنویسی چه در روزنامه باشد که در حال حاضر نیست، چه بخواهی بعدا به‌صورت خیلی کلی‌تر با عنوان یک نوع فلسفه یا جهان‌بینی آن را در قصه‌ها بیاوری؛ همان کاری که من به‌صورت خیلی ابتدایی در کتاب اولم کردم. برای من بسیار مهم بود که در داستان جدیدم که اسمش «کامبیز عبدالملک» است هم به این ماجرا اشاره کنم که اتفاق‌هایی که الان داریم راجع به آن صحبت می‌کنیم می‌تواند به شکل یک کتاب قصه چاپ شود

لطفاً از دوره‌های داستان که در شهرتان برگزار



گفتن کنیم. خب از نظر من این را که همه می‌توانیم به‌راحتی انجام دهیم ولی هنر یک طنزنویس این است که با رعایت اصول اخلاقی بتواند خوب بنویسد. و باور داشتم که این ربطی به زن و مرد ندارد. چه زن، چه مرد کسی طنزنویس موفق است که بتواند با رعایت اصول

می‌کردید هم برای خوانندگان ما بگویید.

تایستان سال گذشته، بعد از کرونا بود ولی اگر یادتان باشد کمی تب‌وتاب آن پایین آمد، شروع به فکر در مورد ایجاد یک جمع کتابخوانی کردم. بچه‌های کلگری جمع کتابخوانی و از این دست جمع‌ها دارند ولی آن‌ها



## نقیضه‌ی بزبز زنگوله‌پا

فروختن و پول کلونی دستشون اومد. شنگول که حال کار کردن نداشت، نصف پول‌های رو گذاشت بانک با سود بیست و دو درصد. با بقیه‌اش هم رفت یه بی ام دبلیوی کروکی مشکی خرید. صبح‌ها شیرموز رو برمی‌داشت و می‌رفت باشگاه. شب‌ها هم نزدیک آغل داف بزهای محله بغلی، با رفیق‌هاش تا صبح با ماشینش دریافت می‌زد.

حبه انگور، اول پول داد غبغش رو عمل کرد. بعد هم از طریق یکی از آشناها رفت تو کار مدلینگ! و در نهایت در همون شرکت معتبر لبنی ماله به‌عنوان سوپر مدل ثابت شروع به کار کرد و روی تمام پنیرخامه‌بی‌ها به‌صورت سه‌رخ، نیم‌رخ و تمام‌رخ چاپ و جهت استفاده‌ی عموم عرضه شد. شنگول هم با آقا گرگه شریک شد و زدن به کار ساخت و ساز و سر دو سال دو تا مجتمع تجاری چندطبقه با کافه و رستوران و سینما و مخلفات، بر اتوبان ساختند.

آقا گرگه هم که سنی ازش گذشته بود و تری گلیسیریدش زده بود بالا، گوشت قرمز رو به‌کل گذاشت کنار و یک دل نه صد دل عاشق ماست اسفناج خانم بزبی و بعدش هم خود خانم بزبی شد. و در یک عصر زیبای بهاری، یه صحرا پر از شبدر، در شمالی‌ترین نقطه‌ی شهر انداخت پشت قباله‌اش و عقدش کرد.

خانم بزبی قصه‌ی ما هم خودش رو از کار بازنشسته کرد؛ و چون دوباره تازه‌عروس شده بود، نیت کرد که رژیم بگیره و رو فرم بیاد. بعد رفت یه اکانت اینستاگرام باز کرد و هر روز عکس سالادهای شیکش رو برای فالورهاش آپلود کرد و کلی هم لایک گرفت.

خب گلای خودم، یه دفعه نیابین بگین که گرگه چطور ی نامردی نکرد و سر بزبز قندی‌ها رو کلاه نداشت که ناراحت میشم. چون همون جور که گفته بودم آقا گرگه‌ی ما تحصیل کرده بود و این وصله‌ها بهش نمی‌چسبید.

البته یه نگاه به دور و برتون هم بکنید، گرگ تحصیل‌نکرده هم زیاد می‌بینید که بزهای اطرافشون رو خوب شناختن و...

حرف واسه گفتن زیاده خلاصه

ولی علی‌الحساب

قصه‌ی ما به سر رسید، کلاغه به خونه‌اش این دفعه هم نرسید.

منگول هم کت و شلوار و دک‌وپز گرگ رو که دید قانع شد و رفت دم در تا ببینه حرف حسابش چیه.

خلاصه، جونم براتون بگه که آقا گرگه کلی آسمون و ریسمون کرد و تهش گفت: ببین بزغاله، تو پسر با جَنمی هستی. ننه‌ی طفلکت هم داره پیر می‌شه. داداش بزرگت هم که به‌کل تعطیله و شنگوله. تا چشم روی هم بزنی هم وقت جهاز برون حبه‌ی انگور تونه. زندگی خرج داره بَبم!

اگه هر چی میگم رو گوش کنی، زندگی تون رو کن‌فیکون می‌کنم. کاری می‌کنم که دغدغه‌ی آبجی کوچیکه و خانم بزبی مانیکور شاخ و کراتینه‌ی پشمشون باشه. اصلاً تو هم شریک خودم. نصف، نصف. یه وقت فکر نکنی خدای‌نکرده گرگ بی‌کلاس قدیم قصه‌هام ها!!!! دانشگاه رفتم. بی‌زینس خوندم. الآن هم دارم ناپیوسته ارشد می‌گیرم.

منگول چشم‌هاش رو ریز کرد و گوش‌هاش رو تیز و منتظر شنیدن پیشنهاد و سوسه‌برانگیز گرگ نا‌قلا شد.

آقا گرگه، دستی به ریشش برد و دمش رو تکونی داد و گفت: بابا، شما خودتون خیر ندارین که! تو نقشه‌ی جدید شهرداری، این خونه‌ی شما با اون باغ عقبش قابلیت ساخت تجاری پیدا کرده. ولی این بزبی خانم واسه فروش، زیر بار نمی‌ره که نمی‌ره. میگه اینجا یادگار یه عمر مع‌مع فامیله. میگه نمی‌تونه جایی که بابای مرحومش توش جفتک انداخته و چریده رو بده دست غریبه. خلاصه بچه، اگه راضیش کنی اسفناجتون تو روغنه!

منگول که رگ خواب مادرش دستش بود، از اون روز به بعد بنا کرد به شکایت از زندگی که من اینجا آینده ندارم و سمش رو کرد توی یه نعل که الا و لله می‌خوام برم استرالیا!

خانم بزبی هم که چشم‌وچراغش همین بچه وسطی بود، هول کرد و گفت: ننه! ساخت تیز! دنبهت لذیذ، بمون همین‌جا! کجا بری آخه؟ بین اون همه گوسفند مرینوس خوش پشم و چشم عسلی کی به توی بزغاله نگاه می‌کنه.

بمون مادر. از شما چه پنهون گرگ سیاه نا‌قلا مشتری خونه شده. می‌فروشمش سرمایه دست سه تاتون شه و عاقبت‌به‌خیر شید.

خلاصه که نقشه‌ی حبه‌ی انگور گرفت و خونه رو

یکی بود یکی نبود.

یه خانم بزبی بود که اسمش بزبز زنگوله‌پا بود. زنگوله رو مادر خدایبامرز خانم بزبی، سر عقد بهش داده بود و واسه همین همیشه و همه‌جا باهاش بود.

بزبز قصه‌ی ما سه تا بچه داشت به اسم‌های شنگول و منگول و حبه‌ی انگور.

شوهر خانم بزبی عشق بازیگری بود و سال‌ها پیش برای بازی در نقش پزشک معتمد دهکده در سریال پسر شجاع انتخاب شده بود و به ژاپن رفته بود. ولی چند وقت بعدش اقامت دائم گرفته بود و قید اهل‌وعیال را هم به‌کل زده بود و خاک‌برسر دیگه برنگشته بود.

و دیگه از همون موقع، بزبی خانم برای سه بزغاله‌ی یتیم، هم مادر بود و هم پدر.

خانم بزبی زنگوله‌پا در کارخونه‌ی تولید مواد لبنی ماله به‌صورت قرارداد موقت کار می‌کرد. طفلکی هر روز صبح ساعت پنج از خونه می‌زد بیرون و تا بوق سگ واسه دو لقمه علف، مجبور بود که کار کنه.

سر هر صبح هم به بچه‌ها توصیه‌ی اکید می‌کرد که مراقب آقا گرگه‌ای که بنگاهش سر نبش کوجه‌شون بود، باشند.

یه روز که خانم بزبی طبق معمول هر روز قابلمه غذایش رو برداشت و رفت سرکار، زنگ در خونه رو زدن. شنگول که از همه بزرگ‌تر بود پاشد و رفت پای آیفون. دید که آقا گرگه است و میگه: بخشید، این مزدا سیصد و بیست و سه‌تون جلو پارکینگ ماست. بی‌زحمت بیابین جابه‌جاش کنین.

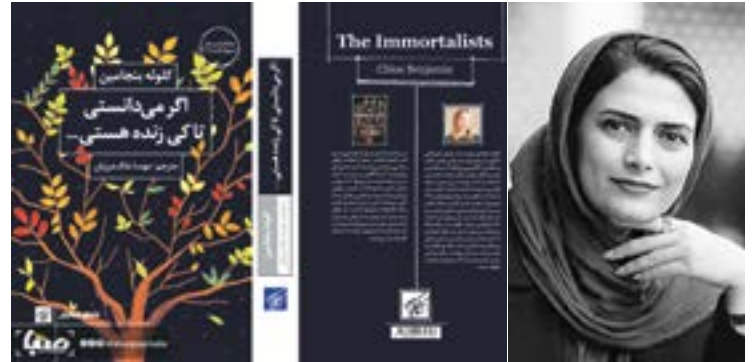
شنگول یهویی هول کرد که حالا باهاس چکار کنه. ولی همون موقع داداش وسطی منگول از راه رسید و یکی زد پس سرش و گفت: خر بزا! ما موتور سی جی صد و بیست و پنج هم نداریم. مزدا کیلو چنده؟ بعدش هم گوشی رو گرفت و به آقا گرگه گفت: برو عمو، همه‌ش با هم خودتی!

آقا گرگه که از ذکاوت بزغاله‌ی دانا خوشش اومده بود، سینه‌ای صاف کرد و ادامه داد: درست صحبت کن بچه! فکر کردی چی؟ گذشت اون قصه‌ای که ننت تو گوشت کرده بود. من دیگه الآن فیله‌ی تازه‌ی بسته‌بندی شده از «شهروند» می‌خرم. الآن هم پاشو بیا دم در دو کلوم مردونه اختلاط کنیم!

## تازه‌های کتاب ایران:

می‌شود و به خدمت ارتش در می‌آید و آخری برای یافتن پاسخ پرسش‌هایش به علم روی می‌آورد. درون‌مایه‌ی این کتاب بیان مفهوم مرگ و زندگی و نیز چگونه زیستن است. اینکه از فرصت زندگی چگونه استفاده کنیم و چگونه از دنیا برویم. مخاطب در طول رمان با این سؤال مواجه می‌شود که اگر من جای این شخصیت‌ها بودم و از راز زمان مرگم با خبر می‌شدم، چطور زندگی می‌کردم و چقدر مسیر زندگی‌ام را عوض می‌کردم؟ این اثر پرفروش‌ترین رمان سال ۲۰۱۸ نیویورک‌تایمز بوده. کلوئه بنجامین نویسنده جوان آمریکایی است و تاکنون دو اثر از او منتشر شده است که هر دو با تحسین منتقدان و استقبال چشمگیری مواجه شده‌اند.

مهسا ملک مرزبان مترجم، روزنامه‌نگار، نویسنده، مجری و گوینده رادیو و تلویزیون است. او در رشته‌ی مترجمی زبان انگلیسی و نیز مدیریت رسانه تحصیل کرده است. مهسا ملک مرزبان از سال ۱۳۷۵ به طور حرفه‌ای با مطبوعات همکاری داشته و در مجلات مختلف مانند ماهنامه‌ی فیلم، هفته‌نامه‌ی مهر و روزنامه‌ی زن می‌نوشت. از او کتاب‌ها و آثار بسیاری در حوزه‌ی ترجمه‌ی ادبیات داستانی و نیز سینمایی منتشر شده است. از جمله: «فانی و الکساندر» از اینگمار برگمان، «سفر در اتاق تحریر» نوشته‌ی پل استر، «قلبی به این سپیدی» از خابیر ماتایاس و ده‌ها جلد کتاب دیگر. رمان «اگر می‌دانستی تا کی زنده هستی» در ۴۴۰ صفحه و به قیمت ۸۲ هزار تومان در دسترس علاقه‌مندان است. همچنین فرمت الکترونیکی این کتاب روی اپلیکیشن‌های فیدیبو و طاقچه موجود است.



انتشارات کوچه کتاب «اگر می‌دانستی تا کی زنده هستی» نوشته‌ی کلوئه بنجامین را با ترجمه‌ی مهسا ملک مرزبان منتشر کرد. این رمان ماجرای چهار خواهر و برادر نوجوان است که تصمیم می‌گیرند به دیدن زن پیشگویی بروند تا بفهمند زمان مرگ هر کدامشان چه روزی است. از آنجاکه این بچه‌ها برای مواجهه با چنین موضوعی بسیار کوچک‌اند، بنابراین تمام زندگی‌شان تحت تأثیر این پیشگویی قرار می‌گیرد و دنیایشان برای همیشه تغییر می‌کند. از آن روز به بعد هر کدام در مقابل پاسخی که شنیدند تصمیم متفاوتی گرفتند. یکی از خانه فرار می‌کند تا عشق زندگی‌اش را پیدا کند، دومی در لاس‌وگاس شعبده‌باز می‌شود، دیگری پزشک

## تازه‌های کتاب کانادا:



خانوادگی او در معرض خطر قرار می‌گیرد و بار مسئولیت خانواده بر دوش او می‌افتد. آنجا جیکوبز در سال ۱۹۶۲ از دانشگاه لیدز فارغ‌التحصیل شد و چندی بعد به استرالیا مهاجرت کرد. او تاکنون بیش از ۸۰ جلد کتاب نوشته و اغلب رمان‌هایش مضامین حماسی، تاریخی و رمانتیک دارند و البته رمانی هم در ژانر تخیلی از او منتشر شده است. این نویسنده‌ی پرکار در سال ۲۰۰۶ جایزه‌ی رمان عاشقانه‌ی سال استرالیا را از آن خود کرد. رمان سه‌جلدی و تاریخی «la villa aux étoffes» هر جلد در حدود هفتصد صفحه و هر یک به مبلغ ۲۴,۹۵ دلار در کتاب‌فروشی‌ها و نیز به فرمت PDF و ePub به مبلغ ۱۸,۹۹ دلار موجود است.

نشر کبکی Guy Saint-Jean Editeur سه‌گانه‌ی معروف نویسنده‌ی انگلیسی آنجا جیکوبز را به زبان فرانسوی منتشر کرد. این مجموعه رمان تاریخی به نام «la villa aux étoffes» که در فهرست پرفروش‌های رمان‌های اروپایی قرار دارد، تاکنون به زبان‌های مختلف ترجمه شده و مخاطبان فراوانی در سرتاسر دنیا آن را خوانده‌اند. ماجرای این سه‌گانه‌ی تاریخی در عمارتی باشکوه متعلق به خانواده‌ی ملزر در آلمان و در آغاز جنگ جهانی اول رقم می‌خورد و صحنه‌ی حوادث شادی‌آفرین و همچنین غم‌انگیزی می‌شود. داستان از سال ۱۹۱۳ آغاز می‌شود و شخصیت اصلی آن دختر جوانی به نام ماری است. او که در خانواده‌ی فقیری بزرگ شده، در آشپزخانه‌ی این عمارت مشغول به کار می‌شود. پس از شروع جنگ جهانی کار و زندگی شخصی و



## چند روز پیش حالم هیچ تعریفی نداشت

چند روز پیش حالم هیچ تعریفی نداشت. بدجوری تو افسردگی منفی گیر کرده بودم. به شوخی به دوستانم میگم که من هیچ وقت شاد و شنگول نیستم. شاد و شنگول بودن و موندن کار می‌خواد و من این‌کاره نیستم. هیچ وقت این‌کاره نبوده و نیستم. خوشبخت بودن استعداد می‌خواد و من هیچ وقت این استعداد سگ‌مصوب رو نداشتم!... در بهترین حالت در افسردگی مثبتم. همین‌که هرازگاهی در افسردگی مثبت باشم، کلاه‌فرنگی‌ام رو می‌ندازم هوا و خدا رو صد هزار مرتبه شکر می‌کنم... به خودم گفتم: پسر باید بری کاری واسه خودت بکنی تا از این وضع خراب در آی، وگرنه کار دست خودت می‌دی!... زدم از خونه بیرون و سوار اتوبوس ۱۰۵ غربی

مونترال شدم. اتوبوس دماق و بی‌حوصله راه افتاد. بعد از چهارراه کوندیش، نرسیده به خیابان شهید بنی از در عقب پیاده شدم. از خیابون شربروک گذشتم و به سمت چپ رفتم و چپیدم توی مغازه فارماپری! داخل مغازه که شدم، به سمت راست رفتم و خانمی رو دیدم که پوست صورتش برق می‌زد. به خودم گفتم: پسر، گذشت اون زمونی که چشم‌آینه روح آدم‌ها بودند، الان دیگه پوست، آینه روح آدم‌است... گویا خانم پوست برقی، متصدی قسمت کازمتیک و مواد آرایشی بود. به من لبخندی زد! از اون لبخندهایی که درجا عاشقت می‌کنه! ولی من نمی‌دونم که چرا بی‌اختیار به یاد جمله معروف لویی فردینان سلین در رمان «سفر به انتهای شب» افتادم: عشق بی‌نهایتی‌ست افتاده جلو روی سگ‌ها... لابد به خاطر حال اون روزم بود! سرم رو برگردوندم و پیرزن شاد و شنگولی رو دیدم که با سگ پاکوتاه و شاد و شنگول‌تر از خودش به سمت من می‌آمد! راهم رو کج کردم تا با آن‌ها چشم در چشم نشوم.

ناگهان از غرفه کرم‌ها سر درآوردم. وای غرفه نگو، دنیا بگو! دنیای کرم: کرم بدن، کرم مو، کرم صورت، کرم ابرو، کرم زیر ابرو، کرم زیر چشم، کرم گونه، کرم زیر گونه، کرم فرق سر، کرم نوک انگشت دست، کرم نوک انگشت پا، کرم دور سوراخ کون! کرم صبح، کرم نیمه‌روز، کرم عصر، کرم شب، کرم نیمه‌شب، کرم دمدمای صبح، کرم وقت خروس خون، کرم ضد آفتاب، کرم ضد مهتاب، کرم ضد پشه! کرم پیشا و بینا و پسا: کرم پیش از اصلاح، بین اصلاح، پس از اصلاح! کرم پیش از قاعدگی، بین قاعدگی، پس از قاعدگی! کرم پیش از غذا، بین غذا، پس از غذا! کرم پیش از یوگا، بین یوگا، پس از یوگا! کرم پیش از سکس، بین سکس، پس از سکس! خلاصه، انواع کرم، از همه رقم، رنگاوارنگ، جورواجور، برای تمام سلیقه‌ها! برای تمام فصول! برای تمام پوست‌ها: بی‌احساس، نیمه‌حساس، حساس، خیلی حساس و خیلی خیلی حساس...

راهم رو کشیدم و سیخکی رفتم غرفه داروها و رو به پرستار کرمی سفیدپوش کردم و گفتم: سلام خانم، خسته نباشید! کرم می‌خواستم، کرم روح! واسه روح‌های چین و چروک خورده! روح‌های خیلی خیلی حساس...

خانم کرمی تبسمی کرد و بهم گفت: نسخه داری؟

گفتم: نه، ندارم!

گفت: نسخه طیب می‌خواد! متأسفم...

من از اون روز تا حالا هر بار که میرم مغازه فارماپری نرسیده به چهارراه کوندیش، سرکی هم به قسمت کازمتیک می‌کشم و ترانه «طیبیم رو می‌خوام» رو با خودم زمزمه می‌کنم و از شما چه پنهون، نیمچه امید می‌دارم، امید دیدن یک‌تکه کاغذ کنده شده از کارتون بی‌قواره ایرانی که روش این جمله فارسی به خط نستعلیق زشت نوشته شده: مشتریان گرمی، مژده مژده! کرم روح رسید، برای روح‌های کرم‌خورده!



# چند شعر کردی از ژیکال مریوانی با ترجمه فارسی

درباره ژیکال مریوانی



ژیکال مریوانی شاعره جوان و زیبانویسی است که اهل مریوان است. شاعره‌ای است کوتاه‌سرا و شعرهایش را در سایت‌ها و مجلات کردی در مریوان و سنندج و دیگر شهرهای کردستان به چاپ می‌رساند. او شاعری است مضمون‌گرا و اجتماعی و عاشقانه. اینک چند شعر کوتاه را از این شاعر کردزبان تقدیم خوانندگان فرهیخته‌ی فارسی‌زبان مجله‌ی وزین هفته می‌نمایم.

## فارسی و کردی

<p>ژیرم کاته وه که برسی نیگای جوانت بم شیری مه مکی هیچ دایکی توم له بیروناباته وه</p> <p>۶ ازنخست نگاه که تورادیده ام بهار! همچنان درنگاهم شکوفه می کند .... له وه ته ی که توم بینیوه به هار! له چاوی من دا غونچه نه کات</p> <p>۷ باران! به چاپای بهارت شکوفه کرد امامن هنوزم... غمگنامه ی پائیزرا درهم می نوردم! .... باران به ده م به هارته وه شکوفه ی کرد من هیشتا ته ماوته می پائیزنه برم!</p>	<p>له به رنه وه ی تیشکی هه تاو روومه تت کال نه کاته وه سببه ری ده مه وئیواره دره نگ ناشتت ده کاته وه</p> <p>۴ همه ی غم هارا امضا می کنم به غیراین بی وفایی ات را .... هه موو خه می وه اژو نه که م جگه نه م بی وه فایه ی تو</p> <p>۵ چون کودکی ام به دنبال خیال ات مویه می کنم کسی نیست... دلنواری ام کندا! که گرسنه ی نگاه دلربایی ات شوم شیرپستانک هیچ مادری تورابه بادفراموشی ام نمی سپارد .... وه ک منالیم به ده م خه پالته وه نه گریم که س نییه</p>	<p>***</p>	<p>۲ دوست داشتن ات چنین ام کرده که همه روزتاعصر سرم راروی سینه ی شهربگذارم کوچه وخیابان را «یار» خود می کنم .... خوشه وپستیت وای لی کردووم هه موو روژی تائواره سه رده نیمه سه رسینگی شار کوچه وکولان ده که م به یار</p> <p>۳ عزیزم! می دانیدچرا؟ به تابستان نمی اندیشم...  بخاطراینکه گرمای سوزناک آفتاب رخ گلفام ات را به زردی نگراید وسایه ی آستانه ی عصر دیرهنگام اشتی ات می دهد .... هه ناسه که م! ده زانی بو؟ بیرله هاوین ناکه مه وه</p>	<p>۱ توبگوئید: روزی برگردید... بیش ازاین به انتظارپائیزنشینم هرچهارفصل عمر خستگی راه برگشتن ات را حس نکنم هیچ چیزنمانده بود که سجده اش رانمایم نه درخت... نه آب... نه باران... فقط خاک مانده بود آن هم روزی برای همیشه منزل گاه اش می شوم .... توبلییت: روژیک بیت وبگه ریته وه له مه زیاترچاوه روانی پائیزنه که م هه رچواروه رزی ته مه ن ماندووی هاتنه وه ی تونه که م هیچ نه ماسوجده ی بونه به م نه دار... نه ناو... نه باران... هه رخاک ماوه نه ویش روژی به یه کجاری رووی تیده که م</p>
--	---	------------	---	--

# ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری

با توجه به انتخاب شما

**(514) 225 3500**

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص  
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس



**Iraj Mohammadi**  
(514-625-6292)  
CPA Candidate

**Mojdeh Miri**  
(514-562-3493)  
CPA Candidate



360-3285 Cavendish Blvd.  
Montreal, QC H4B 2L9

<http://elanaccounting.ca>  
[info@elanaccounting.ca](mailto:info@elanaccounting.ca)



# عبداله صفوی Abdollah Safavi

Financial Security Advisor  
Investment Representative

مشاور امنیت مالی  
نماینده سرمایه گذاری

۳۰ دقیقه مشاوره رایگان برای برنامه  
بازنشستگی و سایر مسائل مالی!

Mobile: (514) 467 - 8491  
Office: (514) 931 - 4242 ext. 2567  
✉ abdollah.safavi@f155.com  
🌐 mqsf.ca  
📍 mqsf.ca

f mqsf.ca  
📷 mqsf.ca

canada life

Freedom 55  
Financial

QUADRUS  
Quadrus Investment Services Ltd.



همین امروز نوبت خود را رزرو کنید  
www.MQSF.ca

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا  
کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی



(514) 942-9969  
www.amajco.ca

طراحی، بازدید و  
برآورد رایگان

CONSTRUCTION  
AMAJ inc

دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک  
R.B.Q #: 5773-7520-01

- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل به همراه کلیه لوازم
- تغییر محل پله، تعمیر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای بونیت شیشه‌ای حمام
- اجرای عایق‌بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعمیر، تعویض و اجرای پلی‌استر
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش با سیستم مدرن و کم‌مصرف

# CONSTRUCTION TURQUOISE

RBQ 01-9923-5798 construction.turquoise@gmail.com TEL. 514.808.5898

DESIGN / BUILD ● NEW CONSTRUCTION ● RESIDENTIAL/COTTAGE ● RENOVATION



شرکت فیروزه  
ساختمانی

طراحی / نظارت / اجرا

- طراحی خانه های نوساز
- طراحی مجموعه مسکونی
- طراحی ویلا
- نوسازی خانه

بیش از ۲۰ سال تجربه طراحی و  
اجرای ساختمان های مسکونی  
بهینه سازی فضا

طراحی مدرن  
مطابق با سلیقه ایرانی

طراحی سازگار با طبیعت برای  
خانه های نوساز

مهران







**نیوشا ریاحی**  
Niousha Riahi

**وکیل رسمی دادگستری کبک**

**Riahi Legal**

- حقوق تجاری در کانادا
- حقوق خانواده در کبک
- طرح دعاوی و دفاع در دادگاههای کبک
- مهاجرت به کانادا

آدرس: در مرکز مونترال و نزدیک ایستگاه متروی مک گیل  
2001 Blvd. Robert Bourassa Suite 1700  
Montréal (Québec) H3A 2A6

☎ 514-953-3570

00982122019631 دفتر تهران  
00989912535922 riahi@riahilegal.com riahilegal.com

**امیر ندیمی**  
مشاور بیمه  
Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های متعدد برای مشتریان خود برگزیند



Commercial insurance  
Dwelling insurance (Buildings, home, condo, apt)  
Whole Insurance: Auto, Motorcycle etc.

514 - 600 - 2338  
www.AmirNadimi.com  
@AssurancesNadimi  
1955 Ch. de la Cote-de-Liesse, suite 201  
Saint-Laurent, QC, H4N 3A8

**EXPERTFX**  
Bureau de Change  
Currency Exchange



**ارائه خدمات ارزی:**

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- یا استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6  
info@expertfx.ca www.expertfx.ca

**(514) 844 - 4492**

**مهرداد مرادخانی**  
مشاور وام مسکن

**CIBC**

با بهترین نرخ بهره و در سریع ترین زمان و مکان مورد نظر شما

- کش نک تا سقف 3000 دلار برای خرید خانه یا انتقال وام مسکن فعلی و تضمین بهترین نرخ بهره مورگیج در مارکت
- بهترین زمان برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر و اخذ کمترین نرخ بهره
- هزینه محضر هدیه ما به شما برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر
- برای پرداخت پتانسی انتقال در کنار شما خواهیم بود
- پروموشن کش یک پنج درصدی بانک CIBC

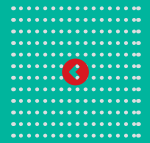
Email: mehrdad.moradkhani@CIBC.com  
Toll-free: +1-866-262-1037  
Cell: 514-834-8053  
mehرداد.cibc

**Top 100 in Canada 2020**





# گفتوگو



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca



## VOYAGES SKY LAWN TRAVEL

### آژانس مسافرتی اسکای لان

بهترین نرخ های بلیط به ایران و از ایران به سایر نقاط جهان

شادی محمدی

Cell: 514-660-7135  
Shadim.sky@gmail.com

433 Chabanel Ouest, Suite 111 Montreal, QC.H2N 2J3  
Tel: 514-388-1588 Fax: 514-388-2815 www.skylawn.net

# کار «زرد یواش» در ایران جرم اندر جرم است

گفتگوی ویژه هفته با پیام ملکوتی



خیابانی در ایران نداشتیم. از جاهای بسیاری به ما پیام‌های انگیزه‌بخش می‌رسید. بیش‌ترین تأثیر زمانی بود که ما در خیابون ساز می‌زدیم و محوطه دور و اطراف ما به ایستگاه آرامش تبدیل می‌شد. مردم با دغدغه‌های مختلف، دقایقی کنار ما می‌ایستادند، می‌شنیدند و آرامش می‌گرفتند. به نظر من زندگی شهری نیازمند موسیقی خیابانی است. ما تأثیرات فرهنگی زیادی داشتیم. بیش از صد اجرای رایگان برای بیماران با سندروم داون، بیماران اوتیستی، کودکان کار و خیابان، بیمارستان شریعتی، سازمان پلاکت خون کشور، سازمان انتقال خون کشور، جمعیت امام علی، کمپ‌های ترک اعتیاد زنانه و مردانه داشتیم که هم حال ما را خوب می‌کرد هم حال آنها را.

موسیقی خیابانی در بیشتر کشورهای دنیا جایگاه خودش را دارد، اما در ایران اینطور نیست. به باور من موسیقی خیابانی بهترین هنر خیابانی و سخت‌ترین آنهاست. برای برخی، حکم تنفس را دارد که خیابان‌های ایران به شدت به آن نیاز دارد و برای لحظاتی باعث رفع خستگی‌ها، تنش‌ها، دغدغه‌ها و ایجاد فضای صلح، عشق و آرامش می‌شود. ما واقعا در این مسیر بسیار

کار شما چه وجه تمایزی با کار گروه‌های مشابه دارد؟

تا جایی که می‌دانم ما در ایران موسیقی خیابانی را استارت زدیم. این شروع برمی‌گردد به بعد از رهایی از اعتیاد. من در سال ۱۳۷۹ گرفتار اعتیاد شدم و تقریبا هفت سال و اندی پیش پاک شدم. آن وقت برادرم پیشنهاد داد یک بند موسیقی بزنیم و اسم «زرد یواش» را برایش انتخاب کرد. حتی مستندی در مورد ما ساخته شد به اسم «پیاوه‌روهای شهر» با زیرنویس انگلیسی که این مستند هیچ‌وقت مجوز و اجازه‌ی انتشار نگرفت و پخش نشد. در این مستند، از کارهای خیریه و اجراهای ما و به صورت کلی کار موسیقی خیابانی گفته شده است. فضای کار ما پر از سروصداست؛ صدای ماشین، بوق، ازدحام مردم با امکانات ضعیف صوتی، حضور لباس شخصی‌ها و اعمال قدرت و قوانین شخصی همراه با زورگویی‌های نیروهای امنیتی همراه می‌شود.

فکر می‌کنید با این شیوه کار در ایران تاثیرگذار بودید و یا هستید؟

ما تاثیرگذاریم. اگر تاثیرگذار نبودیم امروز موسیقی

پیام ملکوتی عزیز می‌توانید برای شروع از سبک و سیاق و موسیقی «زرد یواش» برای ما بگویید؟

سبک ما فیوژن است. ما امضای خاص خودمان را داریم و زرد یواش سبک خودش را دارد؛ یعنی مثلا اگر ترکی شش دقیقه است دلیل نمی‌شود که دقیقا همان شش دقیقه را اجرا کنیم. گاهی ما ترک را به چهار دقیقه کاهش دادیم و برعکس. به صورت کلی کار ما، موسیقی خیابانی است که کار دشواری است مخصوصا داخل ایران. به عنوان مثال، رقصیدن در داخل ایران جرم است، تجمع بیش از سه نفر جرم است، ساز زدن در خیابان جرم است. بنابراین کاری که ما انجام می‌دادیم جرم اندر جرم بود و در نهایت آن قدر این روند ادامه پیدا کرد و آن قدر بازداشت و تحقیر و تهدید شدیم، سازمان شکست تا بالاخره مجوز گرفتیم و این مجوز باعث شد که ما در خیابان دیگر ساز نزنیم. به بهانه‌ی انتشار آلبوم که مدام به امروز و فردا می‌افتاد، در نهایت یک سال و نیم خانه‌نشین شدیم. هر اعتراض ما توسط شبکه تلویزیونی من‌وتو منعکس می‌شد. در آن زمان فکر می‌کردیم این انعکاس‌ها به نفع ماست اما به ضرر ما تمام شد.

## درباره پیام ملکوتی و گروه «زرد یواش»



و رادیوها و تلویزیون‌های معروف مصاحبه داریم، ولی الان بیش از یک سال است که بایکوت خبری هستیم. متأسفانه و غمگینیم که امروزه کسی رسانه‌ها طالب شنیدن صدای ما نیستند و ممنونم از اینکه هفته صدای ما را به گوش‌ها می‌رساند. از این گذشته به نظرم فروش آلبوم در قدیم موثرتر بوده اما الان دیگه اینطوری نیست.

### از نظر داشتن طرفدار وضعیت موزیک موسیقی راک در ایران چطور است؟

برای پاسخ به این سوال نیاز به یک مطالعه و بررسی کامل است که کار آسانی نیست. مشاهده شخصی من این بوده که اجرای محدود موزیک راک بیشتر وقت‌ها سولد اوت (sold out) شدن. متأسفانه در ایران راکرهای کاربلد و حرفه‌ای، یا ممنوع‌الکار هستند یا مهاجرت می‌کنند و یا به دلیل محدودیت‌ها ذوق‌شون را از دست می‌دهند. ما فکر می‌کنیم طرفداران راک در ایران خیلی هستند اما چون امکان تجمع و ارائه کار نداریم (مثل کلاب‌های راک) متأسفانه نمی‌توان پاسخ مناسبی به این سوال داد.

### آیا با «زرد یواش» تا به حال در فستیوال‌های معروف شرکت داشتید یا می‌خواهید داشته باشید؟

ما خیلی دوست داریم در فستیوال‌ها شرکت داشته باشیم و به همین دلیل در کشور ترکیه که در موسیقی خیابانی شهرت بسیاری دارد، مستقر شدیم. البته کرونا سبب خانه‌نشینی ما شد.

در اینجا فستیوال‌هایی برگزار می‌شود که ما علاقه‌مند به حضور در آنها هستیم اما همچنان در ایران و در ترکیه نمی‌توانیم کار کنیم. این موضوع به سیاست‌های غلط دو کشور برمی‌گردد. اما امیدواریم روزی بتوانیم با خیال راحت در فستیوال‌ها شرکت کنیم و نماینده‌ی ایران و ایرانیان باشیم. در حال حاضر ما فعالیت‌های داوطلبانه‌ای نظیر جمع کردن زباله‌ها و کمک به حیوانات انجام می‌دهیم. در همین شهر خیلی‌ها با ما آشنایی دارند ولی موسیقی از سوی مقامات بالا برای ما ممنوع شده و حتی تهدید به دیپورت به ایران شده‌ایم.

### شخصاً موسیقی را چطور شروع کردید؟

موسیقی خیابانی را در سال ۹۲ با الهام از کارهای

به گفته پیام ملکوتی «مستندی در مورد او و گروهش ساخته شد به اسم «پیاپی‌روهای شهر» با زیرنویس انگلیسی که این مستند هیچ‌وقت مجوز و اجازه‌ی انتشار نگرفت و پخش نشد. در این مستند، از کارهای خیریه و اجراهای ما و به صورت کلی کار موسیقی خیابانی گفته شده است.»

پیام ملکوتی درباره شروع کارش می‌گوید: «موسیقی خیابانی را در سال ۹۲ با الهام از کارهای «فریدون فروغی» شروع کردم. مجوز برگزاری تور دور ایران را گرفتیم و اجرای رشت ما بزرگترین اجرای موسیقی خیابانی در ایران بود اما منجر به دستگیری ما و زندانی شدن به مدت هشت روز شد.»

در حال حاضر پیام و پدارم در ترکیه هستند و در فعالیت‌های داوطلبانه‌ای نظیر جمع کردن زباله‌ها و کمک به حیوانات شرکت می‌کنند. او می‌گوید: «در همین شهر خیلی‌ها با ما آشنایی دارند ولی موسیقی از سوی مقامات بالا برای ما ممنوع شده و حتی تهدید به دیپورت به ایران شده‌ایم.»

پیام ملکوتی، سرپرست و خواننده‌ی گروه موسیقی «زرد یواش» یا Slow yellow است. او به همراه برادرش، پدارم ملکوتی (Pedramito) گروه زرد یواش را پایه‌گذاری کرد. به گفته‌ی خودش از خیابان‌های تهران شروع کرد و در تور دور ایران در شهر کرمانشاه، علی‌رغم مجوزهای لازم متوقف شدند. پیام، موسیقی خیابانی را در سال ۱۳۷۹ آغاز کرده است؛ زمانی که کسی نبوده تا در خیابان‌های ایران گیتار بزند. آن روزها گیتار زدن در خیابان و خواندن شهادت خاصی می‌خواست. پیام می‌گوید باعث افتخار اوست که همراه برادرش موسیقی خیابانی را ترویج داده‌اند. او باور دارد هنر واقعی و اصلی هنری است که از مردم و برای مردم باشد. هنر یعنی ارتقا، یعنی کیمیاگری، یعنی حال بد را به حال خوب رساندن، یعنی تبدیل آخم به لبخند. پیام ملکوتی به «هفته» می‌گوید: «تا جایی که می‌دانم ما در ایران موسیقی خیابانی را استارت زدیم. این شروع برمی‌گردد به بعد از راهی از اعتیاد. من در سال ۱۳۷۹ گرفتار اعتیاد شدم و تقریباً هفت سال و اندی پیش پاک شدم. آن وقت برادرم پیشنهاد داد یک بند موسیقی بزنیم و اسم «زرد یواش» را برایش انتخاب کرد.»

آیا زرد یواش تا به حال فروش آلبوم داشته‌؟ و آیا این می‌تواند در ادامه‌ی کار تاثیر مثبت بگذارد؟ متأسفانه آلبوم ما منتشر نشد و البته امروزه، کسی آلبوم نمی‌فروشد ولی یکی از فرهنگ‌سازیهایی که ما تلاش کردیم انجام بدهیم این بود که کارها را در کانال یوتیوب شخصی منتشر کنیم. ما با همه‌ی شبکه‌ها

رنج برده‌ایم تا این فرهنگ را در ایران جا بیندازیم. حالا نوبت جوان‌هاست که این مسیر را ادامه بدهند. واقعا موسیقی خیابانی نیاز به توجه بیشتری در ایران دارد. متأسفانه در ترکیه هم که این پدیده رایج بود، امروزه روز مورد بی‌مهری قرار گرفته است.



نزد آقای افشین گرچی رفتم، و چیزی که میشد در دو روز یاد بگیرم یاد گرفتم. کاخن هم همین‌طور پیش رفت. گیتار و کاخن می‌زنم و وکال کار می‌کنم.

انتشار آلبوم مدام به امروز و فردا می‌افتاد، در نهایت یک سال و نیم خانه‌نشین شدیم. هر اعتراض ما توسط شبکه تلویزیونی من‌وتو منعکس می‌شد. در آن زمان فکر می‌کردیم این انعکاس‌ها به نفع ماست اما عملاً به ضرر ما تمام شد.

به این دلیل که منافع و زحمات هنرمند را در نظر می‌گیرد. این قانون هنرمندان را ناچار می‌کند که تولیدشان باکیفیت‌تر باشد که متأسفانه در ایران رعایت نمی‌شود.

من امیدوارم در ایران هم این فرهنگ ایجاد بشود که مردم کارها را به صورت اورجینال خریداری کنند.

در ایران کارهای اورجینال غیرمجاز برای خرید و فروش ممنوع است شاید چاره‌ای نباشد جز اینکه به صورتی غیرقانونی مردم کارها را تهیه کنند اما در خارج از ایران هم همین مشکل وجود دارد و بیشتر افراد کارهای موسیقی را نمی‌خرند و به طور غیرقانونی و از منابع آزاد داوطلب می‌کنند؛ علت آن چیست؟

صحبت‌های شما در مورد چند سال قبل درست است اما الان خیلی راحت می‌شود از طریق اینترنت آلبوم، یا تک تراک یک هنرمند را خریداری کرد. الان این موضوع فراتر هم رفته است. به لطف اینترنت همه جور حمایت از هنرمندها عملی است؛ مثلاً هنرمندانی که مثل ما ممنوع‌الکار هستند می‌توانند توسط مردم برای ادامه‌ی کار حمایت مالی شوند. ما قصد داریم شرایطی را ایجاد کنیم که مثلاً هر یکشنبه نیم ساعت ساز بزنیم. امیدوارم مردم بیایند، لذت ببرند و حمایت هم بکنند. من شماره حساب بانکی خودم را در صفحه‌های شبکه‌های اجتماعی قرار خواهیم داد برای اینکه علاقه‌مدان پرداخت کنند. شرایط سنگین و سخت است. مادر همراه ماست و هزینه‌ها بالاست. امیدوارم بتوانیم که حامی و اسپانسر پیدا کنیم.

توی موسیقی چه هدف یا اهدافی را پی‌گیری می‌کنید؟

یکی از اهدافم این است که در کشورهای مختلف از جمله کانادا اجرا داشته باشم و برای اجراها بلیت‌فروشی

یکی از اهدافم این است که در کشورهای مختلف از جمله کانادا اجرا داشته باشم و برای اجراها بلیت‌فروشی کنم و درآمد آن را مستقیم به خیریه‌های آن کشور انتقال بدهم. از وقتی که پاک شدم فهمیدم که من آمده‌ام که دنیا را از آن چیزی که هست بهتر تحویل بدهم.

شخصاً چه سبکی از موسیقی را می‌پسندید؟ سلیقه‌های من و برادرم این روزهای خیلی تغییر کرده است اما از پنک‌فلوید و دیپ‌پل و گانز گرفته تا مدونا و کوئین گوش دادیم تا زنده یاد فروغی و فرهاد و داریوش... از جیبسی کینگز تا سانتانا... این روزها کلاً موسیقی بی‌کلام بیشتر به جان ما می‌شیند.

شما در کارهای تان از آثار شعرای بزرگ استفاده نکردید، از فردوسی، حافظ، مولوی، و ... چرا؟ یکی از بزرگ‌ها من شعرای از حضرت حافظ است. من خودم با خیام خیلی ارتباط می‌گیرم و در کارهای جدید از اشعار خیام استفاده خواهیم کرد.

در ایران یک کلیشه است که رشته‌های هنری مال بچه‌هایی است که هوش و استعداد ریاضی یا تجربی را ندارند. آیا با این نگاه موافقت می‌کنید؟ خیر. این درست نیست. همان‌طور که گفتیم تا یک نگاه درست و اصولی در ایران به هنر شکل نگیرد، از این دست نگاه‌های سطحی وجود خواهد داشت. بچه‌های رشته‌های هنری اوصلاً خلاق، باهوش و متفاوت هستند. هر وقت فرهنگ ما بپذیرد که هنر یک شغل است این نگاه از بین خواهد رفت.

در ایران وقتی یک هنرمند تابوشکنی می‌کند مورد اهانت قرار می‌گیرد؛ مگر یکی از رسالت‌های هنر همین شکست تابوها نیست؟

بله به نظر همین‌طور است اما هر هنرمندی توان تحمل تبعات تابوشکنی را ندارد. می‌دانید که برخی اوقات شکستن تابوها تاوان سنگینی دارد. مثلاً وقتی من سال ۱۳۷۹ در تهران شروع به فعالیت کردم مورد انواع اهانت‌ها قرار گرفتم اما پس از سال‌ها موسیقی خیابانی ایران را جا انداختیم. رسالت هنر تابوشکنی هم هست اما کار هر کسی نیست.

چرا موسیقی بی‌کلام میان ما جایگاه ندارد؟

به نظرم هر امر فرهنگی ریشه در خانواده دارد. در ابتدا و بعد از خانواده، نظام آموزش و پرورش. تا زمانی که در مدارس ما موسیقی تدریس نمی‌شود و نگاه مثبت و جدی به موسیقی وجود ندارد، موسیقی بی‌کلام از آن مستثنی نمی‌ماند. موسیقی در فرهنگ این چهل سال اخیر با کلام خواننده‌ها شناخته شده است. در مجموع معتقدم همه چیز از خانواده آغاز می‌شود.

در ایران کپی راییت وجود ندارد به نظر شما این خوب است یا بد؟

قانون کپی راییت بسیار قانون خوب و ارزشمندی است؛



تماس با گروه زرد یواش

صفحه‌ی اینستاگرام:

slow\_yellow

ایمیل:

malakooti.payam@gmail.com

«فریدون فروغی» شروع کردم. مجوز برگزاری تور دور ایران را گرفتیم و اجرای رشت ما بزرگترین اجرای موسیقی خیابانی در ایران بود اما منجر به دستگیری ما و زندانی شدن به مدت هشت روز شد. موسیقی خیابانی در بسیاری از کشورها شغل محسوب می‌شود. در برخی کشورها حتی شامل بیمه و مالیات می‌شود. شاید اگر ما در یک کشور آزاد بودیم به راحتی می‌توانستیم به شغل خود ادامه بدهیم و پیشرفت کنیم، اما در حال حاضر غم نان و داشتن یک سرپناه را داریم و با بدترین امکانات مثل گیتار فالش، داروی مادری بیمار دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. ما با چنگ و دندان موسیقی خیابانی ایران را ترویج دادیم و با فشارهای سنگین امنیتی روزگار گذرانیدیم. هنرمندان بزرگی مثل «مارک نافلر» از دل خیابان‌ها به شهرت رسیدند و متأسفانه ما همچنان در ترکیه متوقف هستیم.

به غیر از گیتار با سازهای دیگر هم آشنایی دارید؟

گیتار می‌زنم و تا حدودی کاخن. موسیقی را خودم یاد گرفتم. چون امکان مالی شرکت در کلاس را نداشتم. داستان خریدن گیتارم خیلی جالب بود. پدر من ورشکست شده بود و نمی‌توانست در این رابطه کمکی کند. من شناسنامه‌ام رو گرو گذاشتم. هشتاد هزار تومن پول قرض کردم و با هفتاد و دو هزار تومن یک گیتار خریدم. پول کلاس رفتن هم نداشتم. یکی دو جلسه



بیش از صد اجرای رایگان برای بیماران با سندروم داون، بیماران اوتیستی، کودکان کار و خیابان، بیمارستان شریعتی، سازمان پلاکت خون کشور، سازمان انتقال خون کشور، جمعیت امام علی، کمپهای ترک اعتیاد زنانه و مردانه داشتیم. این اجراها هم حال ما را خوب می‌کرد هم حال آنها را.

کنم و درآمد آن را مستقیم به خیریه‌های آن کشور انتقال بدهم. از وقتی که پاک شدم فهمیدم که من آمده‌ام که دنیا را از آن چیزی که هست بهتر تحویل بدهم. برادرم معتقد است صدایم و احساسم از یک اتفاق بزرگ خبر می‌دهد ولی هنوز نیفتاده است. شاید به خاطر این که داخل خودم هنوز این اتفاق نیفتاده، ولی از ته دل از خدا می‌خوام افرادی را سر راه من قرار بدهد که صادق باشند و و اهل خدمت‌رسانی تا بتوانم در کنارشان رشد کنم و اتفاق‌های بزرگ را رقم بزنم.

امروزی استارت کردیم و ترویج دادیم. آن روزها که ما گیتار به دست به خیابان‌ها رفتیم به عشق مردم بود و حالا که برای بار دوم در کشور ترکیه (بار اول در ایران به مدت یک سال و چند ماه خانه‌نشین اجباری بودیم) مدتی است که ممنوع‌الکار شده‌ایم (هیچ ارتباطی به کرونا ندارد، ما چند ماه قبل از شناسایی ویروس کرونا متوقف شدیم). این امید را داریم که مردم حامی ما باشند تا از این دوران سخت عبور کنیم و امید داریم به کشوری امنی مثل کانادا منتقل بشویم. امید به کنسرت ما در کانادا، این روزها با وجود قبولی گرفتن از اداره‌ی مهاجرت ترکیه، قبولی گرفتن از انجمن قلم و از «آیکورن» ما همچنان منتظر هستیم تا به کشوری امن برویم.

پیام ملکوتی عزیز و گرامی از شما سپاسگزارم.

صورت کلی برای تولید اثر هزینه پرداخت می‌شود، مثلاً در موسیقی از استودیو گرفته تا تنظیم‌کننده و انتشار و تبلیغات، همگی هزینه‌بر است. نداشتن امکانات لازم برای یک هنرمند باعث رنج و درد است. واقعیت این‌که برای هنرمندان غربت‌نشین که در مرحله‌ی بلاتکلیفی هستند رفاه در اولویت نیست بلکه زنده ماندن‌شان در اولویت است. تا زمانی که مردم توقع رایگان بودن آثار هنری را دارند این وضع تغییر نمی‌کند.

### و سخن آخر؟

جا دارد در ابتدا از شما و تیم مجله‌ی هفته و تمام کسانی که زحمت کشیدند تا صدای ما شنیده شود قدردانی کنیم. در انتها باید بگویم که ما به خودمان افتخار می‌کنیم که موسیقی خیابانی ایران را به شکل



### آیا خود را در موسیقی فرد موفق می‌دانید؟

من و برادرم یک موفقیت بزرگ کسب کردیم و آن هم ترویج موسیقی خیابانی در ایران بود و آن را ثبت هم کردیم. این افتخار ماست. بزرگ‌ترین لایو خیابانی ایران را گذاشتیم، اما موفقیتی که می‌خواهیم هنوز در راه است. امیدوارم بعد از انتقال از ترکیه به یک کشور امن، این اتفاق رقم بخورد.

### چه مواردی باعث آرامش هنرمندانی چون شما می‌شود؟

هنرمندان در وهله‌ی اول باید حقوق انسانی‌شان رعایت شود و نیازهای اولیه‌شان تامین باشد نه مثل ما که توانایی پرداخت کرایه‌خانه، قبض برق و دیگر هزینه‌های ابتدایی را نداریم. تا زمانی که مردم ما هنر را یک شغل ندانند، اتفاق مهمی در فرهنگ و هنر ما نمی‌افتد. به





**صرافی رویال**  
 با مدیریت فرخ سرشت

**خرید و فروش ارز را با ما تجربه کنید**

امکان استفاده از کارت های بانکی ایران  
 جهت فروش ارز

**ارسال ارز  
 به ایران و بالعکس**  
 در سریع ترین زمان ممکن با بهترین نرخ

6162 SHERBROOKE W.  
 MONTREAL H4B 1L8  
 جنب فروشگاه اخوان

**(514) 836-7090**

**RE/MAX**  
 Hayk Hartounian MBA  
 Residential Real Estate Broker

مشاور و متخصص املاک مسکونی در مونترال بزرگ

**ارزیابی و مشاوره رایگان**  
**تهیه وام مسکن با بهترین امکانات**  
**هدیه ما به شما؛ هزینه محضر**

**فروش خرید اجاره**

**(514) 574 6162**  
 HaykHartounian@yahoo.com  
 9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

**دفتر ترجمه رسمی**  
 فیروزه مسیحا

ترجمه و تایید اسناد  
 بدون نیاز به  
 مراجعه حضوری

مشاور رسمی انجمن مترجمان  
 کبک (ATTIAC) و اونتاریو (ATIO)

کارشناس ارشد حقوقی زبان  
 و دانشجوی دکتری زبان انگلیسی

**ATIO**

ترجمه و تایید اسناد و مدارک  
 ترجمه شفاهی در جلسات رسمی دادگاه و دادگستری  
 ترجمه اسناد انگلیسی و فرانسوی به فارسی  
 تهیه و تنظیم صورت نامه و انگیزه نامه  
 ترجمه موهبتی یا گواهی جهت اخذ  
 کارت (PR) و درخواست شهروندی کانادا  
 تهیه و تنظیم مدارک جهت ارائه برای معاینه مدارک اخذ کننده مدارک رسمی  
 انجام کلیه امور مربوط به دریافت و تکمیل اسناد از سفارتخانه رسمی

دفتر تهران، سطح جنوب شرقی میدان شهدا  
 دارالترجمه رسمی مسیحا  
 +98 912 723 2544

+98 912 322 0524  
 438-920-9305  
 firoozehmasiha@yahoo.com

**دارالترجمه رسمی فرهنگ**  
 BUREAU DE TRADUCTION FARHANG  
 FARHANG TRANSLATION OFFICE

001 514 691 4383  
 R.DAVOUDI@FARHANG.CA

2000, MCDILL COLLEGE  
 6TH FLOOR, MONTREAL  
 QUEBEC, CANADA. H3A 3H3

شعبه  
 کانادا

+98 21 6642 1511  
 6694 8154  
 H.DAVOUDI@FARHANG.CA

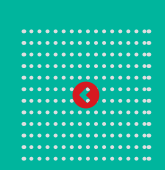
تهران، گلنگر شمالی، منطقه  
 بلوار کشاورز، پلاک ۷، واحد ۷  
 پلاک ۷۷، طبقه ۳، واحد ۷

شعبه  
 ایران





# سیاست اقتصاد



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca



**هفته**  
www.hafteh.ca

را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@Hafteh.ca      @HaftehMontreal  
@Journal\_Hafteh      @HaftehWeekly

# سازمان دولت و برآمدن رئیسی



خطیری که در مقابل آنان دهان گشوده است، آگاهی لازم را دارند یا خیر. آیا آن‌ها در پی تبدیل کلیت دستگاه سیاسی به سازمانی انقلابی تحت عنوان دولت جوان و حزب‌اللهی هستند و آن را راهکار حل مشکلات جامعه می‌دانند؟ یا اینکه درصد منضبط کردن تمام مراکز قدرت در ذیل نهاد دولت با وظایف معمول و شناخته شده آن در عرف بین‌الملل هستند؟

بعید می‌دانم اصولگرایان با ابعاد نظری مسئله چندان آشنا باشند اما به‌زودی در عمل با تعارضات موضوع روبه‌رو خواهند شد.

آنچه آنان تاکنون درباره آن سخن گفته‌اند همان تبدیل کلیت ساختار به سازمان انقلابی است اما از روز هم روشن‌تر است که این شیوه بر دامنه معضلات جامعه ایرانی می‌افزاید و شرایط را به طرز دردناک و بی‌سابقه‌ای بحرانی می‌کند. از این رو، احتمالاً آن‌ها پس از روبه‌رو شدن با تعارضات و فشارهای ناشی از بی‌توجهی به مختصات و ویژگی‌های نهاد دولت در عصر مدرن، به سمت جذب این مختصات و ویژگی‌ها حرکت کنند.

این جهت‌گیری البته با دولتی به رهبری سید ابراهیم رئیسی به دلیل اجماع اصولگرایان بر ریاست جمهوری او احتمالاً نسبت به دیگر افراد موانع کمتری داشته باشد اما بدون دردهای بزرگ هم نیست. چه‌بسا سرسخت‌ترین طیف نیروهای اصولگرا با حرکت احتمالی رئیسی در این جهت به مقابله برخیزند.

مقابله آن‌ها مادامی که رئیسی حمایت نهادهای قدرتمند را پشت سر خود داشته باشد، برای او خطر آفرین نیست و به احتمال زیاد سبب به حاشیه راندن تندرها هم می‌شود؛ اما اگر کلیت نظام سیاسی این تغییر جهت را خلاف منافع خود تشخیص دهد و پشت رئیسی را خالی کند در آن صورت، دوگانگی و شکاف دوران سید محمد خاتمی و بخشی از دوران احمدی‌نژاد و دوران حسن روحانی تکرار می‌شود.

مسئله اصلی اما این است که آیا ایران دیگر فرصتی برای تکرار آن تجربه‌ها دارد؟ به نظر من خیر. دقیقاً به همین علت و به‌رغم ظاهر نابسامان اوضاع، هنوز می‌توان مقداری خوش‌بین بود!

تبری از عملکرد آن، خود را فارغ از فشارهای داخلی و خارجی به‌منزله یک گروه انقلابی بی‌اعتنا به حدود و ثغور دولت‌های دارای حاکمیت به دیگران شناسانده‌اند.

با ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد از منتهی‌الیه طیف نیروهای اصولگرا در سال ۱۳۸۴، برای مدتی مرز بین دولت و سازمان چریکی در بین اصولگرایان برچیده شد و در چند سال نخست آن دوره احمدی‌نژاد هم در هیئت رهبر یک سازمان چریکی در رأس دولت عمل کرد. با گذشت زمان اما احمدی‌نژاد در رویارویی با مشکلات و فشارهای عینی داخلی و خارجی، با مقتضیات ریاست بر یک دولت آشنا شد و گفتار و رفتاری پیش گرفت که به مذاق برخی همراهم سابقش خوش نیامد. با این همه در سال‌های پایانی ریاست جمهوری او، کلیت نظام سیاسی، تغییر جهت از هویت سازمان انقلابی به یک دولت مستقر را گریزناپذیر یافت و از طریق گشودن باب مذاکره با آمریکا در مسقط راه تازه‌ای در پیش گرفت.

درست اما در زمانی که مذاکرات مسقط در شرف نتیجه و امکان تغییر جهت از سازمان انقلابی به کارکرد دولت بیش از هر زمانی محتمل بود، با حضور حسن روحانی در مقام ریاست جمهوری به‌عنوان نماینده نیروهای اعتدالی و اصلاح‌طلب در سال ۱۳۹۲، بار دیگر بین قوه مجریه و نهادهای تحت سلطه اصولگرایان شکاف افتاد و تقسیم وظایف در قالب دو قطبی انقلابی - دولتی احیاء شد.

با این همه اصولگرایان به‌خصوص پس از وقایع دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ پی بردند که این دوگانگی در قدرت سبب ناکارآمدی دستگاه حاکم و گسترش حاشیه‌نشینی و فقر و فلاکت شده و خطرات بالقوه‌ای پدید آورده است که ادامه دوگانگی در قدرت، آن خطرات را به فعل در خواهد آورد.

از این رو، اصولگرایان در انتخابات اخیر بیش از هر زمانی، نفوذ و تلاش خود را در جهت یکدست کردن قدرت با تصور حل معضلات اقتصادی جامعه به کار گرفتند و انتخاباتی را مدیریت کردند که خروجی نهایی‌اش پیروزی سید ابراهیم رئیسی شد.

با پیروزی رئیسی اینک اصولگرایان بر سر دوراهی بی‌نهایت خطیری قرار گرفته‌اند. تا این لحظه هنوز مشخص نیست که در پشت ذهن آنان دقیقاً چه می‌گذرد و آیا به مسئله

جناح موسوم به اصولگرا در جمهوری اسلامی تاکنون خود را بیشتر در قالب یک سازمان چریکی انقلابی تعریف کرده است تا نیرویی حاکم بر یک کشور، اما نشستن سید ابراهیم رئیسی بر صندلی ریاست جمهوری، تعارضات این دو نقش را نمایان خواهد کرد.

اگر در شعارها و رفتار اصولگرایان در سال‌های اخیر دقت کنیم، روشن می‌شود که آنان نظم و نظام بین‌الملل را به رسمیت نمی‌شناسند، در پی تحقق آمال دلخواه خود در منطقه و جهانند، جنگ‌های نامتقارن و غیر کلاسیک را وسیله مناسبی برای دستیابی به اهداف خود تلقی می‌کنند و در داخل کشور نیز صرفاً همفکران و همراهم خود را «خودی» می‌دانند و بقیه مردمی را که طرز نگاه و سبک زندگی متفاوتی دارند، به چشم غیر و بیگانه می‌بینند چنانکه پنداری بین آنان و باقی مردم دیواری کشیده شده است که در هر محیط اجتماعی و فرهنگی خود را با زمختی بروز می‌دهد.

بر همین مبنا، آنان افتخار می‌کنند که خود را انقلابی بنامند آن هم نه به معنای مدافع ارزش و معیارهای انقلاب سال ۱۳۵۷ بلکه به‌عنوان نیرویی که نمی‌خواهد قواعد نهادینه شده حاکم بر دولت متعارف را بپذیرد و مطابق آن عمل کند.

طبعاً اهداف و ویژگی‌هایی که برشمرده شد برای یک گروه چریکی که پایگاه‌های ثابت و قلمرو حاکمیت تعریف شده‌ای ندارد و مسئولیت اداره یک جمعیت بزرگ و برآوردن تمام نیازهای زیستی آن‌ها بر گردنش نیست و دائم در حال جنگ و گریز با قوای متخاصم و عزیمت از این نقطه به آن نقطه است، عیب شمرده نمی‌شود؛ اما بدون تردید یک دولت یعنی نهادی که حاکمیت بر یک سرزمین و جامعه را بر عهده دارد، نمی‌تواند با شیوه‌های سازمان چریکی عمل کند مگر آنکه نسبت به سرنوشت سرزمین تحت قلمرو و حاکمیت خود و مردم ساکن آن، کاملاً بی‌تفاوت باشد.

در حقیقت آنچه به اصولگرایان امکان داده است تا به‌رغم حاکمیت بر یک کشور، هویت یک سازمان چریکی را نزد حامیان‌شان برای خود تعریف و تبلیغ کنند، استقرار نوعی حاکمیت دوگانه بر ایران در چند دهه اخیر بوده است. در واقع اصولگرایان با وجود در دست داشتن قدرت نهایی در ساختار حاکم، معمولاً حساب خود را از دولت به معنای قوه مجریه جدا دانسته‌اند و با نسبت دادن تمام کارویژه‌های ضروری و اجتناب‌ناپذیر نهاد دولت به قوه مجریه و اعلام



نژادپرستی در آمریکا که دنی لافریر پانزده سال از عمر خود را در آنجا سپری کرده است، برای سال‌های متمادی توجیه‌کننده برده‌داری بود و همین شرایط زمینه را برای استثمار و بهره‌کشی اقتصادی از زنان و مردان مهیا کرده بود. از همان دوران، برتری‌طلبی سفیدپوستان و متعاقب آن خشونت‌های نژادی در آمریکا ریشه دواند که پیامدهای آن همچنان در روزگار ما نیز ادامه دارد.

## نگاهی دیگر به مساله نژادپرستی

شهبانوی موسیقی بلوز و از دیدگاه فریتر «بزرگ‌ترین خواننده بلوز جهان» است و همچنین هریئت تاین که برای کمک به فرار و رهایی بردگان سیاه سفرهای متعددی انجام داد و در سال ۱۹۱۳ چشم از جهان فروبست، اشاره کرد.

آقای فریتر می‌گوید در نوشته‌های خود اساساً جوانانی را خطاب قرار می‌دهد که جنبش اجتماعی اعتراض‌آمیز اخیر در آمریکا موسوم به «زندگی سیاهان اهمیت دارد» را با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند و با بازتاب‌ها و پیامدهای آن بزرگ می‌شوند. به گفته لافریر این جوانان عمدتاً افراد آزاداندیش، بی‌غل و غش و سرشار از سادگی هستند هرچند گاهی اوقات

با خواننده‌اش ارتباط برقرار کند آنگاه با استناد به جنبه‌های مختلف نژادپرستی که در آمریکا رایج است، به واکاوی این معضل اجتماعی کهنه بپردازد. آقای لافریر از طریق ده‌ها متن مختصر و کوتاه که درواقع به‌مثابه شاهد آثار او هستند، اوضاع و شرایط را شرح می‌دهد و با این کار بخش‌هایی از تاریخ را به تصویر می‌کشد. او به تشریح ویژگی‌ها و خصلت‌های رفتاری شخصیت‌های بسیاری از افراد به‌ویژه زنان پرداخته که نگاهی تحسین‌برانگیز به آن‌ها دارد. از میان این زنان می‌توان به افرادی مثل مایا آنجلو نویسنده که از نظر او «پرنده‌ای رهاشده از قفس» است، تونی موریسون برنده جایزه نوبل ادبیات یا بسی اسمیت که از نظر خیلی‌ها

دنی لافریر Dany Laferrière که تازه‌ترین کتابش تحت عنوان «رساله‌ای موجز در باب نژادپرستی» به‌تازگی توسط انتشارات بورئال Boréal به چاپ رسیده است، می‌گوید زمانی که یک سیاه‌پوست در مسکو، برلین یا واشنگتن وارد یک اتاق پر از سفیدپوست می‌شود، به‌خوبی می‌داند که همه نگاه‌ها به‌سرعت به سمت او می‌چرخند و از همان ابتدا نگاه سنگین همه را روی صورت خود احساس می‌کند؛ بنابراین در مبارزه با پدیده نژادپرستی شاید مهم‌ترین و اولین شرط این است که از چشم یک سفیدپوست به معضل نژادپرستی نگاه نکنیم.

دنی لافریر تلاش می‌کند با لحنی صمیمی و خودمانی



بیچر استو نمی‌توانست مثل یک نفر در سال ۱۹۶۰ صحبت کند.»

«هنگامی که یک زن «نه» می‌گوید، شما باید دست بکشید. وقتی هم یک سیاه‌پوست می‌گوید «دارم خفه می‌شوم»، شما باید دست ننگه دارید. (دنی لافریر)

وانگهی از نظر لافریر، سهم سفیدپوستان نیز در جنبش آزادی سیاه‌پوستان آمریکایی انکارناپذیر است. لافریر می‌گوید: «مسلم بدون حمایت سفیدپوستان، باراک اوباما هرگز نمی‌توانست به ریاست جمهوری آمریکا دست پیدا کند. در عین حال لافریر معتقد است که دوران ریاست جمهوری هشت ساله باراک اوباما بر مبارزه با نژادپرستی که همچنان جامعه آمریکا از آن رنج می‌برد، تأثیر واقعی چندانی نداشت.»

به گفته لافریر «اوباما در مقام ریاست جمهوری آمریکا تمام وقت خود را صرف خنثی کردن ضربه‌هایی کرد که او و دولتش را هدف قرار داده بود. سنگ‌اندازی‌ها و مانع‌تراشی‌ها او را در وضعیت بدی قرار داده بود. شرایطی برای او فراهم کرده بودند که مجبور بود بخش عمده وقت خود را به دفاع از خود در برابر نژادپرستی و پاسخ دادن به سؤالاتی که درباره نژادپرستی مطرح می‌شد، صرف کند.»

بنابراین دنی لافریر با روایت‌های کوتاه و توصیف‌های جزئی و البته دقیق خود تلاش می‌کند هیولای هزارسر نژادپرستی را ترسیم کند. البته لافریر به‌خوبی می‌داند که نباید این پدیده را که رسانه‌های جمعی و روزنامه‌نگاران سفیدپوست نیز به آن می‌پردازند، به یک مسئله شخصی تبدیل کند.

لافریر می‌گوید: «غالب اوقات اولین مشکل در انتشار یک کتاب با موضوع نژادپرستی در آمریکای شمالی این است که ۹۰ درصد روزنامه‌نگاران که احتمالاً آن را مورد تجزیه و تحلیل و نقد قرار می‌دهند، در سمت مقابل قرار دارند. من به هیچ عنوان نمی‌گویم که آن‌ها نژادپرست هستند اما نمی‌توانیم انکار کنیم که این یک پارادوکس است.»

لافریر می‌گوید این کتاب رد پای از مجموعه آثار او دارد که برای اشاره به آن‌ها از عنوان کلی و فراگیر «تو بیوگرافی آمریکای شمالی» استفاده می‌کند. لافریر می‌افزاید: «من معتقدم تازه‌ترین اثرم تحت عنوان «رساله‌ای موجز در باب نژادپرستی» در زمره کتاب‌هایی از این دست جای می‌گیرد: «چگونه با یک برده سیاه‌پوست عشق‌بازی کنیم بدون اینکه او را خسته کنیم؟»، «چیزی که در دست این سیاه‌پوست جوان است، یک نارنجک است یا یک انار؟» یا «روایت انحراف دل‌نشین» که در آن به‌طور مفصل درباره رابطه سفیدپوستان و سیاه‌پوستان در آمریکای شمالی صحبت کرده‌ام؛ بنابراین همان‌طور که می‌بینید این اولین بار نیست که من در آثارم به این موضوع می‌پردازم.

منبع: سایت نشریه لودووار

سیاه‌پوست می‌گوید «دارم خفه می‌شوم»، باید دست ننگه دارید.»

به گفته لافریر در همسایه شمالی ما که ایالات متحده باشد، «تقریباً هر روز یک نفر قربانی خشونت با انگیزه‌ها و اهداف نژادپرستانه می‌شود». لافریر یادآوری می‌کند که همین اخیراً نیز اظهارنظرهای دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا موجب هم‌صدایی بیش از هشتاد میلیون آمریکایی شد. لافریر می‌گوید سایه‌های تبعیض که هنوز از آسمان آمریکا رخت برنسته‌اند در واقع عصب‌های جنگ هستند، جنگ مبارزه با نژادپرستی و بهره‌کشی که هنوز هم با گذشت یک و نیم قرن از جنگ استقلال آمریکا تمام نشده است.

کلبه عمو تام

لافریر در نوشته‌های خود حتی به بیچر استوو Harriet Beecher Stowe نویسنده سفیدپوست آمریکایی استناد کرده است که کتاب «کلبه عمو تام» را نوشت و وجدان سفیدپوستان سرزمین‌های شمال را بر ضد برده‌داری رایج در ایالات جنوبی آمریکا در سال ۱۸۵۲ برانگیخت. \*کلبه عمو تام که در سال ۱۸۵۲ منتشر شد، تأثیر زیادی بر روند جنگ داخلی آمریکا، مبارزه با برده‌داری و وضعیت آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار در آمریکا گذاشت. کلبه عمو تام پرفروش‌ترین کتاب داستان قرن نوزدهم لقب گرفت و در چاپ اول ۳۰۰ هزار نسخه از آن فقط در آمریکا به فروش رفت. (توضیح مترجم)

لافریر می‌نویسد بیچر استوو که دختر یک کشیش پروتستان بود، اندیشه‌های فمینیستی و هومانیتی داشت و از طرفداران جنبش مقابله با برده‌داری بود. زمانی که آبراهام لینکلن برای اولین بار با هریث بیچر استو دیدار می‌کند، با تعجب از او می‌پرسد: «خانم کوچکی که جنگ به این بزرگی راه انداخته است، واقعاً تو هستی؟»

شخصیت اصلی رمان خانم بیچر یک پیرمرد سیاه‌پوست به نام تام است که با یک خانواده آمریکایی زندگی می‌کند و هم برای سیاه‌پوستان و هم سفیدپوستان دریایی از لطف و عطوفت است. جنبش سیاهان آمریکا این رمان را رد کرد. در سال‌های ۱۹۶۰ سیاه‌پوستان آمریکایی به این نتیجه رسیدند که عمو تام دیگر نمی‌تواند نماینده آن‌ها باشد چراکه به گفته آقای لافریر، «برای تام رنگ پوست معنا نداشت و او فارغ از رنگ‌ها همه مردم را دوست داشت، بین آن‌ها هیچ تفاوتی قائل نمی‌شد و به همان اندازه که بچه‌های سیاه‌پوستان را دوست داشت، با بچه‌های سفیدپوستان و بچه‌های ارباب هم مهربان بود.»

لافریر می‌گوید: «من فقط می‌خواستم اشاره‌ای به این کتاب داشته باشم و با توجه به اوضاع و شرایطی که تحولات آن روی داده است، نگاهی به آن بیندازم. قصدم این بود به آن‌هایی که آبراهام لینکلن را ستایش و عمو تام را تحقیر می‌کنند، یادآوری کنم که لینکلن برای نویسنده آن کتاب احترام قائل بود. قطعاً هریث

جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند، به‌درستی درک نمی‌کنند.

لافریر می‌گوید: «نمی‌توانم انکار کنم که فکر کردن به جوانان ۱۴ تا ۲۵ ساله، وسواسی است که هیچ‌گاه مرا رها نمی‌کند. من اشتراکاتی با آن‌ها دارم، همواره مشتاق هستم که با آن‌ها گپ بزنم و از افکار و باورهای آن‌ها آگاه شوم. آن‌ها اندیشه‌ها و ایده‌هایی نشاءت گرفته از ذات شاعرانه خود دارند. آن‌ها سرسخت و لجوج هستند اما توانایی آن را دارند که وقتی با فرد یا افرادی در برخی موارد اختلاف‌نظر پیدا می‌کنند، با جهش از موانعی که فراروی خود می‌بینند درجایی دیگر و در عرصه‌های دیگر، اشتراکات و زمینه‌های تفاهم دیگری با آن‌ها پیدا کنند. من معتقدم که آن‌ها نسبت به متون منظوم و نوشته‌های موجز اما موزون حساس هستند و مشخصاً برای همین جوانان است که کتابی به رشته تحریر درآورده‌ام که مثل آسمان تابستان به روی آن‌ها باز می‌شود.»

از گفته‌های خود آقای لافریر به‌روشنی پیداست که او این کتاب را برای همین جوان‌ها و به شکلی خلق کرده است که بتوانند اخبار و رویدادهای روز را که در جامعه تجربه می‌کنند، در یک حکایت که همان حکایت مبارزه طولانی سیاه‌پوستان آمریکایی برای احقاق حقوقشان است، ریشه‌یابی کنند.

حکایتی که در اینجا وجود دارد، برای اینکه برای مخاطبان جوان خسته‌کننده نباشد باید به‌آرامی و خیلی ساده و سبک تعریف کنیم چراکه آقای لافریر می‌داند که جوانان کارهای مهم دیگری هم دارند و قرار نیست آن‌ها برای ساعات طولانی به حرف‌های او گوش بسپارند. از این رو نویسنده «رساله‌ای موجز در باب نژادپرستی در آمریکا» به این نتیجه رسیده است که استناد به متن‌های کوتاه و گویا بهتر می‌تواند مخاطب جوان را به تفکر و تأمل ترغیب کند.

نژادپرستی در جامعه آمریکا که دنی لافریر تجربه پانزده سال زندگی در آن را دارد، توجیه‌کننده پدیده برده‌داری بوده است. اندیشه برتری سفیدپوستان بر رنگین‌پوستان بود که شرایط را برای بهره‌کشی اقتصادی سفیدپوستان از زنان و مردان اقلیت‌های نژادی فراهم کرد. همین دیدگاه بود که در نهایت به خشونت‌های نژادی منجر شد که به‌رغم گذشت سالیان دراز، هنوز هم به‌صورت پراکنده در روزگار ما ادامه دارد.

«ما می‌خواهیم به همه ثابت کنیم که حس برتری یک فرد نسبت به فرد دیگر و مشخصاً برتری یک سفیدپوست بر یک سیاه‌پوست یک حقیقت عمیق است. طرفداران این اندیشه، با تنش‌آفرینی تلاش می‌کنند حس حقارت و خودکم‌بینی را به سیاه‌پوستان تلقین و تحمیل کنند.» این همان مسئله‌ای است که آقای لافریر را امروز بر آن داشته است تا برای روشن شدن حقایق با استناد به ماجرای کشته شدن جرج فلویید دست‌دست به قلم شود: «وقتی یک زن می‌گوید «نه»، شما باید دست ننگه دارید. همین‌طور وقتی یک



## ابراهیم رئیسی و تصفیه درونی جمهوری اسلامی

# سرکوب‌های بیشتر در راه است؟

سخت‌گیرانه قوه قضاییه پیوند خورده است؛ از این منظر ابراهیم رئیسی به خوبی می‌تواند رئیس دولتی باشد که در صورت نیاز به‌راحتی بتواند مخالفان و معترضان خود را سرکوب کند؛ چنانچه در دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ هم چنین شد.

حکومت‌ها در مواجهه با مردم داخل و کشورهای خارجی چند استراتژی می‌توانند داشته باشند: «تعامل با داخل - تعامل با خارج»، «تعامل با داخل - تقابل با خارج» و «تقابل با داخل - تعامل با خارج» و در نهایت «تقابل با داخل - تقابل با خارج»

دولت خاتمی بسیار تلاش کرد سیاست «تعامل با مردم در داخل و تعامل با کشورهای دنیا» را در پیش بگیرد؛ اگرچه دولت چنین قصدی داشت اما این اتفاق با سرکوب‌های شدیدی مانند کوی دانشگاه تحت‌الشعاع قرار گرفت. در دولت روحانی هم هرچند با شعار نرمالیزاسیون روابط داخلی و خارجی روی کار آمد اما کشتار مردم در چند اتفاق مختلف نتوانست تعامل با مردم را رقم بزند. اکنون نیز دولت رئیسی بعد از دولت احمدی‌نژاد، برای بار دیگر سیاست «تقابل - تقابل» را رقم خواهد زد؛ سیاستی که بر پایه آن فشارهای مدنی در داخل افزایش خواهد یافت و باتوجه به شعارهای خارجی آن مشخص است که قصدی برای ارتباطات با جهان نیز وجود ندارد. آنها فعلاً قرار است با سرکوب مخالفان در داخل مشکلات را حل کنند، سپس ببینند برای خارج چه راهی دارند. آیت‌الله خامنه‌ای این تصور را دارد که حکومت در سخت‌ترین تحریم‌های آمریکا در دوره ترامپ از هم فرو نپاشید بنابراین بعید است در دوره دموکرات‌ها چنین اتفاقی رخ دهد، باین‌وصف فعلاً دوران تصفیه داخلی است؛ دورانی که قطار انقلاب ایران اندکی از ظرفیت خود کم کند تا راحت‌تر حرکت کند. مهدی طائب فرمانده قرارگاه عمار و برادر حسین طائب فرمانده اطلاعات سپاه پیش از برگزاری انتخابات گفته بود: «به مرحله خالص‌سازی از انقلاب رسیده‌ایم و قطعاً پیروز خواهیم شد.» مرحله خالص‌سازی فعلاً با حذف پیش رفته است. منتظر حذفیات بیشتری باشید ...

آمریکا ایران را به لحاظ سیاسی و اقتصادی در تنگنا قرار داده است. به تمام اینها شرایط جسمی رهبر ایران را اضافه کنید به علت کهولت سن پایدار نیست بنابراین موضوع جانشینی در رأس هرم بسیار پررنگ است. یکی از مشکلات جمهوری اسلامی برای حل همه این مشکلات انشقاق و اختلاف‌نظر نیروهای سیاسی موجود در کشور بود؛ چه آنکه حتی اصول‌گرایان نیز نسبت به این موارد اشتراک نظر نداشتند. در چنین شرایطی حاکمان جمهوری اسلامی به این تصمیم رسیدند که حل مشکلات جز با قوای یکدست میسر نخواهد بود؛ چه آنکه از منظر آنها اختلاف‌نظر در شرایط فشار حداکثری آسیب بیشتری به آنها خواهد رساند بنابراین بهتر آن است که در یک بازه زمانی تمام نیروهای حاکمیتی یکدست شوند. در نهادهای انتصابی پروژه یکدست‌سازی در دروس چندانی نداشت و در نهادهای انتخاباتی (مجلس و رئیس قوه مجریه) هم به کمک شورای نگهبان این معضل رفع شد. انتخابات ۱۴۰۰ از این منظر اهمیت ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران داشت و نیاز به گزینه حداکثری بود که بتواند با اجماع جریان‌های قدرت (و نه مردم یا احزاب سیاسی) شرایط را به نفع خود تغییر دهد.

ابراهیم رئیسی نماد چهره‌ای بود که هم در بیت رهبری نفوذ فراوانی داشت، هم در رأس و لایه‌های سپاه حامیان خوبی داشت؛ بنابراین او چهره‌ای که است که می‌تواند تمام نهادهای قدرت از زیرمجموعه‌های مالی بیت و بنگاه‌های اقتصادی نظامی را در کنار دولت بیاورد تا در سخت‌ترین شرایط عمر ۴۰ ساله جمهوری اسلامی دولتی بر سرکار باشد که خود را تدارک‌اتچی نخواند. اگر فرماندهان سپاه با روحانی و خاتمی و هاشمی رفسنجانی هیچگاه صاف نشدند و میانه‌روهای اصول‌گرا با احمدی‌نژاد همراه نشدند، درباره رئیسی این مشکل وجود ندارد و بی‌شک تنها رئیس جمهوری خواهد شد که حمایت تمام ارکان قدرت و حاکمیت جمهوری اسلامی را با خود دارد.

ابراهیم رئیسی علاوه بر یکدست‌سازی حاکمیت اما یک کارکرد دیگر برای جمهوری اسلامی دارد؛ سابقه او در قوه قضاییه از سه دهه پیش آن‌قدر برای منافع حکومت ایران پررنگ بوده که بتوانند از او در حساس‌ترین مناصب استفاده کنند؛ چه اینکه نام او از دهه ۶۰ تاکنون با احکام

برای مبتدی‌ترین تحلیلگر هم دشوار نبود که نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری ایران را پیش‌بینی کند؛ دست‌کم بعد از اعلام نتیجه بررسی‌ها صلاحیت‌ها و حذف رقبای اصلی از گردونه انتخابات مشخص بود که این بار حاکمیت ایران قصد کرده خودش را بی‌جهت به دردمرغ نیندازد و به مصداق «سری که درد نمی‌کند را دستمال نمی‌بندند» رئیس‌جمهوری برگزیند که خود به آن تمایل دارد. اگر به این گزاره شک دارید، به یادداشت اخیر سردار وحید حقانیان معاون اجرایی دفتر رهبر ایران در خبرگزاری ایسنا مراجعه کنید؛ جایی که حضور کاندیداهای پوششی برای رئیسی آن‌قدر مضحک شده بود که حقانیان حضور رضایی و همتی و قاضی‌زاده هاشمی را برای رئیسی امداد غیبی توصیف کرده و گفته بود اگر سه کاندیدای دیگر هم انصراف می‌دادند، چالش بزرگی برای جمهوری اسلامی ایجاد می‌شد!

همان‌طور که عضو ارشد بیت رهبری ایران گفته انتخابات ۱۴۰۰ واقعاً امدادی غیبی برای رئیسی بوده است. اما این امداد نه بحثی انتزاعی و الهیاتی، بلکه امدادی آشکار بود، آن‌قدر آشکار که حتی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در حمایت از ابراهیم رئیسی بیانیه داد. این حمایت از آن‌جهت عجیب بود که بدانیم فقهای شورای نگهبان همگی عضو جامعه مدرسین هستند.

ابراهیم رئیسی با عجیب‌ترین پشتوانه حاکمیتی پیروز انتخابات ایران شد و از نیمه مرداد دولت را در حالی تحویل خواهد گرفت که تمامی ارکان سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در ایران از بیت رهبری و سپاه پاسداران گرفته تا مجلس و قوه قضاییه و دولت همگی یکدست شده‌اند تا فضا برای آن چیزی که حکومت ایران می‌خواهد آماده شود. اما سؤال اساسی این است که پروژه یکدست‌سازی در سال ۱۴۰۰ برای چه منظوری انجام شده است؟

جمهوری اسلامی ایران چهار دهه بعد از استقرار خود در بدترین شرایط موجود قرار گرفته است؛ فشار اقتصادی به بالاترین حد ممکن رسیده، پرفشارترین تحریم‌ها علیه ایران اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی نیروهای نظامی ایران در خارج کشور به‌خاطر جهش قیمت دلار چندبرابر شده و بار مضاعفی روی دوش حکومت افتاده است؛ ناراضی‌های مدنی آن‌قدر زیاد شده که به گفته وزیر کشور به‌صورت میانگین هر روز بیش از ۱۰ اعتراض در شهرهای مختلف ایران رخ داده است؛ نحوه ارتباط با



## بازگشت آرامش نسبی به بازار مسکن

باشد به این معنی است که املاک به محض قرار گرفتن در معرض فروش توسط خریداران خریده شده و از فهرست بازار خارج می‌شوند. این معیار با عنوان حرارت بازار شناخته می‌شود. در ماه ژانویه، این نسبت حدود نود درصد بود که در ماه می به حدود هفتاد و پنج درصد کاهش پیدا کرد. بازار امروز اصطلاحاً به نفع فروشنده است. برای اینکه بازار به نفع خریدار بچرخد این نسبت باید حداقل به مرز چهل درصد برسد. در آن شرایط است که می‌توان انتظار قیمت‌های متعادل‌تر و منطقی‌تری داشت. برای این حد میانگین در بلندمدت حدود پنجاه و چهار درصد است و به نقل از آژانس املاک کانادا، در بسیاری از مناطق کانادا نسبت تعداد فروش به تعداد املاک جدید چنان از حد میانگین منطقه‌ای بالاتر هستند که به این زودی نمی‌توان انتظار داشت بازار به نفع خریدار بچرخد.

ساخت‌وساز نیز که از مهم‌ترین اهرم‌های رشد سریع قیمت در بازار، به‌ویژه در خانه‌های مستقل تک خانوار بودند در ماه گذشته با کاهش دوازده درصدی فعالیت در سطح ملی مواجه شدند. این میزان در مناطق شهری به حدود هجده درصد رسید. در نظر گرفتن اینکه به‌طور کلی کاهش تقاضا عامل مؤثری در کاهش قیمت‌هاست اما کارشناسان بر این باورند که این عامل به‌تنهایی برای مقابله با حباب مسکن کافی نیست. با اینکه در یک یا دو ماه اخیر بعضی از شاخص‌ها و معیارها نشان از افت گرمی بازار و بهای ملک دارند ولی نباید فراموش کرد که افزایش قیمت‌ها و تعداد معاملات ملک در تاریخ معاصر این بخش اقتصادی بی‌سابقه است.

برای مقابله و متعادل کردن بازار مسکن لجام‌گسیخته عوامل متعددی نیاز است. از آن جمله می‌توان به افزایش مجدد نرخ بهره وام بانکی، افزایش سرعت واکنش‌های و بازگشایی مجدد مشاغل و در نتیجه کاهش بیکاری و افزایش امید بر اثر کنترل همه‌گیری و تأثیر مثبت آن بر بورس و سرمایه نام برد. تاکنون و حداقل روی کاغذ اکثر عوامل مهم به سمت مثبت در حرکت هستند و این نویدبخش آینده‌ای کمی متعادل‌تر و منطقی‌تر برای بازار مسکن است.

آینده دستخوش تغییر شود. البته نباید فراموش کرد که موج‌های پیاپی همه‌گیری برای اقتصاد مانند ترمز عمل می‌کنند و با رسیدن هریک ممکن است پیش‌بینی‌ها دگرگون شوند.

با در نظر گرفتن تمام این موارد، قیمت ملک همچنان بالاست. بر اساس شاخص قیمت MLS، بهای ملک کماکان حدود بیست و چهار درصد بالاتر از حد عادی است. افزایش افسارگسیخته قیمت ملک تقریباً در سراسر کانادا فراگیر بوده است و استان‌های کبک، انتاریو و بریتیش کلمبیا در مرکز این طوفان هستند؛ اما هستند مناطقی که با سرعت کمتری شاهد افزایش قیمت بوده‌اند. از آن جمله می‌توان به نیوفاندلند و لابرادور اشاره کرد.

### کاهش اجباری تقاضا

به‌عبراز متعادل شدن عرضه و تقاضا، عامل دیگری که می‌تواند کمی موجب فروکش کردن آتش بازار مسکن شود وضع روند سخت‌گیرانه‌تر در اعطای وام است که ماه گذشته با فشار بانک مرکزی و به‌وسیله بانک‌ها اعمال شد که در هفته‌های گذشته به‌تفصیل به آن پرداخته شد. با سخت‌گیری بیشتر، مدیریت ریسک بر اعطای وام‌ها به‌گونه‌ای تغییر کرد که با توجه به توان بازپرداخت، افراد کمتری بتوانند واجد شرایط دریافت وام باشند؛ بنابراین، کاهش تعداد تراکنش ملکی همیشه به معنی کاهش تقاضا نیست و با اعمال سخت‌گیری در اعطای وام عملاً تعداد کمتری توانایی دریافت آن را خواهد داشت و تقاضا نه به شکل طبیعی، بلکه به شکل اجباری کاهش یافته است. از آن گذشته، تعداد عرضه نیز به گفته آژانس معاملات املاک کانادا CREA در ماه گذشته حدود شش و نیم درصد کاهش یافته است.

### نشانه‌های سردی بازار

یکی از مهم‌ترین معیارهای اندازه‌گیری داغ بودن بازار مسکن نسبت تعداد فروش به تعداد املاک جدید است. منظور از املاک جدید آن‌هایی هستند که به‌تازگی در فهرست فروش قرار گرفته‌اند. هر چه این نسبت بالاتر

نشریه اقتصادی معتبر بلومبرگ در هفته گذشته در مقاله‌ای نوشت: بازار مسکن کانادا به‌عنوان دومین حباب مسکن جهان در سرایشی خستگی است. این نشریه پیش‌ازاین بازار مسکن کانادا را پس از نیوزیلند به‌عنوان دومین حباب بزرگ معرفی کرده بود. طبق مشاهدات اخیر بانک مرکزی کانادا، هرچند تا زمان قطعی پایان بحران همه‌گیری فاصله داریم ولی بازار مسکن پس از سالی پرچنب‌وجوش و پویا در حال رسیدن به آرامشی نسبی است.

قیمت میانگین خرید ملک در ماه می امسال حدود شش صد و هشتاد و هشت هزار دلار است که نسبت به سال گذشته حدود سی و هشت درصد بالاتر است ولی نسبت به ماه آوریل امسال حدود یک درصد کاهش پیدا کرده که نشان از افت نسبی بازار است و می‌تواند نقطه عطفی برای روند پیش رو در سال جاری باشد. به‌علاوه، ماه می با حدود هفتاد و شش هزار تراکنش ملکی به پایان رسید که نسبت به ماه آوریل حدود هفت و نیم درصد کمتر بود. بنا بر گفته آژانس املاک کانادا CREA، این کاهش تعداد معاملات در هشتاد درصد بازارهای املاک در سطح کانادا رخ داده است.

به عقیده تیف مک کلم رئیس کل بانک مرکزی کانادا، از این پس احتمالاً بیشتر شاهد افزایش میزان عرضه و کاهش تقاضا در بازار مسکن خواهیم بود که در نهایت موجب متعادل‌تر شدن آن خواهد شد. به گفته وی، بانک مرکزی کانادا تغییرات در بازار مسکن را به‌دقت دنبال می‌کند و انتظار می‌رود روند متعادل‌تر شدن بازار مسکن به زمان بیشتری نیاز داشته باشد. در خلال تغییراتی که از سال گذشته در بازار مسکن رخ داد تعداد زیادی از معاملات از نظر بانک مرکزی با هدف فروش در کوتاه‌مدت و رسیدن به سود سریع انجام شد و افزایش بهای ملک امری مستمر نخواهد بود.

سال گذشته بانک مرکزی نرخ بهره را با هدف جلوگیری از رکود و با در نظر گرفتن شرایط خاص اقتصادی به یک‌چهارم درصد کاهش داد و اکنون که با پیشرفت واکنش‌های و تطبیق جامعه با شرایط همه‌گیری در مرحله بازیابی هستیم انتظار می‌رود این نرخ در سال



# بدون شرح!





## اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

• فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف

• جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing

• تعمیرات ترمز و جلوبندی

سرویس و خدمات  
در کوتاه‌ترین زمان  
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



**514-487-6262**

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1  
www.autoshemiran.com



## Panneton & Panneton

Moving & Storage

تخفیف ویژه برای  
هموطنان عزیز  
در نشر گرفته  
خواهد شد

- ✓ جابجایی آسان اسباب منزل
- ✓ جابجایی وسایل و تجهیزات شرکتها و دفاتر کاری
- ✓ جابجایی بین شهری وسایل و تجهیزات
- ✓ جمع آوری و بسته‌بندی وسایل قبل از جابجایی
- ✓ ۲۰۰ انبار در سایزهای مختلف برای نگهداری کوتاه مدت و بلند مدت وسایل مختلف



8660 Jeanne Mance,  
Montreal (QC) H2P 2S6  
**514 939 0099**  
514 939 9939

info@pannetonpanneton.com

## HYDROWISE

شرکت هایدرووایز

### احداث و زیباسازی فضای سبز

- نصب، تعمیر و نگهداری سیستم آبیاری اتوماتیک فضای سبز
- آسفالت ورودی گاراژ و سنگ کاری پیاده‌روهای حیاط و باغچه
- نصب، تعمیر و نگهداری سیستم نورپردازی فضای سبز
- کاشت چمن
- تنها تامین کننده کود طبیعی چمن (باپوزیست Biofertilizer) در کانادا

**(514) 707 4767**  
INFO@HYDROWISE.CA  
WWW.HYDROWISE.CA

ارزیابی رایگان

## صرافی موندیال الیت

با هم نیرومندتریم

### ارائه خدمات ارزی

- با سه دهه سابقه خالصانه، بی دریغ در خدمت شما هستیم.
- انتقال فوری ارز به ایران و برعکس با تضمین بهترین نرخ روز

قبل از هر تصمیمی با ما مشورت کنید.

**یحیی هاشمی**      **بیژن احمدی**  
(514) 989 2229      (514) 937-5192

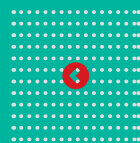
## MondialElite Exchange

1855 Saint-Catherine St W, Montreal, H3H 1M4





# جامعه



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca

**هفته**  
www.hafteh.ca

را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@Hafteh.ca @HaftehMontreal  
@Journal\_Hafteh @HaftehWeekly



## رابطه مصرف زیاد گوشت قرمز با ابتلا به سرطان روده بزرگ

پیش نشان می‌دهد.»  
دکتر ماریوس جیناکیس و همکارانش دی.ان.ای بیش از ۹۰۰ بیمار مبتلا به سرطان روده بزرگ را از یک گروه بزرگ ۲۸۰ هزار نفری که به مدت چندین سال از نظر شیوه زندگی و تغذیه تحت مطالعه قرار گرفته بودند، توالی‌بندی کردند.

تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در این تحقیق، نوعی جهش دی.ان.ای موسوم به آلکیلاسیون Alkylation را نشان داد که تا کنون محققان به آن پی نبرده بودند. این جهش به طرز ملموسی با مصرف گوشت قرمز (فرآوری شده یا فرآوری نشده) قبل از شروع بیماری ارتباط دارد در حالی که چنین ارتباطی در مصرف گوشت مرغ، ماهی یا سایر عوامل تحت بررسی دیده نمی‌شود.

جدیدی که این هفته در نشریه Cancer Discovery منتشر شد، لطمات و آسیب‌هایی را نشان داد که رژیم‌های غذایی حاوی گوشت قرمز فراوان می‌تواند بر روی دی.ان.ای افراد داشته باشد. در واقع، این مطالعه گوشت قرمز را به عنوان یک ماده سرطان‌زا معرفی کرده و راه را برای تشخیص زودتر بیماری و ایجاد روش‌های درمانی جدید باز کرده است.

ماریوس جیناکیس متخصص سرطان شناسی در موسسه سرطان دانا-فاربر Dana-Farber Cancer Institute که در این تحقیق مشارکت داشته است، می‌گوید: «مسئله کنار گذاشتن کامل گوشت قرمز در وعده‌های غذایی مطرح نیست، بلکه نتایج این تحقیق ضرورت اعتدال در مصرف گوشت قرمز و داشتن یک رژیم غذایی متعادل را بیش از



محققان و پزشکان از دیرباز همواره اعتدال در مصرف گوشت قرمز را توصیه می‌کنند

خودداری از مصرف زیاد گوشت قرمز به منظور جلوگیری از ابتلا به سرطان روده بزرگ، از جمله توصیه‌هایی است که پزشکان از دیرباز بر آن تاکید می‌کنند اما تا کنون همه کارشناسان سلامت و تغذیه در خصوص وجود ارتباط واقعی میان مصرف گوشت قرمز و سرطان اطمینان نداشتند زیرا قادر به درک جهش سلولی ناشی از مصرف زیاد گوشت قرمز نبودند.  
به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، اما نتایج مطالعه

## تداوم بلندپروازی‌های چین و روسیه؛ آغاز پروژه فضایی مشترک

خواهد رسید. در این مرحله قرار است شش ماموریت با استفاده از ربات در ماه انجام شود. هدف از این ماموریت‌ها شناسایی نقاط مناسب برای فرود، نقشه‌برداری از سطح ماه، نمونه‌برداری و جمع‌آوری اطلاعات است.  
قرار است این شش ماموریت رباتیک به طور عادلانه بین دو کشور توزیع شود: چین کاوشگرهای Chang'e ۶ (که به تجهیزات علمی فرانسه مجهز است)، کاوشگرهای Chang'e ۷ (کاوشگر Chang'e ۴ و Chang'e ۵ به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به فضا پرتاب شدند) را به فضا پرتاب خواهد کرد و روسیه نیز کاوشگرهای Luna ۲۵، ۲۶ و ۲۷ را به فضا خواهد فرستاد.

را برای اعزام فضاپرواز به ماه و ماموریت‌های اکتشافی در قمر زمین تهیه کرده‌اند.

به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، در حالی که آمریکا برای اجرای برنامه آرتمیس تلاش می‌کند، مسکو و پکن نیز از ماه مارس پروژه‌های بزرگ خود را در خصوص ماه رونمایی کردند که مهمترین بخش آن ایجاد یک ایستگاه فضایی در مدار ماه و یک پایگاه زمینی و کلیه تجهیزات مورد نیاز برای اقامت‌های طولانی مدت فضاپرواز در مدار ماه است. اژانس‌های فضایی روسیه و چین اعلام کردند مرحله نخست ساخت ایستگاه تحقیقات بین‌المللی ماه از چندی پیش آغاز شده است و طبق برنامه تا سال ۲۰۲۵ به پایان



آمریکا تنها کشوری نیست که سودای رفتن به ماه در دهه آینده را در سر می‌پروراند. به نظر می‌رسد قدرت‌های بزرگ برای رقابت با یکدیگر به دنبال عرصه‌های گسترده‌تری هستند و چه آوردگاهی وسیع‌تر و البته جاه‌طلبانه‌تر از فضا. چین و روسیه از مدتی پیش نگاه خود را معطوف به ماه کرده‌اند تا در اکتشاف قمر زمین از رقیب خود عقب نمانند. دو کشور در همین راستا یک پروژه مشترک سه مرحله‌ای

## امسال اولین ماهواره چوبی در مدار زمین قرار می‌گیرد

ماهواره WISA Woodsat که در ارتفاع ۵۰۰ تا ۶۰۰ کیلومتری زمین در مدار قرار خواهد گرفت به چندین حسگر و دو دوربین مجهز است که تغییرات احتمالی ایجادشده بر روی پوشش چوبی آن را ضبط خواهد کرد. انرژی مورد نیاز برای اجرای تمام این عملکردها از طریق ۹ سلول خورشیدی تامین خواهد شد.  
آزمایشات انجام شده توسط شرکت Arctic Astronautics نشان داده است که ورقه‌های تخته سه‌لایی احتمالاً آثار قرار گرفتن در معرض اکسیژن اتمی را تحمل خواهند کرد اما تحت تاثیر اشعه ماورا بنفش ساطع شده از خورشید احتمالاً تیره رنگ خواهند شد.

شرکت Arctic Astronautics قصد دارد انواع مختلف لاک‌ها و روغن‌ها را روی صفحات تخته سه‌لایی آزمایش کند.

صنعت ساخت ماهواره‌ها در سال‌های اخیر با سرعت قابل توجهی دچار دگرگونی شده است و این روند تحول، قطعا در سال ۲۰۲۱ نیز ادامه خواهد یافت.  
اژانس فضایی اروپا ESA اخیراً با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد تا پایان امسال اولین ماهواره چوبی را در مدار زمین قرار خواهد داد. این ماهواره که WISA Woodsat نامگذاری شده، یک نانو ماهواره است که توسط شرکت Arctic Astronautics طراحی و ساخته شده است. این ماهواره چوبی که به شکل یک مکعب مربع با ابعاد ده سانتیمتری است، تنها یک کیلوگرم وزن دارد.



شرکت Arctic Astronautics تا پایان سال ۲۰۲۱ اولین نانو ماهواره چوبی را به فضا پرتاب خواهد کرد. محفظه این ماهواره که از جنس تخته سه‌لایی است، با یک ورق از جنس اکسید آلومینیوم پوشانده شده است تا از آن در برابر فرسایش و خوردگی ناشی از اکسیژن اتمی محافظت شود. این روشی است که غالباً از آن برای محافظت از قطعات الکترونیکی استفاده می‌شود.  
به گزارش هفته، به نقل از پایگاه اینترنتی نومراما،

## نورافشانی دوباره آلفای شکارچی؛ ستاره غول پیکر کیهان



آلفای شکارچی ستاره‌ای است که با توجه به شدت درخشندگی بالای خود از هزاران سال پیش قابل رویت بوده است

بیرون پرتاب می‌کند که بر اثر سرد شدن در تماس با فضای بیرونی یا اسپاش ابر ایجاد می‌کند. اما یک تیم بین‌المللی از ستاره شناسان که نتیجه مطالعاتشان روز چهارشنبه ۱۶ ژوئن در Nature منتشر شد، اعلام کرد کاهش درخشندگی آلفای شکارچی نتیجه ایجاد مقطعی یک لکه سردتر بوده که به کاهش درخشندگی در سطح ستاره منجر شده است. میگوئل مونترگس ستاره شناس و محقق اصلی این مطالعه که در آن از تلسکوپ عظیم رصدخانه جنوب اروپا ESO در شیلی استفاده شده است، گفت ما به این نتیجه رسیدیم که رنگ پریدگی موقتی آلفای شکارچی نتیجه ترکیب این دو پدیده بوده است و پایان نورافشانی این ستاره عظیم فعلاً قابل تصور نیست.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، این ستاره ابرغول پیکر آتشین که به طور میانگین دهمین ستاره روشن آسمان و از درخشان ترین ستاره‌ها در کهکشان راه شیری محسوب می‌شود، حتی با چشم غیرمسلح نیز در صورت فلکی Orion «شکارچی» به وضوح قابل رویت است. میزان درخشندگی این غول تابناک به مدت پنج ماه مشخصاً از نوامبر ۲۰۱۹ تا مارس ۲۰۲۰ به طرز ملموسی کاهش یافت و به گفته دانشمندان نزدیک به ۷۰ درصد روشنایی خود را از دست داد اما پس از مدتی دوباره درخشش خود را باز یافت. تلسکوپ هابل تابستان گذشته با ضبط برخی تصاویر عامل احتمالی این رویداد سماوی را پیدا کرد. این تصاویر نشان می‌داد که آلفای شکارچی مقادیر معتناهی مواد از خود به

رنگ پریدگی اسرارآمیز و موقتی ستاره غول پیکر Betelgeuse موسوم به آلفای شکارچی یا ابط الجوزا که برخی حتی آن را نشانه ناپدید شدن قریب‌الوقوع آن تفسیر کردند، در واقع به علت ابر غبارآلود ناشی از خنک شدن سطح آن بوده است و دانشمندان معتقدند، همه شواهد و قراین حکایت از آن دارد که نورافشانی ستاره عظیم در کیهان همچنان ادامه خواهد یافت.

## ماموریت تازه برای ۳ فضاورد؛ جاه‌طلبی‌های فضایی چین ادامه دارد



که پرتاب شنزو ۱۲ سومین آن‌ها محسوب می‌شود. علاوه بر ماژول Tianhe که در حال حاضر در فضا قرار دارد، دو ماژول دیگر نیز که آزمایشگاه هستند، سال آینده به فضا ارسال خواهند شد. استقرار این دو آزمایشگاه در فضا، امکان انجام آزمایشات بیوتکنولوژی، پزشکی، ستاره شناسی و فناوری فضاوی را به دانشمندان چینی خواهد داد. در حالی که تنش‌ها میان چین و غرب شدت گرفته است، موفقیت ماموریت فضایی چین می‌تواند اعتبار و وجهه این کشور را در عرصه بین‌المللی تقویت کند. چین اول ژوئیه یکصدمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست را جشن خواهد گرفت.

موشک Longue-Marche ۲۴ از پایگاه فضایی جیوکوان به سمت Tianhe (هارمونی آسمانی) پرتاب خواهد شد. Tianhe که مرکز کنترل و محل اقامت و زندگی فضاوردان چینی در این سفر سه ماهه است، اواخر آوریل گذشته در مدار پائین زمین مستقر شد. نصب و نگهداری تجهیزات، پیاده‌روی در فضا، تهیه مقدمات ماموریت‌های بعدی برای تکمیل ایستگاه فضایی بین‌المللی چین، مهم‌ترین کارهایی است که تیم سه نفره فضاوردان چینی در مدت اقامت در فضا انجام خواهند داد. چین برای راه‌اندازی ایستگاه فضایی بین‌المللی خود که قرار است تا سال ۲۰۲۲ تکمیل شود، یازده ماموریت از جمله چهار ماموریت سرنشین دار پیش بینی کرده است

چین روز پنجشنبه ۱۷ ژوئن برای اولین بار سه فضاورد به ایستگاه فضایی در حال ساخت خود اعزام می‌کند. به گزارش هفته، به نقل از ژورنال دو مونریال، آژانس فضایی چین در بیانیه‌ای اعلام کرد تیم سه نفره فضاوردان چینی که همگی مرد هستند، روز پنجشنبه ساعت ۱ و ۲۲ دقیقه به وقت گرینویچ از پایگاه فضایی جیوکوان واقع در صحرای گوبی در شمال غربی چین سفر فضایی خود را آغاز خواهند کرد. فضاپیماي ۱۲-Shenzhou حامل فضاوردان چینی با

## توصیه محققان: مادران مبتلا به کرونا، شیردهی به نوزاد را قطع نکنند

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، ماریان کارمن کولادو پزشک اسپانیایی سرپرست این تحقیق اعلام کرد نتایج این مطالعه که در چارچوب ابتکاری تحت عنوان MilkCorona وابسته به شورای عالی تحقیقات علمی اسپانیا CSIC و یک مرکز درمانی دانشگاهی منطقه والنسیا صورت گرفت، نشان داد هیچ یک از نمونه‌های شیر مادران آلوده به کووید ۱۹ که در این تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، حاوی آثار آر آن ای ویروس کرونا نبودند بلکه حاوی آنتی بادی‌هایی بودند که بدن مادر تولید کرده بود. این تحقیق نشان داد که شیر مادر می‌تواند ناقل آنتی بادی‌ها به نوزاد باشد.

سسیلیا مارتینز کاستا از پزشکان بخش اطفال بیمارستان «کلینیکو» در والنسیا نیز که در این تحقیق مشارکت داشته است، گفت: «نتایج این تحقیق اهمیت و ضرورت منظم شیردهی را در تمام مراحل که مادر واجد یا فاقد علائم کووید ۱۹ است، نشان می‌دهد.»

همچنین شیر همه ۷۵ مادر واکسینه شده با واکسن‌های مدرن، فایزر و آسترازنکا که در این تحقیق شرکت کردند، بسته به واکسن تزریق شده، حاوی آنتی بادی در سطوح مختلف بود.

این مطالعه نشان داد شیر مادرانی که پس از ابتلا به کووید ۱۹ یک دوز واکسن دریافت در یافت کرده و آن‌هایی که بدون ابتلا به بیماری دو دوز واکسن دریافت کرده‌اند، دارای سطح یکسانی از آنتی بادی است.

به رغم ابتلای مادر به کووید ۱۹، شیردهی به نوزاد نباید قطع شود.

نتایج مطالعات جدیدی که محققان علوم پزشکی اسپانیا انجام داده‌اند، شیر مادران آلوده به کووید ۱۹ نه تنها حاوی آثار ویروس نیست بلکه برعکس دارای آنتی بادی تولیدشده در بدن مادر است بنابراین توصیه می‌شود شیردهی به نوزاد حتی در صورت ابتلای مادر به کووید ۱۹ ادامه پیدا کند.



حتی در صورت ابتلای مادر به کووید ۱۹، محققان اسپانیایی شیردهی به نوزاد را توصیه می‌کنند



## تولید موش از اسپرم‌هایی که ۶ سال در فضا ذخیره شدند

دیگر سیارات زندگی کند. چنین پروژه‌هایی آثار احتمالی محیط‌های فضایی بر سلامت انسان و به ویژه ظرفیت تولید مثل انسان را نشان می‌دهد. مطالعاتی که پیش از این در همین زمینه صورت گرفته، نشان داده است که ریزجاذبه مانع از تولید مثل انسان نخواهد شد. با این حال ریزگرانش تنها عاملی نیست که می‌تواند بر سلامت افراد تاثیر بگذارد. فضاهای دوردست و عمیق پر از پرتوهای ناشناخته و قوی مثل پرتوهای کیهانی است که از خارج منظومه شمسی نشات گرفته‌اند. به این تشعشعات قوی و ناشناخته باید بادهای خورشیدی را نیز اضافه کرد که در واقع ذرات منتشر شده از خورشید هستند.»

شهرت میکی ماوس را پیدا نکنند اما قطعاً تاثیر خود را بر تاریخ تحقیقات فضایی خواهند گذاشت.

این موفقیت علمی که خبر آن یازدهم ژوئن در نشریه Sciences Advances منتشر شد، اطلاعات جدید و یافته‌های ارزشمندی را به دنیای علم عرضه می‌کند.

دانشمندانی که در این پروژه مشارکت داشته‌اند، در گزارشی اعلام کردند: «ناسا و سازمان‌های متعدد دیگری ماموریت‌های سرنشین دار به سیاره مریخ را مد نظر قرار داده‌اند. این احتمال وجود دارد که در آینده‌ای نه چندان دور انسان به مدت چندین نسل در کنار دام‌ها و حیوانات دیگری مثل سگ و گربه در اقامتگاه‌های فضایی یا روی



دانشمندان دانشگاه یاماناشی Yamanashi موفق شدند با استفاده از اسپرم‌های یخ زده موش که به مدت شش سال در ایستگاه فضایی بین‌المللی نگه داری شده بودند، موش‌های سالم تولید کنند.

به گزارش هفته، به نقل از پایگاه اینترنتی نومراما، شاید موش‌های کوچک و جالب تولیدشده در این فرایند عجیب،





## چگونه درست تصمیم بگیریم؟

تصمیمات ما همیشه نقش بسیار مهمی در زندگی حال و آینده‌مان داشته و وضعیت ما را در شرایط مختلف رقم می‌زند. مهارت تصمیم‌گیری یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که به ما کمک می‌کند تا در موقعیت‌های مختلف منطقی عمل کنیم. در این مهارت بایستی پیامدهای یک عمل را قبل از شروع به انجام آن بررسی کرده و بتوانیم به‌گونه‌ای عمل کنیم که پشیمانی و ضرر کمتر و سود بیشتری به همراه داشته باشد. در زندگی روزمره افراد به‌طور مداوم در حال تصمیم‌گیری هستند، اما به‌واقع می‌توان گفت که برخی از تصمیم‌گیری‌ها می‌توانند تصمیم‌گیری‌های نادرستی باشند که آسیب‌های زیادی به همراه دارند.

برای انجام یک تصمیم درست باید بتوانیم ارزیابی درستی از نتایج احتمالی آن داشته باشیم، مسئولیت آن را به عهده بگیریم و احتمال موفقیت یا شکست آن را تا جایی که می‌توانیم بررسی کنیم.

مسئولیت و نتیجه یک تصمیم بایستی به عهده فرد تصمیم‌گیرنده باشد، زیرا انتخاب‌ها چه در زندگی شخصی و چه در محیط کار، گاهی می‌تواند مهم و حیاتی باشد.

زیربنای تصمیم‌گیری، تفکر خلاق و نقاد است، به این صورت که بایستی خلاقانه تفکر کرد و هر آنچه می‌بینیم و می‌شنویم را به‌نقد کشید. ناتوانی در مهارت تصمیم‌گیری منجر به تصمیم‌گیری‌های اشتباه و بعضاً عملکردهای مضرانه در زندگی می‌شود. تصمیم‌گیری عقلانی کوششی است برای یافتن راه‌حل مشکلات. در تصمیم‌گیری عقلانی، یافتن پاسخ رضایت‌بخش ممکن است ضرورتاً بهترین راه نباشد، بلکه انتخابی است که با توجه به شرایط واقعی زندگی و محدودیت‌ها انجام می‌گیرد.

در زمانی که تصمیم‌گیری انتخاب بین دو یا چند راهکار مختلف باشد، خیلی سخت و پیچیده خواهد بود، ولی گاهی گرفتن یک تصمیم شامل انتخاب بین راه‌حل‌های گوناگون برای یک موضوع مهم در زندگی است که در این مواقع بایستی با استدلال و بررسی اساسی و سود و زیانی کردن راه‌حل‌ها صورت گیرد. تصمیم‌گیری درست و منطقی نشانه‌ی رشد عقلی،

شده که قدرت تصمیم‌گیری خود را از دست بدهیم. لذا ضروری است که مهارت تصمیم‌گیری را به‌طور درست و اصولی آموخته و در خود تقویت کنیم.

### انواع تصمیم‌گیری

۱. تصمیم‌گیری احساسی: در تصمیم‌گیری احساسی زیربنای تصمیم‌ها، احساسات و هیجانات افراد است که گاهی ناآگاهانه و گاهی ناآگاهانه پیش می‌آید.

هیجانات و احساساتی مانند ترس، شرم، خشم، اضطراب، احساس گناه یا حسادت در تصمیمات ما تأثیر گذاشته و می‌تواند پایه و اساس تصمیم‌گیری‌ها قرار بگیرند و نتیجه یک عمل را با اشکال مواجه کنند.

۲. تصمیم‌گیری با تعویق: در این نوع تصمیم‌گیری فرد سعی می‌کند تا آنجا که امکان دارد از تصمیم‌گیری طفره رفته، وقت را هدر داده و آن را به تعویق بیندازد. کار امروز را به فردا انداختن نمونه بارز این نوع تصمیم‌گیری است. زیربنای تصمیم‌گیری با تأخیر، ترس، اضطراب یا ایدئال‌گرایی است.

۳. تصمیم‌گیری مطیعانه: در واقع در این نوع تصمیم‌گیری، فرد خود تصمیمی نمی‌گیرد، بلکه مطیعانه تصمیمی که دیگران گرفته‌اند را اجرا می‌کند.

عدم تفکر، اهمال‌کاری، بی‌خیالی، طفره رفتن و شانه خالی کردن از کارها، باعث می‌شود در نهایت برایمان تصمیم‌گیری کنند و ما کورکورانه اجرا کنیم، بدون در نظر گرفتن عواقب و پیامدهایش.

۴. تصمیم‌گیری تکانشی: در این نوع تصمیم‌گیری، افراد بدون فکر کردن، به‌صورت ناگهانی و عجولانه تصمیم خاصی را می‌گیرند. تصمیمات تکانشی همیشه با عجله و شتاب همراه بوده، افراد فرصت فکر کردن نداشته و پیگرد آن ضررهای زیادی می‌بینند.

۵. تصمیم‌گیری منطقی: تنها تصمیم‌گیری درست و سالم، تصمیم‌گیری منطقی است که بر اساس تفکرات خلاقانه و نقادانه است. در این نوع تصمیمات ارزیابی‌ها درست و اساسی صورت می‌گیرند، تمامی جوانب سنجیده شده و ضرر و زیان‌های تصمیم و نتایج آن بررسی می‌شوند و افراد خود مسئول تصمیمات خود هستند.

عاطفی، اجتماعی و روانی افراد است، بنابراین برای افرادی که به چنین رشدی نرسیده‌اند، تصمیم‌گیری سخت بوده، گاهی سردرگمی دارند و دیگران را بر آن می‌دارند که برای آنان تصمیم بگیرند.

با ارتقاء مهارت تصمیم‌گیری، افراد احساس رضایت بیشتری کرده، اعتمادبه‌نفس بالاتری خواهند داشت و از کیفیت زندگی بهتری بهره‌مند خواهند شد.

پذیرش مسئولیت انتخاب‌ها و تصمیمات همیشه بار سنگینی بر فرد تصمیم‌گیرنده می‌گذارد و ممکن است که باعث شود تصمیم‌گیری به تعویق بیافتد یا تصمیمات را با خطا مواجه کند، بنابراین افراد می‌بایستی شهادت گرفتن تصمیم و انتخاب را در خود تقویت کنند.

عواملی همچون دانش و آگاهی و اطلاعات جمع‌آوری شده، فشارهای اجتماعی، فرهنگ و آداب و رسوم، عرف و قانون جامعه، نقش و جایگاه اجتماعی، فشار همسالان و گروه، عقاید، ارزش‌ها، احساسات و باورهای درونی هر شخص، سن و جنسیت، آرزوها و تمایلات و همچنین رسانه‌ها می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های ما تأثیرات زیادی بگذارند.

اگر بخواهیم در موقعیت‌های حساس و مهم زندگی تصمیم منطقی بگیریم، باید مهارت تصمیم‌گیری را که یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی است، یاد بگیریم و بدانیم چگونه از بین گزینه‌هایی که داریم بهترین گزینه را انتخاب کنیم.

بالا بردن مهارت خودآگاهی و مهارت حل مسئله، در نظر گرفتن تمامی جوانب زندگی، کنترل احساسات زودگذر، شناخت درست و منطقی از مسئله، مشورت کردن با افراد آگاه و متخصص، عدم دخالت افراد ناآگاه، آگاهی از پیامدهای مثبت و منفی یک تصمیم‌گیری، داشتن شهادت و کارایی لازم در اجرای تصمیمات و هدف‌گذاری‌های کوتاه و بلندمدت ما را در اجرای این مهارت اساسی و مهم یاری می‌دهد.

گاهی ما در شرایط مختلف و دشوار، احساس می‌کنیم نمی‌توانیم تصمیم منطقی و به‌جایی بگیریم و گاهی نیز به دلیل تصمیمات اشتباهی که در گذشته داشته‌ایم، به خود اطمینان نداریم و همین امر موجب



**محمود رحیمزاده**  
مشاور رسمی املاک در مونتreal و حومه

هدیه ما به خریداران عزیز: هزینه محضر برای خریداران عزیز رایگان خواهد بود

- خرید و فروش و اجاره املاک
- ارزش گذاری رایگان ملک شما و مشاوره رایگان
- همراهی در نوبه بهترین وام بانکی و بازرسی فنی ساختمان

cell.514.677.3900  
m.zadeh@remax-quebec.com  
Courtier immobilier residentiel



**Mahmoud Rahimzadeh**

**ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.**

انجام امور مالیاتی به صورت Online با حضوری  
با توجه به انتخاب شما

**(514) 225 3500**

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفتری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزایی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس



**Iraj Mohammadi**  
(514-625-6292)  
CPA Candidate

**Mojdeh Miri**  
(514-562-3493)  
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd. Montreal, QC H4B 2L9  
http://elanaccounting.ca  
info@elanaccounting.ca

**استاد شیدا قره چه داغی**  
**اهنگساز پیانیست**

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد  
جهت آماده شدن برای امتحان های  
دانشکده ها یا مدارس عالی  
موسیقی و کنسرت



**514 484 8748**  
sheida.g@hotmail.com

**صابر جلیلزاده**

**آموزش سنتور**

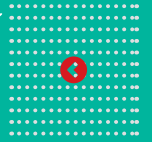
ابتدایی  
مقدماتی  
ردیف



saberjalilzadeh@yahoo.ca **514-549-4697**



# آریانا



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca

## هفته

www.hafteh.ca

را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@Hafteh.ca

@Journal\_Hafteh

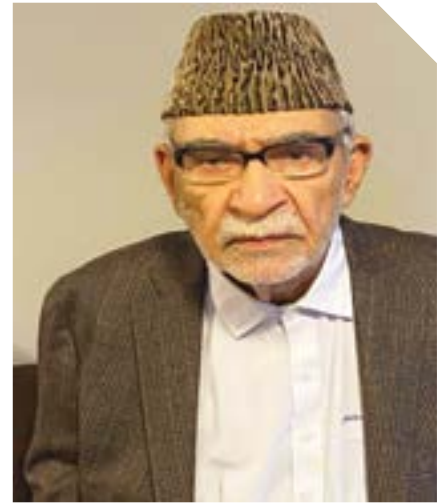
@HaftehMontreal

@HaftehWeekly



# داستان تولد یک ورزش مردمی در کابل

## گفت‌وگو با محمد آصف عطا قهرمان قدیمی کاغذپرانی



▲ محمد آصف عطا

صرف کاغذپران را می‌پراندند و از جنگ‌اندازی آن خبری نبود تا اینکه همان افسرعلی شیشه زنی تار را رواج داد.

\*\*\*

**جناب محمد آصف، یک قهرمان گدی‌پرانی چگونه خودش را معرفی می‌کند؟**

نامم محمد آصف فرزند سید محمد، سال تولدم ۱۳۱۵ خورشیدی است. در شوربازار کابل، گذر علی‌رضا خان بدنیا آمده‌ام. در مکتب صنایع کابل تا صنف نهم در رشته خیاطی درس خواندیم و در سال ۱۳۳۳ فارغ التحصیل شدیم بعد از فراغت از مکتب تکلیف سردردی برایم پیدا شد، باز دوکان قرطاسیه فروشی داشتم و بعداً دوکان تار و کاغذپران فروشی باز کردم. مدت چهل سال به هر دو شغل مشغول کار بودم.

**در ساختن گدی‌پران‌ها کی‌ها کمک تان می‌نمودند؟**

دوست‌هایم کمک می‌کردند. ۷-۸ نفر بودند که یکجا با فامیل‌های‌شان برای ما گدی‌پران می‌ساختند و اجرت کار خویش را می‌گرفتند. تا جایی که به یاد دارم؛

- محترم محمد یونس و فامیلش روزانه ۴۰۰ عدد گدی‌پران ماهی‌گک می‌ساختند.

- محترم فدا محمد از طرف شب ۲۰۰ تا نیم تخت‌های می‌ساخت و روزانه برای ما می‌آورد.

- جناب پاینده محمد حدود ۱۰۰ تا سه پرچه هر روز برای ما می‌آورد.

- جناب محمد وکیل ۷۰ تا چهار پرچه روزانه ساخته تحویل ما می‌داد.

به همین ترتیب ۵، ۷، ۱۰ پرچه را اجوره کاران ساخته روزانه به ما می‌آوردند. تعداد فرمایش گدی‌پران‌های سایز بزرگ اندک بود.

در میدان‌های گدی‌پران‌بازی، گدی‌پران سازان چون؛ محمد حسین، خلیفه جلال و محمد شریف گدی‌پران‌های خویش را می‌آوردند و بفروش می‌رساندند. مواد اولیه گدی‌پران از

گدی‌پران، پرچه و تار بود که بنام دکان کاکا آصف یاد می‌شد. «هفته» یک مصاحبه‌ی اختصاصی با جناب محمد آصف عطا انجام داد، که تقدیم شما عزیزان می‌گردد.

اظهار سپاس از جناب هارون عطا و همسر گرامی‌اش خانم عابده عطا که مرا در جهت تهیه این مصاحبه کمک نمودند. همچنان تشکر از جناب احمد صمیم صمیمی رئیس انجمن ورزشکاران افغان - تورنتو کانادا که معلومات را برایم ارسال نمود.

\*\*\*

محمد آصف عطا از گدی‌پران‌بازهای قدیمی (کاغذپران‌بازان‌های) قدیمی کابل است. او درباره

تاریخ این ورزش مردمی افغانستان می‌گوید: گدی‌پران بازی بیشتر از صد سال بدینسو در افغانستان رواج یافته است. موقعی که ماشین‌خانه کابل آباد و ماشین‌های آن نصب گردید. یک عده کارگرهای هندی که حیثیت مکانیک به اصطلاح مردم (مستری) را داشتند و به کارهای چاپ، ضرب و آهنگری ماهر بودند به کابل استخدام شدند که از جمله مستری افسرعلی و چراغ‌علی هم بود.

افسرعلی در امور طبابت بلدیت داشت و چراغ‌علی ریزه‌کار بود که کاغذپران را در کابل رواج داد. او از کاغذ و نی (بانگس) به نام پتنگ (گدی‌پران که معادل لغت پتنگ در زبان اردو است) می‌ساخت و آن را در هوا رها می‌کرد. ساختمان آن تقریباً مانند یک قطعه مکعب بود که هر ضلع آن از بیست تا پنجاه سانتی متر بود. اول از نی یا بانگس اسکلیت آن را می‌ساخت و بعد اطراف آن را با کاغذهای رنگه و سرش کاهی می‌پوشانید. خلیفه بهاء‌الدین شاگرد افسرعلی بود. پتنگ‌های عجیب می‌ساخت... او در کابل شهرت زیاد پیدا کرد.

پتنگ بازی و پتنگ‌پرانی مانند کاغذپران‌بازی کار هر کس نبود و صرف افسرعلی، خلیفه بهاء‌الدین و خلیفه محمد علم رنگریز از پتنگ‌بازان آن زمان بودند. چون پتنگ‌بازی عام شده نتوانست، لاجرم از رواج افتاد و جای آن را کاغذپران گرفت. در ابتدا

یادی از گذشته‌های خاطره‌انگیز و فراموش‌ناشدنی شهر و دیار ما، این بار قصه‌ها و افسانه‌های شیرین از کابل و کابلیان است. می‌رویم به گذشته‌های دور، سیری در کوچه‌ها، پس‌کوچه‌ها و گذرهای کابل قدیم می‌کنیم. شهری که هزاران فرزند رشید، باسواد، ورزشکار، هنرمند، دلیر، شجاع، خدمت‌گزار، کاکه و عیار را به دامانش پروانیده بود.

جنگ‌افروزان نگذاشتند که مردم کابل به زنده‌گی روزمره و با همان فرهنگ دست‌داشته‌ی خویش زنده‌گی کنند. بخاطر طمع و حرص قدرت؛ کابل زیبا را ویران کردند، باشنده‌گانش را کشتند و عده‌ی دیگر از آن‌ها را آواره و مجبور به ترک وطن نمودند.

خاطره و سرگذشت مردی از کوچه‌ی شوربازار کابل را بیان می‌کنیم که کابلیان در چند دهه به نامش آشنا بودند و هنوز هم او را بخاطر دارند. بعضی از دوستان می‌خواستند بدانند که او در کجا زنده‌گی می‌کند چه فعالیت دارد و ...

به گذشته‌های خاطره‌انگیز کابلیان آسیب دیده، مهاجر و ... که در دهه هفتاد خورشیدی، ترک خانه و کاشانه نمودند نظری می‌اندازیم. سفری به گذشته‌های دور نموده، از پل خستی، جاده، چوک، پائین چوک و ... که می‌گذشتید به اول شوربازار می‌رسیدید؛ آنجا دکان مشهور



اهدای کاپ قهرمانی گدی‌پران بازی برای محمد آصف عطا از طرف ریاست المپیک، کابل افغانستان

هایم را در سر بام‌ها و «بام بوتی‌ها» بلند می‌کردم. آهسته آهسته در میدان کاغذپرانی رفتم. گدی‌پران بازی تنها ذوق یا بازی دلخواه من نبود بلکه بیشتر جوانان و مردان به آن دلچسپی داشتند. روزهای جمعه ده‌ها نفر اشتراک و صدها نفر برای تماشا در میدان‌های گدی‌پران بازی جمع می‌شدند. گدی‌پران بازی از طرف ریاست المپیک به حیث یک بازی سپورت تفریحی نام گذاشته شد.

آن زمان مسابقه‌های بین گدی‌پران‌بازان مشهور شهر کابل براه انداخته شد. همه در میدانی کمپنی کابل رفتیم. رئیس المپیک کابل مرحوم سردار آغا همراه با دو پسرش به نام‌های عبدالله جان و عمر جان و دیگر داورها آمده بودند، جریان مسابقه چنین بود:

بسیست نفر در مسابقه شرکت نموده بودند، به دو گروه ده نفری تقسیم شده به مسابقه پرداختند. من از دیگران پیش بودم یعنی در مرحله نهایی رسیدم، تا اینکه یک نفر بنام محترم خلیفه غلام در مقابل من برای کسب مقام قهرمانی قرار گرفت. لحظات هیجانی سپری شد بعد از ده دقیقه گدی‌پران خلیفه غلام بریده شد و برنده مسابقه گدی‌پرانی من شدم و مدال المپیک را بدست آوردم.

ناگفته نباید گذاشت که من تازه شاگرد خلیفه برات شده بودم، خلیفه برات استادم، چنان تازی را برم شیشه زد که با آن مسابقه را بُردم و گدی‌پرانم ساخت حسین بچه ناظر بود.

برای خلیفه غلام، مستری باز محمد تار را شیشه زده بود و عثمان برایش گدی‌پران ساخته بود. تا جایی که به خاطر دارم اشتراک کننده‌گان آن مسابقه این بزرگواران بودند: مستری باز محمد، خلیفه غلام، خلیفه عبدالرحمن، عثمان بیجو، خلیفه اسلم، خلیفه ستار، عبدالرشید، محمد صدیق و باقی عزیزان اسم‌شان فراموشم شده است.

از کدام جاها برای تهیه گدی‌پران، تار

می‌توان از ماهی گگ، نیم تخته، سه پرچه، چهار پرچه، پنج پرچه، هشت پرچه و ده پرچه نام برد.

اشکال کاغذپران‌ها: بدین شکل گدی‌پران‌ها را دیزاین و طراحی می‌نمایند؛ صورتی، کله گنجشکی، واسکتی، دو تکه، سه تکه، کشمیره شطرنجی، چشمک، بیرقی و غیره که چند رنگ کاغذ را برش نموده و پارچه‌های کاغذ را مطابق ذوق و طرح تعیین شده سرش می‌نمایند.

### چی فصلی و کدام محلات در کابل برای گدی‌پران بازی مساعد بود؟

برای کاغذ پرانی میدان‌های وسیعی لازم است. بام‌های خانه‌ها و روی سرک‌ها برای این بازی قطعاً مناسب نیست و خطرات بزرگی در قبال دارد. در سابق هر کس از بالای بام خود کاغذ پران را به هوا می‌کرد ولی آهسته آهسته میدان‌های وسیعی مانند: سیاه سنگ، دامنه علی آباد، چمن حضوری، تپه‌های شهر کابل، چمن ببرک، کمپنی و سایر جاهای دیگر را برای کاغذ پرانی انتخاب می‌کردند و فصل کاغذ پرانی، معمولاً در فصل خزان گدی‌پران بازی شروع می‌شد. اما در شروع ماه حوت به مدت ۴ هفته در میدانی کارته سخی از تمام نقاط شهر کابل برای گدی‌پران بازی جمع می‌شدند. میله دهقان هم در همین ساحه برگزاری می‌شد که با گدی‌پرانی و دیگر بازی‌ها جمع و جوش زیادی داشت.

محل دیگر که آن ۴ هفته را در برمی گرفت در دامنه کوه خواجه صفا، سرکاربز بود. که فصل گل ارغوان و یکی از بهترین تفریحگاه و میله جای کابلیان شمرده می‌شد. بعد از آن گدی‌پران بازی بطرف دامنه شهدای صالحین کشیده می‌شد. به مرور زمان گدی‌پران بازی در منطقه کمپنی طرف غرب کابل، باغ بابر و بهترین جای باغ بالا بود کشانیده شد.

### این بازی چطور به المپیک کابل راه یافت و شما برنده مقام اول شدید؟

از کودکی شوق کاغذپران را داشتیم. گدی‌پران



هارون عطا



انواع گدی‌پران به رنگ‌ها و طرح‌های مختلف

هندوستان وارد می‌شد.

### شیشه زنی تار چگونه صورت می‌گرفت؟

اجزای اساسی تار شیشه عبارت است از شوله برنج لک، میله گی شیشه، گند، ناشسته، پیچ پلی، پلاس پلی و ...

طرز ساختن این مصالح: شیشه را می‌کوبیدند و از صافی می‌گذشتانند، پودر شیشه را بدست آورده بعد قدری برنج لک در آب جوشانده در بین آن گند را مخلوط کرده از یک پارچه شیره آن را می‌کشیدند. که به اندازه خمیر غلظت داشت و پودر شیشه را با قدری رنگ شیرین و اجزای دیگر در آن مخلوط می‌کردند. بعد در یک دیوار هموار چند دانه میخ که فاصله‌های عمودی آن ده سانتی و فاصله افقی آن دوازده الی پانزده متر بود فرو می‌بردند و سپس یک نوک تار نختک را که برای شیشه زدن مناسب بود در کله میخ حلقه دوانک می‌کردند و تار را به میخ دیگر بند کرده و پنج قطار تار را ازین میخ به آن میخ می‌دوانیدند، همین طور پنج قطار را در میخ دیگر. بعد خمیره را گرفته روی تار می‌مالیدند. بعد از اینکه تار خشک می‌شد آن را در چرخه‌ها می‌پیچانند و مورد استفاده قرار می‌گرفت.

نوعی دیگر شیشه زدن دوله‌ای بود. یعنی مصالح ساخته شده را در بین یک دوله انداخته و سر دوله را به قدر یک سوزن سوراخ کرده از همان سوراخ نوک تار را کشیده و در میخ‌ها می‌پیچانند ...

باید گفت که هر شیشه برای شیشه زدن مناسب نبود، بلکه بوتل‌های بادامچه یا بوتل‌های آب ولایتی مناسب بود. در خوبی و برشناک بودن تار تنها شیشه خوب نقش نداشت، بلکه مهارت شیشه زن هم نقش داشت که چه مقدار مصالح را روی تار بمالد. هم‌چنین در موقع جنک تار دادن و کش کردن و ساختمان کاغذپران نقش مهم داشت.

### می‌توانید درباره انواع کاغذپران توضیح بدهید؟

کاغذپران‌ها انواع و نام‌های مختلف دارند، که



اهدای کاپ قهرمانی گدی پرن بازی برای محمد آصف عطا از طرف ریاست المپیک، کابل افغانستان

جناب هارون عطا پسر استاد عطا، رشته‌ی سخن را بدست گرفته گفت: ما چهار برادر بودیم یک برادر جوان ما که در تاجیکستان زنده‌گی می‌کرد، همان جا به رحمت الهی پیوست... یک خواهر داریم، همه ما تشکیل خانواده نموده و در همین شهر زنده‌گی می‌کنیم.

من و همسر با پدر و مادرم یکجا زنده‌گی می‌کنیم. پدرم از کار گدی پرن بازی دست کشیده؛ اما من راه او را ادامه می‌دهم.

وقتی کانادا آمدیم شامل کورس‌های زبان انگلیسی شدم. اکنون در یک رستوران کار می‌کنم. در پهلوی آن روزهای شنبه به کار گدی پرن، تار و شیشه درست کردن در خانه مصروف می‌باشم و همچنان همراه با دوستانم به کاغذ پرن بازی می‌روم. افغان‌های عزیز من علاقه مند این بازی هستند و همیشه نزد ما می‌آیند گدی و تار می‌خرند. ما در پارک « کچنر » برای کاغذ پرن بازی می‌رویم یک تعداد از طرف های، تورنتو، مسساکه، هملتون آن جا می‌روند. از طرف صبح ما آنجا می‌رویم. جای صبح و نان چاشت را نیز در آنجا تیار می‌کنند. جناب حاجی حبیب مسئول پیش برد همین پروگرام است. او کاغذ پرن باز و سر گروپ است. یک نفر به نام زبیر جان آشپزی می‌کند. همگی از خود تار، چرخه و کاغذ پرن دارند. بعضی‌ها از هند، لاهور پاکستان و افغانستان برای خویش تار و چرخه فرمایش می‌دهند و تنها حاجی حبیب از تارهای خود استفاده می‌کند و من برایش تیار می‌کنم، مثل برادر و بسیار دوست نزدیکم است.

صفحه فیسبوک هم است به نام هارون عطا افغان کایت. تمام عکس‌های تار و کاغذ پرن آن جا است. کسانی که علاقه زیاد برای تار و کاغذ پرن دارند می‌توانند در آن صفحه ببینند و با من در تماس شوند. Haroon Atta Afghan Kite

جناب محترم محمد آصف عطا از شما سپاسگزاریم.

پاکستان مهاجرت کرده آنجا اقامت گزیدیم. در زمان جنگ و ویرانی کابل دوکان ما در شوربازار چور شد و در خانه ما که در چوک دهبوری موقعیت داشت راکت اصابت کرد و ما جبراً خانه و کاشانه‌ی خویش را رها کرده برآمدیم. در اسلام آباد در بازار پیشاور مور- خواجه مارکیت دکان گدی پرن بازی باز کردیم مدت پنج سال مصروف همین کار بودیم تا به کانادا آمدیم. از شهر پیشاور منطقه حیات آباد افغان‌های عزیز ما نزد ما می‌آمدند می‌خریدند و طور عمده هم می‌بردند. فرمایش افغان‌های گرامی خویش را از امریکا نیز می‌پذیرفتیم. سال دو هزار میلادی به کانادا آمدیم و در تورنتو - همیلتون زنده‌گی می‌کنیم.

### پیام یا گفتنی آخری دارید بفرمائید بگوئید؟

گفتی‌ها زیاد است اگر بگویم گپ به درازا می‌کشد. فقط به دو موضوع می‌خواهم اشاره کنم:

\_ از هموطنان عزیز من که در داخل و خارج کشور زنده‌گی می‌کنند تمنا دارم که عدوات، کینه و دشمنی را دور کرده صلح، آرامش و دوستی را برقرار کنند و در عالم مهاجرت و دوری به وطنداران خود می‌گویم که بی‌اتفاقی و تعصب و دوری جستن از خانواده و مردم خویش را کنار بگذارید.

در عالم مهاجرت بی‌اتفاقی و جدایی از همدیگر نباید باشد و خانواده‌ها از هم دور نشده و روز بروز فاصله نگیرند. آرزویم اینست که خانواده ها، فامیل‌ها و در مجموع افغان‌های عزیز من همیشه دور هم و متحد باشند.

\_ موضوع دوم اینکه: جنگ و برادر کشی در وطن، مردم را از شهر و دیارشان دور ساخت. در مهاجرت شرایط زنده‌گی بهتر برای افغان میسر شده، اما عده‌ای از وطنداران ما که در داخل کشور بسر می‌برند در شرایط فلاکت بار و فقر زنده‌گی می‌کنند. خواهشم اینست که آنها را از یاد نبرده دستگیری و کمک کنید.

### و چرخه نزد شما می‌آیند؟

از مناطق مختلف شهر کابل یعنی شهرنو، کارته پروان، کارته سه، قلعه شهاده، تایمنی، مکروریان‌ها و در مجموع می‌توان گفت از همه نقاط شهر کابل. اکثر محلات شهر کابل از ما تار، کاغذ پرن، شیشه و مصالح تار می‌خریدند. در فصل زمستان کابلیان ما طرف جلال آباد می‌رفتند، بخاطری هوای گرم و نزدیک بودن اش با کابل. میله‌ی مشرقی خوب نام داشت. در منطقه پل بهسود و دیگر تفریح گاه‌ها گدی پرن بازی رونق خوبی داشت. مردم از ما گدی پرن، چرخه و تار می‌خریدند و با خود به جلال آباد می‌بردند. اکثر جوانان کابل بخصوص آواز خوان‌های آن وقت مثل مرحوم احمدظاهر، محترم جواد غازی یار و ... از دکان ما چرخه، تار و گدی پرن می‌بردند. علاوه‌ا کسانی که در زمستان به سمت قندهار سفر می‌کردند طور عمده و پرچون گدی پرن، تار و ... از ما می‌خریدند.

### در شهر کابل همان وقت کدام اشخاص

در کدام محلات دکان گدی پرن داشتند؟ یکی دکان خودم بود تا جایکه بیاد دارم؛ صاحب گل مشهور به بچه حاجی، بابی، نام کاکا حنیف، نور محمد، کاکا دستگیر، مجیدی و کاکا گل آغا. همه‌شان در سنگ تراشی شور بازار کابل بودند، که فعلاً هم همه دوکان‌ها در همان جا هاست. چند دوکانی که کاغذ پرن فروش بودند همه با هم رفیق و دوست بودیم کدام رقابتی وجود نداشت.

### خاطره و قصه‌ی جالب که تا حال فراموشت نشده باشد؟

گذشته‌های کابل و کابلیان همه اش برایم قصه‌ها و خاطرات شیرین بوده اند. دوستی، صمیمت، برادری و احترام در جامعه حکم فرما بود. قصه‌ی از مرحوم صوفی عشق‌قوی شاعر فرهیخته، شیرین کلام و زنده یاد را می‌خواهم بیان کنم؛ در کوچه شوربازار مقابل دوکان ما دوکانش بود. همیشه جهت ادای نماز به مسجد نزدیک محل ما می‌رفت و از مقابل دکان ما می‌گذشت. روزی از دکانش بطرف مسجد روان بود و متوجه عکسی شد که من تازه گرفته و آن را به دکان آویزان کرده بودم مقابل دکانم ایستاد و بطرف عکس نظری انداخته فی البدیهه این شعر زیبا را گفت:

یار بازی گوش من کاغذ پرانی می‌کند  
از غرور حسن کار آسمانی می‌کند

### تهاجم به شهر کابل شما را نیز مجبور به ترک دیار کرد و مهاجر شدید؟

در سال ۱۳۷۱ ابتدا از کابل راهی شهر جلال آباد شدیم سه سال در کمپ‌های مهاجرین سپری کردیم بعد از آن در شهر اسلام آباد پایتخت کشور





# نفرین بر این جنگ



اگر جنگ شری سازمان یافته است، صلح یک انتخاب پرخیر و برکت است. به همین نیرنگ صلح آمد و صلح آمد زخم‌های التیام‌نیافته‌ای مردم افغانستان بابتی دروغین صلح بنداژ می‌شود.

جنگ ذاتاً خشونت سازمان یافته و بزرگ‌ترین سبب قتل و تباهی سیستماتیک است و نه تنها یک جامعه را به نابودی کشانده بلکه بیش از یک نسل را از آرامش و زندگی طبیعی محروم می‌سازد. علاوه بر این هر جنگی روح و روان مردم سرزمین جنگ‌زده را متضرر می‌سازد. از این جهت فرقی ندارد که ابزار آن بمب هسته‌ای باشد یا تیروکمان. از قدیم گفته‌اند: «جنگ‌افروزی بل کردن آتشی است که خشک و تر را یکجا می‌سوزاند.» جنگ ولو هر نوع توجیه‌ای داشته باشد زمانی که آغاز می‌گردد، محدودیت‌های اخلاقی، انسانی و قانونی را با استفاده از زور از بین می‌برد و در جنگ باصطلاح عام؛ نان و حلوا پخش نمی‌شود. تعدادی از مردم با این باور هستند که رفتن به سوی جنگ تولید آرامش و آسایش برای آینده‌ای اطفال است تا مصون بمانند. ولی نمی‌شود یک مسئله را انکار کرد که جنگ در هر چرخش خود قانون را به چالش می‌کشانند، حاکمیت قانون را تحت تأثیر قرار داده و قدرت را متمرکز به بخش اجرایی دولت و سیاست می‌سازد.

با تأسف در افغانستان تقریباً پنج دهه جنگ باعث شده است که محاط در قوه‌های اجرائیه شده و در تطبیق آن دولت عجزش را بر ملا بسازد. قوانین طرح شده در افغانستان تحت شعاع خانمان سوز جنگ به یخ نوشتن و در آفتاب ماندن است.

بناءً در افغانستانی که تطبیق قانون امکان پذیر نیست مردم در یک بن بست عجیب قرار گرفته و در تفکیک راه از چاه دچار سردرگمی باورنکردنی شده‌اند. تعدادی ثبات و اعتمادش را از دست داده و عده‌ای از عدم تطبیق قانون سوء استفاده می‌نمایند و از آب گل آلود ماهی می‌گیرند. بالای افراد ناتوان ظلم روا داشته و به شیوه بسیار واضح استثمار و استعمار را رواج می‌دهد و اقویاً ضعفاً را قوت می‌دهند. بی اعتمادی و ناباوری خشت، خشت کاخ خانواده‌ها را موربانه‌وار می‌خورد و در ویرانی زربنای ارزش‌های چندین ساله‌ای کشور و خانواده‌ها که قبلاً به آن استوار بوده‌اند ضربه‌ای فراموش ناشدنی می‌زند و آینده‌ای اعضای خانواده به‌خصوص اطفال فامیل را به نابودی می‌کشاند.

مردان خانواده، زنان و اطفال را وسیله معیشت خویش قرار داده و بقای خود و خانواده‌ای خود را در تپ و تلاش فردفرد خانواده مضمحل می‌دانند. همه به یک بی‌ثباتی عجیبی گرفتارند که حتی باورمند به این نیستند که خداوند بر آنها روزی‌شان را وعده داده است و عمرشان را تا میعاد معینه تضمین نموده است. همه در هراس از دست دادن هستند. همه با وجود داشتن امکانات زندگی دستپاچه‌اند و از فردای خود هراس دارند که گرسنه نمانند و بقایشان به چالش کشانده نشود.

اینکه چی کسی پاسخگو باشد و برای جنگ پنج ده افغانستان توجیه‌ای منطقی ارائه نماید، سوالیست که آدم را در یک بن بست کلافه کننده ای می‌رساند. در حالی که خشونت سازمان یافته ای جنگ افغانستان ازین‌های عظیم بر زندگی، آزادی و رفاه ملت بی‌دفاع افغان تحمیل نموده است و حتی بار عقلائی برای توجیه را بی‌اعتبار ساخته است. تفکیک ملامت و سلامت را مشکل ساخته است. عدالت پامال شده و هیچ کسی هر گز به خاطر آنچه بالای قربانیان انجام داده‌اند؛ پاسخگو نیستند. حالانکه همه می‌دانند که جنگ ویرانگر است، جنگ آورنده ای مرگ، معلولیت، معیوبیت و تباهی است، دشمن آزادی، اعتماد و باورهای ارزشی است.

مردم سرزمین من هرگز به فضایل صلح نه اندیشیده و باورمند نیستند. همکاری و رواج دادن تولید و پیشرفت صنعت، تجارت و خودکفایی، علم و دانش، زیبایی و دوستی، آزادی و عدالت از جمع قربان شده‌های هستند که زمان پشت سر گذاشتن گناهان جنگ، برخورد و تباهی، غارت و مصادره، سانسور و خفقان، نفرت و انتقام و حتی وحشت افزایی اجباری و بی‌قانونی را باعث شده است.

آیا این اتفاقات آماری همانند قمارباز خوش‌شانسی را که اطمینان کامل از آمدن صلح بعد از تقریباً چند دهه را بدهد وجود دارد؟ آیا زمان آن خواهد رسید که هزینه‌های انسانی جنگ را محاسبه نمایند؟ آیا این یک تعطیل با چرخه‌ای بی‌رحم جنگ نیست؟ وقت هدر دادن و فریب دادن مردم متضرر از جنگ نمی‌باشد؟ آیا آرامش قبل از طوفان نیست که موقع پرتاب پلایته ای گوگردی بر خرمن هستی بقیه افراد کشور باشد؟ و سرانجام آیا از شعله‌های سرکش این آتش افروخته همسایه‌ها در هراس نیستند که روزی نه روزی دامنگیرشان شود؟

ایمانوال مارتین (Emmanuel Martin) کارشناس اقتصادی و رئیس اجرایی انیستیتوت مطالعات

اقتصادی اروپا روابط همسایگی را طور مشخص به بررسی گرفته که همسایگان نمی‌توانند با بی تفاوتی و نیرنگ‌بازی خودشان را از ضررهای جنگ محافظت نمایند. وی پرسیده: «آیا اگر یک شخص سودی به دست آورد، باید شخص دیگری ضرر کند؟ آیا دست آورد یک ملت با هزینه‌های دیگران محاسبه شود؟ آیا گروه‌های بشری یک مملکت محکوم به جنگ دائمی باشند و ملت‌های دیگر از امان باشند؟ البته چگونگی رابطه میان کشورها متمایز از رابطه میان مناطق و شهرهای داخل کشور نیستند. رابطه‌ای کشوری همانند رابطه‌ای ولایات یک کشور بوده هر دو در نفع و ضرر هم دیگر سهیم هستند.»

طور مثال؛ هنگامی که تولید منجر به تولید می‌شود، رابطه بین دو کشور حل و فصل تولید بوده باعث رشد صنعت و تجارت هر دو مملکت می‌شود. چراکه در تجارت و پایه‌داری اقتصاد کامل عرضه و تقاضا شرط مهم و اساسی می‌باشد. عرضه را چی کسی تقدیم کند و تقاضا چطور تنظیم گردد.

همچنان صلح از جمله شرایط اولیه برای ثروتمند شدن مملکتی بوده و جنگ باعث تباهی همسایگان نیز می‌باشد. جنگ، بازی با حاصل جمع منفی است. ملت‌ها باید این اصل را بیاموزند که هیچ سودی از جنگ نمی‌برند.

چقدر متفاوت می‌بود که ما به جای نفع شخصی خود می‌گفتیم: میلیون‌ها زن، مرد و طفل با باورها و منافع مختلف زندگی می‌کنند و حق هم دارند. آنگاه می‌توانستیم جنگ را توجیه نمایم و صلح را ارجحیت بدهیم. می‌گویند: امپراطوری سازی توسط دولت‌ها نه بلکه توسط افراد صورت می‌گیرد. تحلیل ما این است که چرا اکثریت مردم مصارف جنگ و لوازم مورد ضرورت برای گسترش امپراطوری را پرداخت می‌کنند. بسیار نابجا است که جنگ خود را و یا دامن زده جنگ را در کشورهای همسایه توجیه غیرمنطقی نماییم و بگوئیم کشور X نخست اقدام به جنگ کرد و یا کشور Y پیش تر دست به جنگ زد و من بی گناهم.

درحالی که در حقیقت یک گروه‌ای از افراد به خاطر نفع خود بدون سنجش عواقب بسیار جدی و خطرناکی برای نیابت دیگران تصمیم به جنگ گرفته است، آتش را افروخته است و بر توسعه‌ای آن ناگزیر شده است.

در جنگ افغانستان هرگز همسایه‌ها بی‌گناه نبوده و روزی نه روزی گرفتار آن شدنی هستند که با تأسف خودشان را گول زده‌اند.

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی  
514-624-5609 - 514-655-5609  
bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت  
حسین ترکپور، مددکار اجتماعی

www.psynaquebec.com 514-846-8872



### خاطره تحویل داری یکتا

مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران  
Commissioner for Oaths  
در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها  
گواهی امضاء برابری اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت  
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694  
khaterehyekta@yahoo.ca



## آتوسا تنگستانی فر

همراه با شما در خرید آگاهانه  
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز



سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه قوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041

atosa.tfar@gmail.com

8250boul. De'carie, Suit 150, Montreal, QC H4P 2P5

## Artistic Men Haircut by Sirous



متخصص

مدلهای هنری

برای آقایان

514-240 1493

Growing  
RESPs securely.

(514) 778-7377

Morvarid.Memarianpour@kff-pfs.ca  
www.knowledgefirstfinancial.ca

مشاور تخصصی حساب پس انداز تحصیلی کودکان

(کبک و انتاریو)



Morvarid Memarian

Knowledge first financial Inc.  
sales representative

SOROOR SADR

سرور صدر

خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تاسیس و ثبت شرکتهای

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES  
WITH APPOINTMENT

Gestion Financière Loyale  
5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com



داروخانه، دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060





# خانواده و سرگرمی

info@hafteh.ca | www.hafteh.ca

**هفته**  
www.hafteh.ca

را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@Hafteh.ca @Journal\_Hafteh @HaftehMontreal @HaftehWeekly



	7			5	1			
9				4	7	3	8	
		6		3	2		7	
5			4				8	
	8	4	1		3	7	2	
		1			5			3
	2		7	1			4	
	6	8	5	2				7
			3	6				9

▲ نرمال

		5	3		8			
7			5		4			9
8				2				7
2	5					1	4	
	1						9	
	6	4					7	3
5				8				4
1			7		5			2
			1	2	7			

▲ متوسط

				5		9	8	
		3	7		4	2		
				8				
6				5		1	7	
2				6			3	
5	4		7				9	
			3					
		5	1		2	4		
3	6		8					

▲ سخت

		5			1	9		
					7	8		
4			5		2			1
6	3					4		
1								2
		7					8	6
9			7		6			4
		1	3					
		4	9			7		

▲ خیلی سخت

## مهسا عباس پور

کوکو کدوسبز یکی از انواع کوکو است که در سفره ایرانی جای دارد. این کوکو علاوه بر اینکه غذای سبکی است، پخت آن نیز خیلی فوری انجام می‌شود. کدوسبز کالری بسیاری پایینی دارد و بسیار برای افرادی که چربی خون دارند مفید است. کوکو کدوسبز به علت سبک بودن گزینه مناسبی برای شام است.



## آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

# کوکو کدوسبز



## طرز تهیه:

ابتدا کدو و سیب‌زمینی‌ها را شسته و با پوست آب‌پز کنید. بعد از پخت سیب‌زمینی را بدون پوست و کدوها را با پوست له کرده و تخم‌مرغ و ادویه‌ها را به آن اضافه کنید. تمام مواد را خوب با هم مخلوط می‌کنیم تا مایه ما نه زیاد شل و نه زیاد سفت باشد. روغن را در تابه ریخته و اجازه دهید تا خوب داغ شود. مواد را به شکل دلخواه فرم داده و داخل روغن داغ سرخ کرده و سرو می‌کنیم. نوش جان!

نکته ۱: اگر احساس کردید مواد شما شل شده است می‌توانید با اضافه کردن کمی آرد مایه را سفت‌تر کنید.

## مواد لازم:

- ۱. کدوسبز ۳ عدد
- ۲. سیب‌زمینی ۲ عدد
- ۳. تخم‌مرغ ۳ عدد
- ۴. نمک، فلفل و زردچوبه به میزان لازم

## نکته مثبت هفته

داشته‌های نادانسته‌ی ما بسیار بیشتر از نداشته‌های دانسته‌ی ماست.

توضیح: خانه‌های جدول زیر را با عدد های ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.



## جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

## سخن ستارگان (برای تقن)

فال شما برای ۲۴ تا ۳۰ ژوئن / ۳ تا ۹ تیر



### متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)

همچنان دوست دارید پشت‌صحنه عمل کنید. با این وجود ونوس با حضور در موقعیت شما، به ایجاد روابط اجتماعی با دیگران تشویقتان می‌کند. چراکه نه! حضور ونوس شما را جذاب و باسیاست می‌نماید. این هفته زمان خوبی برای خرید است. مریخ پرشور هم با جایگزینی در خانه پول شما، به سخت کار کردن و کسب درآمد و در عین حال خرج کردن ترغیبتان می‌کند. از اینکه از محل دارایی خود کاری را به انجام می‌رسانید خوشحال هستید.



### متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

برج‌های آتش سه برج هستند و شما یکی از آن‌ها هستید. این هفته مریخ به یکی از این سه برج وارد می‌شود. زمانی که مریخ در یکی از آن‌ها قرار می‌گیرد، شما را همانند پایه سوم یک سه‌پایه حمایت می‌کند. به دلیل آنکه مریخ سیاره انرژی است، در هفت هفته آینده انرژی بسیار بر خوردارید. اعتماد به نفس بالایی داشته و در انجام هر کاری توانا هستید. این برج آتش مرداد است، بنابراین بخش شادی موقعیت شما هم پرانرژی است.



### متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)

همه چیز این هفته برای شما بهتر می‌شود، زیرا مریخ پرشور به موقعیت مرداد می‌آید و با حضور خود فعالیت‌های بسیاری را به شما اهدا می‌کند. تمایل شما را به سخت کار کردن و پیش بردن علایق خود بیشتر کرده و انرژی لازم را برای سخت‌کوشی و دنبال کردن آرزوها به شما می‌دهد. بیشتر از همیشه تبدیل به جنگجویی برای حقوق خود می‌شوید. فقط کمی با دیگران تندی می‌کنید. بهتر است با آن‌ها مهربان‌تر باشید.



### متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)

با تغییر موقعیت مریخ در این هفته، شرایط خانه، خانواده و زندگی شخصی شما پرانرژی خواهد بود. در یک نگاه این حالت خوب به نظر می‌رسد. گویی در دنیای داخلی خود مصمم‌تر هستید؛ اما این انرژی زیاد آشفتگی و تنش را هم در خانه ایجاد می‌کند. تعمیرات، جابه‌جایی محل زندگی و موارد مشابه چالش‌های شما هستند. فراموش نکنید این شرایط کوتاه‌مدت است و با جابه‌جایی مریخ شادی بسیاری را تجربه خواهید کرد. تا آن زمان فقط باید صبور باشید.



### متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

همچنان بر دیگران تأثیر بسیار خوبی می‌گذارید، زیرا خورشید در بالای موقعیت شما بوده و شما را عالی جلوه می‌دهد. در عین حال، ونوس شما را به روابط گرم و نزدیک با دوستان تشویق می‌کند. این هفته مریخ به بخش پنهانی از موقعیت شما می‌آید و در نتیجه ممکن است کسی خواهان مصلحت شما نباشد؛ اما این فقط یک هشدار است. مریخ همچنان می‌تواند باعث شود تأثیر منفی بر دیگران بگذارد. بهتر است مراقب کلام و رفتار خود باشید.



### متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)

خورشید همچنان در موقعیت شما بوده و عقب‌نشینی عطارد هم تا مدتی دیگر ادامه دارد. به همین دلیل وسایلی را گم کرده یا اشتباهات عجیبی می‌کنید. علاوه بر آن مریخ پرشور هم به بخشی از موقعیت شما می‌آید که به فعالیت‌های روزمره و نحوه ارتباطات شما مربوط است. این بدان معناست که در دو ماه آینده سرعت عمل شما بیشتر می‌شود. به عبارتی منظور خود را به درستی بیان می‌کنید و منظورتان دقیقاً همان چیزی است که می‌گویید.



PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آتلیه مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۰۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰



### متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



کارآمد و مفید بودن را دوست دارید و از سخت‌کوشی احساس خوشحالی می‌کنید؛ اما درعین حال به دلیل عقب‌نشینی عطارد از تأخیرها و قرار ملاقات‌های انجام نشده در کار خسته هستید. فراموش نکنید همین عقب‌نشینی به نفع شماست و می‌توانید کارهای ناتمام را تمام کنید. حضور ونوس در مقابل موقعیت شما روابط گرمی را با نزدیکان فراهم می‌کند. مریخ بحث‌هایی را در زمینه‌ی اموال مشترک ایجاد می‌کند؛ اما باید سعی کنید هوشمندانه عمل کنید.

### متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



این هفته سراسر شادی و بازی است؛ از حضور در اجتماع و تفریح با بچه‌ها لذت می‌برید. روابط با همکاران بسیار گرم و سودمند است. با این وجود، در همین زمان مریخ پرشور به مقابل موقعیت شما آمده و هفته‌ها همان‌جا می‌ماند. این حضور در روابط شما با نزدیکان ستیز ایجاد می‌کند. بحث‌هایی با دوستان نزدیک دارید که اساساً جدال برای قدرت است. البته اکنون شجاعت آن را دارید که حرف بزنید و حقیقت را بگویید. این بسیار مهم است.

### متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



خانه و خانواده و زندگی شخصی همچنان برایتان مهم است. عقب‌نشینی عطارد مسائل گذشته را در خانه دوباره به جریان می‌اندازد. از طرفی این عقب‌نشینی به شما کمک می‌کند پروژه‌های مربوط به خانه را تمام کنید. در عین حال، مشتری خوش‌یمن و ونوس منصف شادی و تفریح را به همراه آورده و می‌خواهند عشق را در زندگی شما بیشتر کنند. مریخ پرشور هم با حضور خود شغل و سلامت شما را قوت بخشیده و تضمین می‌کند.

### متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



همه‌چیز آرام و رضایت‌بخش است، زیرا با حضور ونوس در بالای موقعیتتان در نظر دیگران عالی به نظر می‌رسید. همه نظر شما را خصوصاً در زمینه‌ی بهتر کردن شرایط جویا هستند. همچنان شوق سفر کردن یا انجام کاری متفاوت را دارید. باید بدانید مریخ پرشور به خانه دوستی‌های شما وارد می‌شود و به مدت هفت هفته همان‌جا می‌ماند. این حضور شما را به فعالیت ورزشی و گروهی با دوستان وامی‌دارد.

### متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



شور و اشتیاق بسیاری برای سفر، کشف مکان‌های جدید و یادگیری مطالب جدید دارید. از فرصت‌های بسیار خوبی هم برای جمع کردن مسائل مربوط به بیمه، مالیات، ارزیه و اموال مشترک برخوردارید. این هفته مریخ پرشور به بالای موقعیت شما آمده و بلندپروازی و همتان را بیشتر می‌کند. حضور هفت هفته‌ای مریخ باعث می‌شود سخت تلاش کرده و پروژه‌های ناتمام را کامل کنید. مراقب باشید همکاران از سخت‌کوشی شما هراسان نشوند.

### متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



شما هم مثل متولدین فروردین، از ورود مریخ به موقعیت برج آتش دوست خود همچون یکی از پایه‌های سه‌پایه بهره می‌برید. مریخ سیاره انرژی است و شما را در هر کاری که انجام می‌دهید حمایت و پرنرژی می‌کند. به همین جهت اعتماد به نفستان بیشتر شده و احساس توانایی و مؤثر بودن می‌کنید. به‌وضوح می‌دانید نیت و هدف‌تان چیست و دقیقاً چه چیزی را باید دنبال کنید. مریخ اشتیاق شما را به سفر هم بیشتر می‌کند.

# آرش شکور

کارشناس رسمی املاک مسکونی شما



برای خرید خانه رویایی خود  
روی "تجربه ما" حساب کنید

۰۵۱۴-۷۳۰ ۳۹۰۹

Instagram/Shakourz



## حکایت هفته

## قبولش داره

اخيراً كتاب‌های ماکياول را دوره کردم. هر چه دنبال این جمله گشتم که «هدف، وسیله را توجیه می‌کند» چیزی پیدا نکردم. تعجب کردم. در این کتاب‌ها خیلی چیزهاست که هیچ‌کدام معروف نیست، اما درست چیزی را که ماکياول نگفته به سر زبان‌ها افتاده.

یکی از استادان دانشگاه می‌گفت: من چنین مطلبی در کتاب‌های ماکياول ندیدم، احتمالاً متعلق به وی نیست. این جمله خیلی عمق است، ماکياول آن قدر عمیق نبوده.

ادیبی می‌گفت: هدف و وسیله هر دو از دوستان قدیمی‌اند. بر اثر صبر ظفر می‌آید. طفلکی قاطی کرده بود. مارک تواین نویسنده معروف آمریکایی می‌گوید: مبادا از راه‌های غیر شرافتمندانه پولدار شوید، مگر مجبور شوید.

مادر بزرگم می‌گوید: ننه، دروغ مصلحت‌آمیز بد نیست.

یکی از فلاسفه می‌گفت: اگر هدف ما این تلقی فلسفی باشد که هدف، وسیله را توجیه می‌کند چطور بگوییم که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند.

یکی از معتقدین به فلسفه مادیگری می‌گفت: وسیله نسبت به هدف یک امر عینی است و با توجه به تقدم عینیت به ذهنیت، این وسیله است که هدف را توجیه می‌کند. این همان حرف حسن مکانیک است که می‌گوید: بدون وسیله کاری از پیش نمی‌رود.

کریستف کلمب که سختگیری و قساوت زیادی در حق بومی‌های آمریکایی اعمال می‌کرد، گفت: برای رسیدن به خوبی می‌توان بدی کرد، چنانکه ما برای اینکه به شرق برسیم از غرب رفتیم.

کارمندی که حقوقش کفاف اجاره خانه‌اش را نمی‌دهد، گفت: باید اجاره را پرداخت، هر طور شده.

محققی که تحقیقش جایزه سال را برد گفت: اگر ماکياول آن قدر پدرسوخته بود که معتقد بوده وسیله را توجیه می‌کند، قاعدتاً آن قدر پدرسوخته‌گی داشته که بفهمد این حرف را نباید جار زد. از این استاد پرسیدند: پس چرا این عبارت به ماکياول نسبت داده شده؟ گفت: این سؤال من هم هست!

یکی از دوستان که احضار روح می‌کند، گفت: واقعاً انگار ماکياول نگفته که هدف وسیله را توجیه می‌کند، چون یکبار که روحش را احضار کردم به او گفتم: آخه این چه حرفیه که هی در کتاب‌هایت تکرار کردی؟ از دوستم پرسیدم: در کدام یک از کتاب‌هایش دیدی؟ در هیچ‌کدام. یکدستی زدم ... ولی نگرفت!

این حرف اخلاقیون هم خیلی معروف است: به هدف‌های خوب با وسیله‌های بد نمی‌رسند.

یکی هم گفت: هدف ما متعالی‌تر از آن است که با خشونت به آن برسیم. همین شخص بعد از مدتی گفت: هدف ما به قدری متعالی است که اگر شده با خشونت به آن می‌رسیم.

این فرد با وجودی که خیلی به ماکياول حمله می‌کند، اما همان دوستی که احضار ارواح می‌کرد درباره‌اش گفت: ماکياول خیلی قبولش داره!

منبع: (مو، لای درز فلسفه، اردلان عطاپور. تهران: نشر علم، ۱۳۹۱. قسمتی از حکایت «قبولش داره»)

## شعر هفته

### نه بد می‌خوایم نه بدتر

اتل و مثل ربابه، موقع انتخابه  
کمپلت‌الاجمعین بازم بیابن رأی بدین  
اتل و مثل هندونه، صندوقاً تو میدونه  
هر کسی که اپولیه  
پشت گوشش مخملیه  
بره بشینه تو سرویس  
به‌صرف کیک و ساندیس  
میگم حاجی تو رو به ریش  
هی نگو به کی رأی بدیم  
بگو واسه چی رأی بدیم  
به تو بدیم با اون ریش؟  
یا گله‌ی قوم‌وخویش؟  
که بعد بری پزشک بدی  
یک‌وری قمیروش بدی  
خودت شیر بز خوری  
به ما ریش بزوش بدی  
به ما دیگه خر نمیشیم  
انتر و منتر نمیشیم  
اون دفعه خر شدیم بسه  
ما خر مکرر نمیشیم  
«خر که مکرر نمیشه»  
نه اصغر و نه اکبر  
نه بد می‌خوایم نه بدتر

منبع: (افضات آقای هالو ۱۰، محمدرضا عالی‌پیام. تهران: محمدرضا عالی‌پیام، ۱۳۹۹. قسمتی اول شعر «نه بد می‌خوایم نه بدتر»)

## لطیفه‌های هفته



محسن رضایی تو انتخابات ایران هیچ‌وقت به مقصد فکر نمی‌کنه ... همیشه از مسیر لذت می‌بره!

رئیس جمهور نروژ در اقدامی انسان‌دوستانه استعفا داد و جایگاه خود را به محسن رضایی تقدیم کرد!

محسن رضایی به ستاد خود تأکید کرد ... تمامی بنرها را با حوصله و بدون چروک شدن برای ۴ سال دیگر جمع کنند!

خانومای عزیز! ... اگه دوست دارید همیشه تو فکر و ذهن یه مرد باشید، لازم نیست حتماً خوشگل و خوش‌هیكل و پر عشق و علاقه باشید ... کارت بانکی‌شو بگیرید تمام‌روز فکر و ذکرش پیش شماست.

یا امام زین‌العابدین تو اسمت سخته کسی صدات نمی‌کنه سرت خلوت‌تره ... یه کاری کن آخوند! برن!

خدایا اون موقع با ۱۰۰ میلیون کارم راه می‌افتاد ندادی ... الان باید ۴۰۰ بدی ... از کجا می‌خوای چورش کنی!؟

همسایه ما ۱۵ ساله پشت پیکانش نوشته ... «چنان نماند و چنین هم نخواهد ماند» ... بزرگوار یه تجدیدنظری بکن!

ریاضیات به زبان ساده: ... اگر شما ۲۰۰ میلیون داری و زنت ۵۰ میلیون ... یعنی زنت ۲۵۰ میلیون داره.

## نکته هفته

یکی از تفاوت‌های انسان مشهور و انسان قهرمان این است که اولی برای خودش زندگی می‌کند و دومی برای نجات جامعه.

## نقل قول هفته

حکیم فردوسی: به جویی که یک روز بگذشت آب نسازد خردمند ازو جای خواب.

## ضرب‌المثل هفته

پارسی: به‌راحتی نرسید آنکه زحمتی نکشید.  
روسی: اسب‌های «امید» با یورت‌مه می‌دوند  
ولی اسب‌های «تجربه» آهسته‌گام برمی‌دارند.

**صرافی افرا**  
 با مدیریت آقای مصطفایی  
 کارتخوان ایران  
 انجام خدمات ارزی به ایران و بر عکس (استرالیا و ترکیه و امریکاستان)  
 تضمین امنیت وجوه حواله های شما با مجوز رسمی از دولت کانادا  
 جذب مترو اتواتر  
 514-576-3830  
 4055 Ste Catherine O #124 Westmount QC, H3Z 3J8

★★★★★  
**Five Star I.P.M Inc.**  
**صرافی پنج ستاره**  
 مشاور قربانچیان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و  
 بالعکس با کمترین هزینه  
 514 585 2345 | 514 846 0221  
 4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

**صرافی آشنا**  
 خرید و فروش ارزهای رایج و حوالجات ارزی  
 خرید و فروش ارزهای رایج و حوالجات ارزی  
**ASINA**  
 Office: 514 - 560 - 7085  
 Cell: 514 - 462 - 5185  
 4055 Ste Catherine O # 194 H3Z 3J8

**UNIQUE Inspection Inc.**  
 Certified Home Inspectors  
 (438) 494-5580  
 uniqueinspectioninc@gmail.com  
**فرزام اندلیب**  
 HOME INSPECTOR  
 Civil Engineer  
 مهندس  
 بازرسی فنی ساختمان

InterNACHI Certified Professional Inspector (CPI)  
 InterNACHI Quebec membership number # 19111203  
 خرید خانه شاید مهم ترین سرمایه گذاری زندگی شما باشد  
 پس ارزش آن را دارد که قبل از خرید مورد بهترین بازرسی قرار گیرد

**SHARIF EXCHANGE**  
**صرافی شریف**  
 توجه: انتقال ارز به ایران و بر عکس نداریم  
 www.sharifexchange.ca  
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

**تعمیرات و نو سازی ساختمان**  
 مسکونی و تجاری  
**Ben Reno** **RBQ License**  
 کاشیکاری و سنگ کاری ● نصب کفپوش و پارکت  
 تعمیرات و نو سازی حمام ● نرده چوبی  
 کابینت و تجهیزات آشپزخانه ● بالکن (Deck)  
 نصب در و پنجره ● نقاشی  
 (514) 441 4295  
 facebook: Ben Reno  
 benrenovation4295@gmail.com

**الهام گرامی**  
 دکترای روانشناسی  
 مشاور در زمینه مشکلات فردی، کودک و نوجوان  
 مشاوره خانواده و زوج  
 مدرس مهارت های زندگی، مهارت های فرزند پروری  
 مدرس مهارت های زناشویی  
 (514) 431 2826  
**Consultant & Life Coach**  
 عضو انجمن مشاورین و روانشناسان کانادا  
 دارای مجوز رسمی از سازمان نظام روانشناسی ایران  
 (شماره نظام روانشناسی ۳۳۳۷)

**VANTAGE**  
**آتوسا تنگستانی فر**  
 همراه با شما در خرید آگاهانه  
 همگام با شما در فروش موفقیت آمیز  
 سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:  
 تهیه قبری وام مسکن  
 مشاوره برای فروش مسکن  
 کلیه امور مربوط به خرید مسکن  
 514 995 3041  
 atosa.tfar@gmail.com  
 8250boul. De'carte, Suit 150, Montreal, QC H4P 2P5

**کلیه خدمات عکاسی و فیلمبرداری حرفه ای در استودیو**  
 فقط با وقت قبلی  
**STUDIO PHOTOBOOK**  
 (514) 984-8944  
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3



Real Properties

## شبم نبی پور

مشاور املاک

مشاوره و ارزیابی، ارتقاء به صورت فکسی و حضوری  
 خدمات ۲۴ ساعته برای خریداران نابینا بر روی تلفن  
 همراه و پیام فکسی یا بهترین نرخ و بهترین پیش رو یا تحت پشتیبانی تازه و دقیق

**613-709-9070**

OFFICE: 613-366-1713  
 WWW.SHABBYNABIPOUR.COM  
 E-MAIL: SHABBYNABIPOUR@REALPROPERTIESREALTY.COM

Shabby Nabi  
Sales Represent

ROYAL LEPAGE  
**MASTER SALES**  
 AWARD 2011

**MAS SALES**

ROYAL LEPAGE  
**Team Realty**

**MEHDI FALLAHI**  
 REALTOR

تمام مشتریان من  
 تبدیل به دوستان  
 صمیمی من شده اند.

اجازه دهید به شما  
 نیز خدمت کنم.  
 ۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

yes@RealOttawa.ca

محل های پخش  
**هفته در اتاوا**

سوپرمارکت آریا  
 ۶۱۳۵۹۴۳۶۳۶  
 508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز  
 ۶۱۳۵۶۳۱۲۰۷  
 725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل  
 ۶۱۳۸۹۷۶۶۶۶  
 355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

رستوران دونرما  
 ۶۱۳۶۹۵۲۲۲۱  
 129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7

**محل جدید پخش هفته در اتاوا**

افغان کباب اکسپرس  
 ۶۱۳۵۹۳۸۸۸۰  
 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2

( 5 1 4 ) 8 3 4 - 7 2 5 4  
 www.hafteh.ca info@hafteh.ca

www.ravadid.ca  
 info@ravadid.ca

**موسسه مهاجرتی روادید:**

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب  
 اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی  
 سرمایه گذاری و کار آفرینی  
 خرید بیزینس و دریافت مجوز کار  
 اکسپرس انتری  
 ویزای توریستی  
 تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا  
 اسپانسرشیپ همسر والدین  
 خدمات اسکان اولیه  
 و ...

**تماس رایگان در آمریکای شمالی:**  
 Free Tell & fax:  
 1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی  
 +1(514) 797-6850 (Ottawa head office)  
 +1(514) 638-8258 (Montreal office)

**ALIREZA MANSOURI**  
**RCIC, R533715**








## 16: Histoire de couverture

### Les relations Québec-Canada et la problématique de la discrimination

■ Nargis Hashimi et Farangis Shakiba



Cover  
NO.638

- 43 Interview:** Saeid Moradzade  
Je suis musicien de rue et la musique que je fais est un "double crime" en Iran



43

- 35 Introduction du livre:** Yassaman Hassani  
La villa aux étoffes par Anna Jacobs



35

- 53 Economie:** Armin Aryanpour  
Le marché du logement se calme ?



53

- 50 Politique :** Negareh Parvarandeh  
Dany Laferrière plonge dans la question du racisme



50

- 63 Afghanistan :** Habib Osman  
L'histoire de la naissance d'un sport populaire à Kaboul  
Qui est Mohammad Asef Ata ?



63

Publication: Journal HafteH / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Montreal

24 juin 2021, numéro 638  
24 JUN 2021, issue Nr. 638

HafteH will not be published on the following dates during 2021:

January 7th  
March 25th  
July 8th  
October 14th

(514) 834-7254  
• www.hafteH.ca  
• info@hafteH.ca  
• news@hafteH.ca  
• ad@hafteH.ca  
• ISSN 1918-4379 HafteH

**Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie**

Photographe: Mahnaz Zangirzani  
Dessinateur: Sirous Yahyaabadi

Politique: Farangis Shakiba  
Littérature: Farshid Sadatsharifi (PhD)  
Psychologie: Dr Elham Gerami  
Economie: Armin Aryanpour  
Immigration: Masoumeh Alimohammadi  
Cinema: Mostafa Azizi  
Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi  
Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,  
Habib Osman et Abdolhadi Tapand  
Actualité Communauté: Negin Parvarandeh



le prix: \$2.50

Les frais de l'abonnement annuel: 120 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.  
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada



# PERMONT

Entrepreneur globaltron - General Contractors Inc.

تیم متخصصی با بیش از ۲۰ سال سابقه اجرا در کانادا

## سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی  
برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز  
استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان



Tel: 514-738-0006 Fax: 514-738-0002 Info@permont.ca www.permont.ca  
5575 boul. de la Verendrye, Montreal, H4E 3R6  
RBQ # 5639-5874-01

B | L | V | D  
BOULEVARD

## مشاور املاک در مونتreal بزرگ

### سارا تاثیري

مشاور املاک در مونتreal بزرگ

## Sara Taassiri

Real Estate Broker

- همکاری با مشاوران دریافت وام مسکن
- شرایط استثنایی برای تازه واردین
- خدمات رایگان برای خریداران
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره تلفنی و حضوری

514-929-8425

taassiris@blvdimmobilier.com





# شیرین شکور

کارشناس رسمی املاک مسکونی و تجاری شما

برای دسترسی به  
پیش فروش‌های ویژه  
روی "ارتباطات ما"  
با سازنده‌های معتبر  
حاجت کنید



📞 514-441-4189

Agence Immobilière  
GROUPE IMMOBILIER  
LONDONO  
REALTY GROUP INC

A Donation Partner Of  
DANS LARUE



**SAMI FRUITS**

# میوه تره بار سامی

کیفیت: خوب قیمت‌ها: غیرقابل رقابت

باشش شعبه بزرگ در خدمت شما

**D.D.O. (514) 421-6333**  
**3000 Rue du Marche, H9B 2Y3**  
 چهارشنبه: ۱۹۳۰ تا ۱۸:۳۰  
 پنجشنبه: ۲۰۰۰ تا ۱۸:۳۰  
 جمعه: ۲۰۰۰ تا ۱۸:۰۰  
 شنبه و یکشنبه: ۱۹:۰۰ تا ۱۸:۰۰  
 (دوشنبه و سه‌شنبه تعطیل)

**Head Office**  
**1605 rue Legendre Ouest**  
**Montreal, QC H4N 1H6**  
**(514) 858-6363**

**Nord-est (514) 593-1333**  
**8200 19E Avenue, H1Z 4J8**  
 دو و چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۱۸:۳۰  
 پنجشنبه: ۲۰:۰۰ تا ۱۸:۳۰ - جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۱۸:۰۰  
 شنبه و یکشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۱۸:۰۰ - سه‌شنبه: تعطیل

**St. Laurent (514) 856-1333**  
**1320 boul. Jules-Poltras, H4N**  
 چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۱۸:۳۰ - پنجشنبه: ۲۰:۰۰ تا ۱۸:۳۰  
 جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۱۸:۰۰ - شنبه: ۱۹:۳۰ تا ۱۸:۰۰  
 یکشنبه: ۱۹:۰۰ تا ۱۸:۰۰ - دو و سه‌شنبه: تعطیل

**Laval (450) 978-1333**  
**1550 Blvd Daniel Johnson**  
 دوشنبه و چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۱۸:۳۰  
 پنجشنبه، شنبه و یکشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۱۸:۰۰  
 جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۱۸:۳۰ - سه‌شنبه: تعطیل

**Lasalle (514) 368-1333**  
**400 ave Laffeu, H8R 3H6**  
 چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۱۸:۳۰  
 پنجشنبه: ۲۰:۰۰ تا ۱۸:۳۰ - جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۱۸:۰۰  
 شنبه و یکشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۱۸:۰۰ - دو و سه‌شنبه: تعطیل

سامی، جایی که می‌توانید سبد خرید خود را پر از میوه کنید.

اما کیف پولتان را خالی نکنید.





**INSTITUT TECHNIQUE**  
**AVIRON**  
**TECHNICAL INSTITUTE**  
**DE MONTRÉAL**

80 années écoulées pour le bon service

## روایهای خود را واقعیت بخشید

les cours en ligne sont disponibles en français et en anglais

### دوره های آنلاین اویرون آغاز شد

**Programmes D.E.P 1800 heures:**

- Soudage-montage
- جوشکاری و مونتاژ
- Mécanique automobile
- مکانیک اتومبیل
- Dessin industriel
- طراحی صنعتی
- Électricité
- برق کاری

• تئوری: به صورت آنلاین  
• عملی: در موسسه و حضوری  
• امتحانات: حضوری در موسسه و آنلاین

**Service de Placement Disponible**






5460 Royalmount, Ville Mont-Royal De La Savane

www.avirontech.com

514-739-3010

## مهندس مهدی انصاری

### مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه کنکوردیا

خرید و فروش تخصصی ملک  
دسترس ویژه به پیش خرید  
در سراسر مونترال

دسترس تضمینی به بهترین  
مبلغ وام با کمترین سود بانکی

## بسته خرید ویژه فقط برای پرستاران و پزشکان عزیز



514-588-0609

MEDI.ANS.MTLBROKER

www.mahdiansari.com

MAHDI ANSARI - CANADA AWARDED BROKER 2019-2020